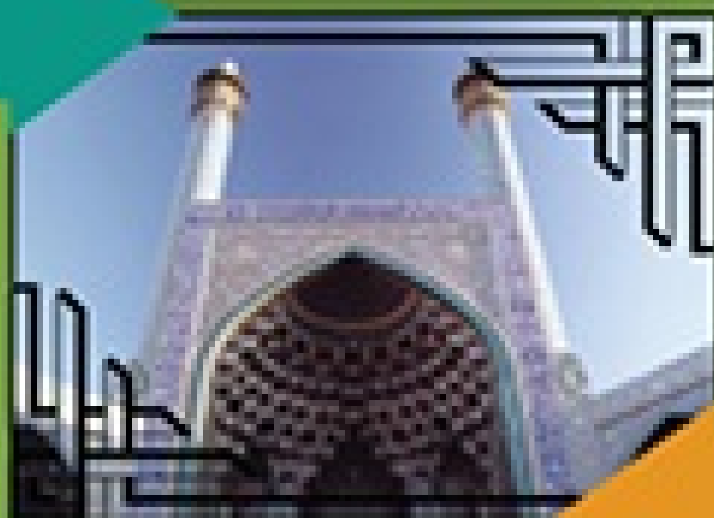
آثار تربیتی نماز

راه‌های ایجاد گرایش به نماز در جوانان



سید محمد ذکی دوغان (حسینی)

بسم الله الرحمن الرحیم

آثار تربیتی نماز (راه های ایجاد گرایش به نماز در جوانان)

نویسنده:

محمد زکی دوغان(حسینی)

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آثار تربیتی نماز (راه های ایجاد گرایش به نماز در جوانان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : دوغان، محمدزکی، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور : آثار تربیتی نماز« راههای ایجاد گرایش به نماز در جوانان»/ محمد زکی دوغان(حسینی).

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۷۲ ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۳۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۶۵]- ۱۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز -- تاثیر

موضوع : جوانان مسلمان

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/د۸۴آ۲ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۴۷۲۵۰

ص:۱

اشاره

تقدیم:

به پیشگاه بقیهاللّه الاعظم امام زمان حضرت مهدی موعود(عج) و به جوانان و نوجوانان که آینده اسلام و چشم امید مسلمین هستند.

و به پدران و مادران، آنان که به فکر تربیت صحیح و داشتن فرزندانی خوب، موفق و نمازگزارند.

و به تربیت کنندگانی که عهده دار این مسئولیت سنگین هستند.

و به مادر و پدرم و نیز به همسر فداکارم که در این امر مرا یاری نمودند.

ص:۵

تقدیر و تشکر:

با سپاس و قدردانی از زحمات فراوان و بی شائبه حجهالاسلام والمسلمین قاسم خانجانی و مسئولین ستاد اقامه نماز، دوستان و همه کسانی که در این پژوهش با من همکاری داشته اند و زحمات زیادی متحمّل شده اند.

فهرست مطالب

۱۰. اثرپذیری ۴۲

ص:۸

ج. تقوا، فراهم سازی قبولی اعمال است ۷۵

ص:۱۰

ب. صبر در روایت ۹۱

ص:۱۱

۲. رعایت برخی از آداب ۱۱۳

ص:۱۲

۴. تکالیف دینی ۱۳۰

ص:۱۳

ص:۱۴

ص:۱۵

مقدمه

نماز، بزرگ ترین عبادت و مهم ترین سفارش تمام انبیاء است. لقمان حکیم به پسرش توصیه می کند: «پسرم! نماز برپادار»(۱). و حضرت عیسی(ع) در گهواره می گوید: «خدایم مرا به نماز... توصیه کرده است»(۲).

خداوند در قرآن کریم در مورد اقامه نماز، به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «به ستایش پروردگارت تسبیح کن و از نمازگزاران باش»(۳) و بسیاری روایات و احادیث و موارد دیگر که در فرهنگ های مختلف دینی به نماز توصیه کرده اند.»

گسترش فرهنگ نماز و فراهم کردن زمینه آن، از اهداف و دغدغه های مهم همه انبیاء به ویژه پیامبر گرامی اسلام(ص) و پیشوایان معصوم(ع) و فقها تا امروز بوده است.

با توجه به تأثیر نماز در شخصیت انسان و بالأخص در شخصیت سازی نوجوانان و جوانان، این مسأله اهمیت بیش تری نیز پیدا می کند. رسول خدا(ص) در مورد جوانان و نوجوانان چنین سفارش می فرماید:

۱- ۱. سوره لقمان، آیه ۱۷، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. سوره مریم، آیه ۳۱، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۳- ۳. سوره حجر، آیه ۹۸، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

«شما را به نیکی به نوجوانان و جوانان سفارش می کنم زیرا آن ها دلی نرم تر (پذیراتر) دارند. خداوند مرا به پیامبری بر انگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان بستند ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم پرداختند»(۱)

فواید فردی و اجتماعی این فریضه بزرگ ایجاب می نماید تا همه دست اندرکاران تعلیم و تربیت به این امر توجه جدی داشته باشند و تلاش کنند تا در امر تربیت جوانان و نوجوانان، هرچه بیش تر به نماز و ارزش هایی که در آن نهفته است توجه شود.

اگر ما جامعه ای نمونه، پر نشاط، با (معنوی) و عاری از گناه می خواهیم، باید فرهنگ نماز را گسترش داده و نهادینه نماییم.

امروز به برکت نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه ترویج و گسترش فرهنگ نمازخوانی فراهم شده است و پرداختن به مباحثی در این خصوص، به ویژه در ارتباط با نوجوانان و جوانان نیاز است؛ این مهم به سبب تأکیداتی است که بزرگان در مورد جوانان و نماز فرموده اند. امام صادق(ع) می فرماید: «بر تو باد به جوانان، زیرا آن ها تمایل بیش تری به کارهای نیک دارند.»(۲)

البته باید پذیرای این واقعیت باشیم که گرچه در راه ترویج نماز تلاش های زیادی انجام گرفته و برنامه های زیادی نیز اجرا شده، اما فاصله گرفتن نسل نوپای جامعه از نماز نیز امری واقعی است که متأسفانه امروز شاهد آن هستیم.

ص:۱۸

۱- ۱. فرید، مرتضی؛ الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶.

بنابراین لازم است همه کسانی که در امر تربیت مسئولیت دارند، در راه ترویج فرهنگ نماز گام بردارند.

در این تحقیق، با استفاده از منابع کتاب خانه ای در صدد تعریف شخصیت و تأثیرپذیری نوجوانان و جوانان و خصوصیات و ویژگی های آنان و هم چنین عوامل مؤثر در گرایش و جذب آنان به نماز هستیم و تلاش می کنیم تأثیرات هر کدام را در جای خود مورد بحث قرار دهیم.

هم چنین به راه کارها و روش های صحیح و اصولی که برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین(ع) و سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و بزرگان و علمای بزرگ است خواهیم پرداخت و نمونه های عینی و عملی موجود در سیره این بزرگان را به عنوان شاهد و نمونه مطرح خواهیم نمود.

البته در این راه از نظر صاحب نظران مسایل تربیتی و روان شناسی نیز استفاده خواهیم نمود.

ص:۱۹

فصل اول: شناخت شخصیت جوان

مبحث اول: شخصیت

گفتار اول: مفهوم شناسی

الف. تعریف لغوی شخصیت

در لغت نامه دهخدا، «شخصیت» این گونه تعریف شده است:

«شخصیّت، مأخوذ از شرافت و رفعت و بزرگواری و مرتبه و درجه است.»(۱)

در فرهنگ عمید: «شخصیت» ذات هر شخص، خلق و خوی مخصوص هرکس و مجموعه خصائص یک فرد است که او را از دیگران متمایز می سازد.»(۲)

۱- ۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، ج ۳۰، ص ۲۷۹.

۲- ۲. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۵۴۳.

ب. تعریف اصطلاحی شخصیت

دانشمندان تعاریف گوناگونی از شخصیت ارایه کرده اند که به عنوان نمونه به دو تعریف اشاره می کنیم:

«شخصیت، تکامل یافتن صفات مشخص در خلق شخص همگام با تکامل ساختار بدن، رفتار، توجّهات، توانمندی او، امکانات و کلیّه جهات و مواردی است که به عنوان جنبه تکامل و کمال شناخته شده است.»(۱)

اصطلاح «شخصیت» عبارت است از تمامی سیستم تمایلات نسبتاً پایدار روانی و جسمی هر فرد؛ تمایلاتی که نحوه تطابق وی را نسبت به محیط روانی، اجتماعی و مادّی معین می سازد.»(۲)

روان شناسان دو راه را برای بررسی شخصیت در نظر گرفته اند:

۱. از راه بررسی خصوصیات ظاهری افراد.

۲. از راه تمایلات پنهانی که می توان آن ها را بر حسب غرایز، نیازها، ساختمان بدنی، مکانیسم و نظایر آن ها توصیف نمود.(۳)

بعضی از روان شناسان، شخصیت را از جنبه های بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی کنش انسان مطالعه می کنند و از روش های مناسب برای پژوهش در این زمینه ها سود می جویند.(۴)

گروهی دیگر از روان شناسان در مطالعه شخصیتِ افراد، به رفتار مشهود آن ها توجه می کنند.(۵) و بعضی دیگر، شخصیت را با توجه به

۱- ۱. یادگاری، عبدالمهدی و عاقل فاخر؛ فرهنگ روان شناسی، ص ۱۴۷.

۲- ۲. پورافکاری، نصرت اللّه؛ فرهنگ جامع روان شناسی روان پزشکی انگلیسی - فارسی، ج ۲، ص ۱۱۰۶.

۳- ۳. جمال فر، سیاوش؛ روان شناسی شخصیت، ص ۱۲.

۴- ۴. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۶.

۵- ۵. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۶.

ویژگی هایی چون فرایندهای ناهشیاری تعریف می کنند که به طور مستقیم قابل مشاهده نیست و باید از رفتار استنباط شود.(۱)

با این تعاریف مشخص می شود که تعریف معین و واحدی از شخصیت که مورد توافق همگان باشد نداریم.

اما می توان وجه مشترک تمام تعاریف را این گونه بیان کرد:

«شخصیت عبارت است از مجموعه ویژگیهای جسمی، روانی و رفتاری که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می نماید.»

ج. شخصیت از دیدگاه متون اسلامی

در اسلام، بخشی مستقل راجع به شخصیت و تعریف کامل آن نداریم امّا در آیات و روایات، صفات شخصیت انسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. در آیین مقدس اسلام به مسئله شخصیت، توجه بسیاری شده و شخصیت افراد نیز مورد توجه قرار گرفته است. از نظر صفات طبیعی و اکتسابی و نیز از نظر موضوع سازگاری با محیط و حسن معاشرت با مردم، پیشوایان اسلام به شیوه های مختلف فرمایشاتی داشته اند.(۲)

گفتار دوم: ویژگی های شخصیت

اشاره

در این گفتار به دنبال یک سری ویژگی های مشترک شخصیت هستیم که بدون استثناء در وجود هر شخص موجود است.

از این رو می توان ویژگی های شخصیت را در موارد زیر بیان کرد:

۱- ۱. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۶.

۲- ۲. فلسفی، محمدتقی؛ گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۲، ص ۷.

الف. شخصیت هر فرد بیان گر اختصاصات و اشتراکات اوست

شخصیت هم بیان گر اصول و قواعد مربوط به کنش یک فرد است و هم نشانگر اصول و قواعدی است که در کنش همه افراد مشترک است. شخصیت از یک بعد، منحصر به فرد است و انسان را از سایرین متمایز می سازد و از بعد دیگر در خصوصیاتی بادیگران مشترک است که همه انسان ها در آن مشترک می باشند.(۱)

ب. شخصیت شامل جنبه های تغییرپذیر می شود

.

شخصیت هم شامل جنبه های پایدارتر و تغییرناپذیر کنش انسان است که گاهی ساختار نامیده می شود و هم شامل جنبه های ناپایدارتر و تغییرپذیر که گاهی فرایند نامیده می شود.(۲)

با توجه به تعریف هایی که درباره شخصیت بیان شد می توان گفت اگرچه افراد از نظر خصوصیات جسمی و از حیث صفات معنوی و اخلاقی باهم شباهت دارند اما در مجموع از یک دیگر متفاوت هستند و رفتار، عواطف، تمایلات و حرکات هر یک از آن ها دارای رنگی مخصوص است.

ج. شخصیت هر فرد از دیگری متمایز است

.

تعریف ما از شخصیت (و ویژگی ها) ممکن است عقیده بی نظیر بودن انسان را شامل شود.

بنابراین می توانیم بگوییم که «شخصیت مجموعه ای از ویژگی های پایدار و بی نظیر است که ممکن است در پاسخ به موقعیت های مختلف

۱- ۱. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۷.

۲- ۲. جوادی، محمدجعفر و کدیور، پروین؛ روان شناسی شخصیت، ص ۷.

تغییر کند.»(۱)

به هرحال در ویژگی های شخصیت، نمی توان اثر وراثت و محیط را از نظر دور داشت، چون این دو ویژگی اصلی هستند و هیچ صاحب نظری نقش اصلی آن را رد ننموده است. بنابراین مهر تأیید بر این ویژگی های اصلی شخصیت نهادینه شده است، اما در مابقی ویژگی ها، حالت ناپایداری وجود دارد و به موفقیت های مختلف آن ها بستگی دارد.

به هرحال هنگامی که بخواهیم شخصیت یک فرد را توصیف نماییم، قاعدتاً خصایص او را نام می بریم. خصایص، جنبه های کلی رفتار هستند که مردم برای توصیف شخصیت افراد به کار می برند. به عنوان مثال ویژگی های با هوش، آرام، مسلّط، مشارکت کننده، دوست داشتنی و... همگی ویژگی هایی هستند که با آن ها آشنایی داریم و می توانیم الگوهای رفتاری هر کدام از این ویژگی ها را توصیف نماییم؛ درصورتی که اگر تمام این ویژگی های فرد را بشناسیم، می توانیم رفتار او را پیش بینی کنیم و لازمه این بیش بینی دو چیز است:

۱. ویژگی ها درست تشخیص داده شود.

۲. محیط و موقعیتی که ویژگی های فرد در آن شکل گرفته، شناخته شود.

بنابراین اگر تاریخچه زندگی فرد را دانستیم، امکان بیش تری برای مطالعه رفتار او در دست خواهیم داشت.

۱- ۱. محمدی، یحیی؛ نظریه های شخصیتی، ص ۱۳.

گفتار سوم: عوامل مؤثر بر شخصیت

اشاره

عوامل گوناگونی بر شخصیت انسان مؤثرند. ازجمله می توان: وراثت، محیط، مدرسه، دوستان و اجتماع را نام برد که نقش آن ها در شکل گیری شخصیت انسان یکسان نیست. البته تأثیر گذاری این عوامل، به حدی نیست که اراده انسان را سلب کند بلکه این انسان است که می تواند مسیر سرنوشت خود و جایگاه شخصیتی فردی و اجتماعی خود را به دست خود و با اراده خود رقم زند. در این جا، به اختصار به هریک از عوامل ذکر شده اشاره می کنیم:

«وراثت به معنای عام، انتقال خصایص جسمی و روانی والدین به فرزند است.»(۱) که به دو نوع شخصی و نوعی تقسیم شده است:

۱. وراثت شخصی: عبارت است از انتقال صفات شخصیتی والدین به اولاد، اعم از آن که توسط ژن باشد یا نباشد.

۲. وراثت نوعی: عبارت است از مشترک بودن انسان در غرایز و اصل خلق و خوی وجود انسان؛ همان طور که نوعاً حاصل گندم، گندم است.(۲)

الف. اسلام و وراثت

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً؛ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم.(۳)»

۱- ۱. هاشمی، سید مجتبی؛ تربیت و شخصیت انسانی، ص ۱۶۶.

۲- ۲. هاشمی، سید مجتبی؛ تربیت و شخصیت انسانی، ص ۱۶۶.

۳- ۳. سوره انسان، آیه ۲، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

آفرینش انسان از (نطفه مخلوط) ممکن است یا اشاره به اختلاط نطفه مرد و زن باشد، همان گونه که در روایات اهل بیت(ع) اجمالاً به آن اشاره شده است یا اشاره به استعدادهای مختلفی باشد که در درون نطفه قرار دارد و به وسیله عامل وراثت از طریق ژن ها منتقل می شود یا اشاره به اختلاط مواد مختلف ترکیبی نطفه است؛ چرا که از دهها ماده مختلف تشکیل یافته است و یا منظور، اختلاط همه این مواد با یک دیگر باشد که معنای اخیر از همه جامع تر و مناسب تر است.(۱)

پس قبل از آن که علوم تأثیر وراثت بر شخصیت انسان را کشف کنند، اسلام از همان آغاز، این تأثیر را برای مردم تبیین نموده است. به هرحال بشر از دیر زمان متوجه این نکته بوده است که موجود زنده، بسیاری از صفات و خصایص خود را به نسل بعد منتقل می کند. در واقع نسل بعد، وارث صفات نسل قبل است(۲).

ب. اثر عوامل محیطی بر شخصیت

محیط در مقابل وراثت، عاملی خارجی اما مؤثّر بر شکل گیری شخصیت است. طبق تحقیقات دانشمندان، محیط کلید تمام عواملی است که خارج از هویت فرد بر او تأثیر می گذارند و موجب تحوّل فردی او می شوند؛ خواه عوامل بیولوژیکی و خواه عوامل اجتماعی(۳).

پژوهش گران با مطالعاتی که درباره وراثت و محیط و تأثیر آن بر انسان انجام داده اند، عقیده دارند که هر انسانی مخلوق فطرت و محیط خویش است. گروهی از این پژوهش گران، تأثیر و نقش محیط را مهم تر و مؤثّرتر

۱- ۱. بابائی، احمدعلی؛ برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۵۲.
۲- ۲. فلسفی، محمدتقی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، ص ۶۱.
۳- ۳. هاشمی، سید مجتبی؛ تربیت و شخصیت انسانی، ج ۱، ص ۱۶۷.

از وراثت دانسته اند. ازجمله عوامل محیطی که در رشد شخصیت انسان تأثیر می گذارند عبارتند از:

الف. محیط پیش از تولد

اوّلین محیط مؤثّر بر رشد شخصیت جنین، پس از آن که نطفه بسته شد، رحم مادر است. در این زمان اگرچه کودک با غذا تغذیه نمی شود، امّا بهداشت تن و روان مادر در رشد شخصیّت جنین تأثیر فراوان دارد.

درصورتی که مادر به این موارد مؤثر، بی توجّه باشد آثار سوء بر رشد شخصیت کودک می گذارد و صدمات غیر قابل جبران برای او به بار می آورد. ناراحتی های بدنی و روانی و مصرف یک سری داروهای مضر در انتقال نوعی صفات عمومی و مشترک آدمیان به فرد مؤثرند. در هر حال در متون اسلامی به نقش وراثت بسیار توجه شده که در فصل سوم به تفصیل به آن اشاره خواهیم نمود.

ب. محیط پس از تولد

زمانی که نوزاد به دنیا می آید، عوامل محیطی بسیاری در رشد شخصیت او تأثیر می گذارند.

ازجمله این عوامل، مادر و پدر و تغذیه هستند که در شخصیت کودک مؤثّرند.

خانواده به عنوان بنیادی ترین و اساسی ترین نهاد اجتماعی و اوّلین کانونی که انسان در آن پای می نهد و زندگی خود را در آن آغاز می کند، نقش بسیار مهم و اساسی در تربیت بشر دارد، همان طور که نقشی اساسی در تشکیل جوامع و ایجاد تمدن ها دارد. به همین جهت شعار بسیاری از جامعه شناسان، «خانواده سالم جامعه سالم است.»

انسـان بعـد از تولـدّ تـا هنگـام ورود به مـدرسه، بیش تر از همه چیز تحت تـأثیر پـدر و مادر خود است. مادر اولین و مهم ترین کسی است که در زندگی کودک تأثیر می گذارد و کودک با او آشنایی و ارتباط حاصل می کند. وقتی مادر کودک را شیر می دهـد با او رابطه محبت آمیزی برقرار می کنـد و در حقیقت عطوفت و مهربانی را در او پرورش می دهـد؛ چرا که میان آن ها علاقه و محبت برقرار می گردد.

کودکی که مـادرش با او رابطه محبت آمیزی برقرار کرده است، دارای شخصـیتی سازگار، پویا و فعّال می شود و کودکی که مادر با او رفتار محبت آمیزی نداشـته است، ممکن است درون گرا و ناسازگار باشـد و شخصـیتی ناهنجار پیـدا کند. زمانی که کودک به حـد کـافی رشـد کرد و با اعضای خانواده آشـنا شـد، اهمیت و جایگاه پـدر را بیش تر در می یابـد. پسـرانی که در خانواده های بدون پدر پرورش یافته اند، رشد شخصیتی کمتری دارند و از ویژگی های مردانه ضعیف تری برخوردار هستند.

معمولاًـ پـدر، الگوی پسـر است و پسـر می کوشـد که از راه همانـنـدسازی پـدر، از او تقلیـد کنـد ولی الگوی دختران، مادران هستند. دختران با توجه به عوامل فطری و محیطی، مادران خود را الگو قرار می دهند و خود را با آن ها همانند می سازند.

ج. مدرسه

ازجمله عواملی که در ساختن شخصیت فرد دخالت دارد و خود متشکل از عوامل جزئی تری است، محیط مدرسه است.

مـدرسه باعث ایجاد علاقه به کسب علم ودانش در کودک می شود. ممکن است محیط مدرسه در کودک مؤثر باشد و او را تا پایان عمر شیفته

ص:۲۹

دانش انـدوزی نمایـد و از سوی دیگربر اسـاس رفتار و برخورد نا بجا، سـبب شود کودک از ادامه دادن به تحصـیل بیزار شـده تحصیل را ترک نماید.

د. محیط اجتماعی

یکی دیگر از عوامـل مؤثر در رشـد و تغییر شخصـیت انسـان، ارزش هایی است که در فرهنگ جامعه حاکم است. ارزش های که در میان هر ملت و جامعه وجود دارد و مردم به آن احترام می گذارنـد و از آن پیروی می کنند و نمودار فرهنگ یک ملت به شمار می رود.

عوامـل دیگری نیز وجود دارنـد که در تغییر، رشـد و تکوین و سـاخت شخصـیت انسان مؤثر هسـتند.ماننـد گروه همبازی ها، همسایگان و دوستان. هرکدام از این عوامل، بر رشد و تغییر شخصیت اثر می گذارند.

مبحث دوم: جوان

گفتار اول: مفهوم شناسی

اشاره

قبـل از ورود به بحث، لازم است با تعریف لغوی جوان آشـنا شویم و پس از آن به چنـد نمونه از روایات اشاره کرده، سـپس توضیحات لازم را ارائه نماییم.

الف. در کتاب های لغت فارسی و عربی تعریف هایی از «جوان» ارائه شده است که برخی از این تعریف ها، عبارت اند از:

«هر چیزی که از عمر او چندان نگذشته باشد، خواه انسان باشد، خواه حیوان و خواه نبات، به او جوان می گویند.»(۱)

۱- ۱. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، حرف ج، ص ۱۲۴۹.

ب. مقطع سنّ جوانی: «برنا، ضدپیری: جوانی: برنایی، بهار عمر از سن ۱۸ تا ۳۵ سالگی در انسان را(۱)» جوانی می گویند.»

صاحب نظران در کتب عربی نیز تعاریفی برای جوان ارائه نموده اند. طریحی منظور از جوانی را «دوران قبل از پیری می داند.(۲)» روان شناسان نیز درباره این که دوره جوانی چه سنینی را شامل می شود اختلاف دارند.

آغاز دوران جوانی را نمی توان سن خاصی دانست، چون بر حسب افراد و جوامع متفاوت است. شروع جوانی را که همراه با بلوغ جنسی است، می توان با قاطعیت

بیش تری تعیین نمود، لکن پایان آن را بر حسب شرایط فرهنگی و محیطی نمی توان در جوامع یکسان دانست.(۳)

جوان در منابع دینی

با مراجعه به متون دینی می توان دریافت که گاه برای جوان، سن خاصی بیان شده و گاه به ویژگی دوران جوانی اشاره شده است و گاه به هردو مورد. امام علی(ع) می فرماید: «طول و قامت فرزند تا ۲۳ سالگی متوقف می شود و رشد عقل او در ۳۵ سالگی پایان می یابد؛ هرچه پس از این است در اثر تجربه و آموزش است.(۴)»

به هرحال هم از دیدگاه صاحب نظران علوم روان شناسی و هم در متون دینی، آغاز دوران جوانی با بلوغ جنسی همراه است و اتمام آن با آغاز کهولت سن شروع می شود. ما دوران جوانی را گستره ای وسیع در نظر می گیریم که شامل دوره نوجوانی نیز می شود یعنی سال های آغازین

ص:۳۱

۱- ۱. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۷۰۹.

۲- ۲. طریحی، مجمع البحرین، کلمه شباب.

۳- ۳. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۶۳.

۴- ۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۶.

بلوغ جنسی که بلوغ جنسی را که به طور کامل حاصل نشده باشد هم مد نظر قرار می دهیم.

دوره نوجوانی و جوانی با تحرّك و انرژی زایی همراه است و به همین علت اگر فرد در این دوره سعی و کوشش نماید و بهره گیری لازم را انجام دهد، تجربه و نتایج آن در دوره های بعدی عمر می تواند برای او به عنوان یک سرمایه با ارزش محسوب شود.

رسول گرامی اسلام می فرماید: «لاتَزوُلُ قَدَما عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيامَهِ حَتّی يُسْئَلُ عَنْ اَرْبَع عَنْ عُمْرِهِ فيمَا اَفْناهُ، عَنْ شَبابِهِ فيما اَبْلاهُ وَ عَنْ مالِهِ مِنْ اَيْنَ اِكْتَسَبَهُ وَ فيما اَنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّنا اَهْلَ الْبَيْتِ(ع)»(۱)

رسول خدا(ص) می فرماید:

«در روز قیامت عبد قدمی بر نمی دارد مگر این که از چهار چیز از او سؤال می شود از این که:

۱ - عمرش را درچه راهی فنا کرده است؟

۲ - جوانیش را در چه چیزی گذرانده است؟

۳ - از مالش که از چه راهی به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است؟

۴ - از محبت اهل بیت(ع)؟

امام علی(ع) نیز می فرماید:

«دوچیز است که کسی ارزش آن را نمی شناسد مگر وقتی که آن را از دست بدهد؛ جوانی و سلامتی.(۲)»

«فعالیت ذهن و قدرت فراگیری انسان در دوره جوانی، بیش از سایر

۱- ۱. خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵۳.
۲- ۲. غررالحکم، ص ۴۴۹.

اوقات است و می توان بیش ترین اندوخته ها را در این مقطع گردآوری نمود و برتری خلاقیت ها را به نمایش گذاشت.(۱)»

گفتار دوم: ویژگی های دوره جوانی

اشاره

«دوره نوجوانی و جوانی، دوره ای است که بیش ترین تحولات را در خود دارد.

در این دوره، انسان هم از لحاظ جسمی و هم از جهت روانی متحول و دگرگون می شود. گاهی نیز این تحولات و تغییرات، خیلی سریع و غافلگیر کننده است. چگونه سپری کردن این دوره و برخورد فرد و اطرافیان با این تحولات و تغییرات در سعادت یا شقاوت انسان نقش به سزایی دارد.(۲)» صفاتی مثل عصیان گری، تصمیمات عجولانه و رفتارهای نادرست، پرخاشگری و... معمولاً در این دوره به وجود می آید.

پس شکی نیست که فرد در سراسر زندگی خویش همواره دستخوش دگرگونی هایی می شود. اما آشفتگی و نابسامانی خانوادگی در دوره جوانی، اثرات جبران ناپذیری بر شخصیت او می گذارد.

برخی از دوره های زندگی به دلیل تأثیرات فیزیکی و بدنی با اهمیّت و برخی دیگر از لحاظ تأثیرات روانی قابل اعتنا هستند، لیکن نوجوانی و جوانی از هردو جهت حائز اهمیت اند.

بخش مهم شکل گیری شخصیت انسان در این دوره صورت می گیرد؛ دوره ای که دیگر امکان برگشت ندارد و ضروری است به بهترین وجه از آن استفاده شود.

۱- ۱. مجله پیام زن، شماره ۹، سال ۱۳۷۳.

۲- ۲. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوان، ص ۵۰.

۱. بلوغ

بلوغ در یک برهه حساس از عمر رخ می دهد و برای همه یکسان نیست و چون از حساسیت خاصّی برخوردار است، صاحب نظران - چه روان شناسان و چه دانشمندان علوم تربیتی - به آن پرداخته و هرکدام تعریف هایی برای آن ذکر کرده اند که ما به چند مورد از آن ها اشاره می نماییم.

«بلوغ به حدّ رشد رسیدن، و جوان شدن کودک است»(۱).

«با به کار بردن کلمه بلوغ، معمولاً نوجوانان در ذهن ما مجسّم می شوند؛ در این هنگام پیدایش غریزه جنسی در نوجوانان شروع شده است. در این دوره تغییرات زیادی در شخصیت به وجود می آید.»(۲)

«بلوغ، دوران شکوفایی است. بسیاری از جنبه ها و خصایصی که تا به حال از نظرها مخفی بود، در این دوره آشکار می شود. نوجوان به خود می آید و درباره خود بصیرت و بینش پیدا می کند.»(۳)

«دوره بلوغ از دیدگاه روان شناسان، مربیان اخلاق و سایر دانشمندان دوره حساسی محسوب می شود. «ژان ژاک روسو در کتاب «امیل»، بلوغ را تولد ثانوی نامیده است.(۴)»

با این که بلوغ، فرد را از دوران کودکی جدا کرده است اما این تولد دوباره گاه فرد را بدون تحمل، بی حوصله، تند مزاج و بی هدف می کند و حالت سرگردانی برای او به همراه می آورد. همه این علائم، مخصوص

۱- ۱. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۳۷۳.

۲- ۲. شاهلویی پور، فضل اللّه و قائمی، پروین؛ روان شناسان بلوغ و تربیتی جنسی کودکان و نوجوانان، ص ۲۵.

۳- ۳. قائمی، علی؛ شناخت هدایت و تربیت نوجوان، ص ۴۵.

۴- ۴. قره بیکلو محمدرضا، کریمیان؛ روان شناسی و مسایل نوجوانان، ص ۱۵.

این دوره است.

اگر راه نمایی های لازم، از طرف والـدین و از طرف مربیان صورت نگیرد، نوجوان نمی توانـد بهترین بهره را ببرد و از دوران بلوغ به راحتی عبور نماید. دوره بلوغ ویژگی هایی دارد که در ذیل به برخی از آن اشاره می کنیم:

۲. اهمیت دوران بلوغ

به سـبب آن که این دوره، رشـد و تکامـل را برای انسـان به همراه دارد، مربیان اخلاق، روان شـناسان و سایر دانشـمندان آن را دوره حساسـی نامیده اند و دین اسـلام نیز برای این دوره اهمیت زیادی قائل می باشد؛ زیرا شخصیت اساسی فردی و اجتماعی جوان در این دوره پایه ریزی می شود. در روایتی آمـده است: «خداوند فرشـتگانی دارد که هر شب فرود می آیند و به جوانان ندا می دهند برای رسیدن به سعادت و کمال خود کوشش کنید.»(۱)

۳. ویژگی های بلوغ

اشاره

به هنگام بلوغ، تغییراتی را در رفتار و اعمال نوجوانان مشاهـده می کنیم که بسـیاری از آن ها طبیعی بوده و باید نسـبت به این رفتـار و اعمـال برخورد منـاسبی نشـان داده در هـدایت نمودن آن هـا کوشـش وسـیعی از خود به نمایش بگـذاریم. با توجه به مطـالب فوق در می یـابیم که بلوغ در یک دوره معین از زنـدگی اتفاق می افتـد و با این سؤال که این دوره دارای چه ویژگی هایی است؟ به شرح مختصر آن می پردازیم.

۱– ۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۳.

۱-۳. بلوغ یک دوره فراگیر است

«بلوغ یـک دوره فراگیراست که در برگیرنـده بخشـی از دو دوره عمر مـا می باشـد. برای این که سـال های محـدود کودکی، آغاز سال های نوجوانی را در بر می گیرد، تا زمانی که انسان ها به بلوغ جنسـی برسند کودکان به عنوان «کودکان بالغ» نامیده می شوند. پس از آن که به بلوغ جنسی رسیدند از آن ها به عنوان نوجوان یا جوان نورس می نامند.»(۱)

۲-۳. بلوغ یک دوره کوتاه است

«دوران بلوغ از نظر زمـانی محـدود است امـا زمان رخـداد آن برای جوامع و افراد یک نواخت نیست. همان طور که با در نظر گرفتن تغییرات متعـدد و جوامعی که در دوران ارگانیزم به میزان تغییرات ظاهری و شـماری اتفاق می افتـد، بلوغ را نسـبتاً یک دوره کوتاه جلوه گر می سازد. این مدت از دو تا چهار سال طول می کشد.»(۲)

پس این دوره از لحاظ مدّت و زمان برای همه یکسان نیست.

«این مدت به دو بخش قابل تقسـیم است برای بعضـی که از رشد سـریع برخوردارند دو سال طول می کشد و در بعضی دیگر این مـدت بین دو تـا چهـار سـال به طول می انجامـد که این دوره انتقـالی، خود را با بزرگسالی تکمیل می کنـد. در این دوره دختران نسبت به پسران از رشد سریع تری برخوردارند و معیار مشخص برای هر جنسیت وجود دارد.»(۳)

۱- ۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۶.

۲- ۲. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۷.

۳- ۳. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۷.

۳-۳. مراحل بلوغ

این دوره را به سه مرحله تقسیم کرده اند:

۱. مرحله پیش از بلوغ

۲. مرحله بلوغ

۳. مرحله پس از بلوغ

(زمان و ویژگی های هر دوره در جایگاه خود بررسی خواهد شد.)(۱)

۴-۳. بلوغ، دوره تغییر و رشد سریع

در هنگام بلوغ، تغییر و رشد سریعی که در طول دوران بلوغ اتفاق می افتد به جهش رشد نوجوانی مرتبط می شود که از آن با عنوان «جهش رشد بلوغ» یاد می شود. زیرا این دوره با اندك زمانی اتفاق می افتد و با سایر تغییرات و این جهش رشد، به مدت کوتاه یکی دو ساله ادامه پیدا می کند. نوجوانان در این دوره در خود احساس تزلزل و ناامنی می کنند و پندار بی کفایتی در خود دارند که این تزلزل در رفتار و اعمال آن ها مشاهده می شود.

۵-۳. بلوغ یک مرحله منفی گرایی است

این دوره، طولانی مدت نیست و در این مرحله، فرد حالت ضدیت را در مقابل زندگی به خود می گیرد. چنین به نظر می رسد که فرد موقعیت ها و یا چیزهای خوبی پیش از این به دست آورده و در این دوره از دست داده است و این از بدیهیات به حساب می آید. چون نگرش منفی، بخش عمده شخصیت فرد را در اولین مرحله بلوغ در برگرفته و از آن بدتر وقتی که فرد به رشد جنسی می رسد نگرش منفی در او به حدّ اکثر رسیده و بیش تر می شود.

۱- ۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۸.

۶-۳. بلوغ در سنین متغیری واقع می شود

بلوغ برای همه جوامع یکنواخت نیست اما بیش تر بین سنین ۱۵-۱۶-۱۹ می تواند واقع شود. گرچه معدل سنی رشد جسمی دختران در فرهنگ معاصر آمریکایی حدوداً ۱۳ سالگی و میانگین سنین پسران یک سال دیرتر واقع می شود.(۱)

مرحله انتقال فرد به بلوغ و تکمیل آن نیازمند زمان است و در آن تغییرات و اختلافاتی وجود دارد. این حدود از دو تا چهار سال برای دختران به طور میانگین و کمتر از این برای پسران می باشد.

در دوران بلوغ اتفاقاتی رخ می دهد که بعضی از آن ها برای جوان همراه سازندگی است اما بعضی دیگر همراه اخلال و مشکل آفرینی است که اگر جوان در برخورد با آن ها تدبیری به کار گیرد، کمتر دچار منفی گرایی و تزلزل می شود.

۴. دوره تغییر

در دوران بلوغ همه چیز نوجوان تغییر می کند: جسم، قد، بدن، فکر، ذهن، روح و روان علائق و تعلقات، اخلاق و رفتار، ارزش ها و آرمان ها و... تقریباً پنج نوع تغییرات وجود دارد که طی این دوره واقع می شود:

۱. حیات عاطفی توسعه می یابد.

۲. سرعت تغییر که با رشد جنسی همراه است، نوجوان را از خود و از استعدادها و علایق خود نامطئمن می سازد و او قویاً احساس بی ثباتی می کند.

۳. تغییرات در بدن، علائق و نقش هایی که در گروه های اجتماعی

ص:۳۸

۱- ۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۹.

انجام آن از فرد انتظار می رود، برای او مسایل جدیدی را به وجود می آورد.

۴. ارزش های او تغییر می کند، آن چه در کودکی برایش مهم بود، اکنون اهمیت کمتری پیدا می کند.

۵. حالت دمدمی دارد.(۱)

۵. دوره انتقالی

«دوره جوانی، نه بـا واقعیـات بزرگسـالی سازگـاری دارد و نه بـا دنیای کودکی؛ در این دوره یک سـری حالت خاص در فرد وجود دارد. از یک طرف، فرد دوست دارد اطرافیان او را یک جوان کامل و بزرگ بدانند و از طرف دیگر عادت های دوران کودکی را هنوز با خود دارد و ناپخته است و این، قضاوت بزرگسالان را در مورد او مشکل می سازد.»(۲)

۶. سن مسئله آفرین

در این دوره، جوانان مسایلی را به وجود می آورند اما نه عاقبت آن مسایل را می دانند و نه دوراندیش هسـتند. آن ها در همه موارد سـطحی نگرند؛ از طرفی می خواهند آزاد باشند و از طرف دیگر کاری را که می خواهند انجام دهند، به خوبی از عهده آن بر نمی آیند و گاهی همه چیز را به هم می ریزند و مشکل آفرین می شوند.

«آنافروید» می گوید: «بسیاری از شکست هایی که اغلب با نتایج غم انگیزی در این رابطه همراه است، آن چنان که تصور می شود به دلیل

۱- ۱. شرفی محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۰.

۲- ۲. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۱.

بی استعدادی فرد نیست.»(۱)

پس کارهای درست و یا نادرست مربوط به استعداد نیست بلکه مربوط به نوع شکل گیری شخصیتی فرد و نوع تربیتی است که او آموخته است؛ هم چنین این موضوع به نوع آرمان گرایی و ارزش هایی که در او شکل گرفته است بستگی دارد.

۷. بهترین دوره برای تربیت و هدایت انسان

«با توجه به تعریف هایی که در روان شناسی انجام گرفته، ثابت شده است که بهترین زمان برای ایجاد شخصیت واقعی انسان، دوره نوجوانی است.»(۲)

پس اگر مراحل تربیتی در سنین کودکی از طرف والدین و یا مربیان تربیتی با منش درست پی ریزی شده باشد، کودک در دوره نوجوانی با مشکل کمتری مواجه می شود.

البته نباید از نظر دور داشت که این دوره بحرانی بی حاصل نیست؛ بلکه دوره ای است که همه این سختی ها و نا همواری ها برای ساختمان شخصیت نهایی و برای پیشرفت سریع و قطعی نوجوان لازم است.(۳)

۸. دوره هویت جویی

سؤالات متعدّدی به ذهن جوانان خطور می کند؛ «اریکسون» در این زمینه می نویسد:

«هویتی که نوجوان در صدد است تا به طوری روشن با آن مواجه شود

۱- ۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۴.

۲- ۲. بالایان مسروب، روان شناسی بلوغ، ص ۶۸.

۳- ۳. بالایان مسروب، روان شناسی بلوغ، ص ۶۸.

این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا نماید چیست؟ آیا او یک کودک است یا بزرگسال؟ آیا او می تواند روزی به عنوان یک همسر یا پدر باشد؟ با وجود نژاد و مذهب و زمینه های ملی که او را در نظر مردم کم ارزش جلوه می دهد، آیا او احساس اعتماد به نفس دارد؟»(۱)

«نوجوانان تلاش می کنند نقش های متعدّدی را آزمایش کنند تا به نقش اصلی خود پی ببرند و این جاست که نیاز به راه نما دارند آن ها نباید احساس کنند که کسی دارد فکرش را به آن ها دیکته و تحمیل می نماید. در دوران نوجوانی، مسأله هویت یابی به صورت یک گره کور برای فرد در می آید. نوجوان در این دوره پرتلاطم ما روزبه روز دچار تغییرات عمده درونی و بیرونی گردیده با مجموعه ای از تغییرات روانی، فیزیولوژیکی، جنینی، شناختی و نیز تقاضای مختلف شغلی و اجتماعی روبه رو می شود(۲).»

به همین دلیل به نظر دیگران در مورد خودش، اهمیت داده و آن را با تصوّری که از خود دارد مقایسه می کند.

۹. دوره علاقه مندی به مذهب

نوجوان در دوران نوجوانی، تمایل بیش تری به مذهب پیدا می کند به ویژه اگر در خانواده ای متدیّن پرورش یافته باشد، این احساس در او شدیدتر است.

در این دوره، برای او سؤالات گوناگونی به وجود می آید و اگر خانواده بتواند خوب از عهده سؤالات او بر آید، علاقه او به مذهب دو چندان

۱- ۱. شرفی، محمد رضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۵۵.

۲- ۲. نجاتی، حسین؛ روان شناسی کودک، ص ۲۰۹.

می شود و حتی مطالب برای او تازگی پیدا می کند و جذّاب می شود. چنین نوجوانی می تواند در این زمینه بسیار موفق تر باشد و در زندگی از سایر هم سالان خود آرامش بیش تری داشته باشد.

در این زمینه، تحقیقاتی که کولن و آرلوند انجام داده اند نشان می دهد که نوجوانان در سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی دارای اعتقادات مذهبی بیش تری هستند و این اعتقادات از سن ۱۸ سال به بعد کاهش می یابد.

به گفته مورس دبس، در این دوره حتی در افرادی که مذهبی نبوده اند، چنین بیداری مذهبی دیده می شود و حتی این بیداری را می توان بخشی از رشد نوجوانان دانست.(۱)

۱۰. اثرپذیری

اثرپذیری یکی از خصایص دیگر این دوره است. امام علی(ع) در سفارش به امام حسن(ع) می فرماید: «دل نوجوان مانند زمینی خالی و مستعد است که هر بذری در آن افشانده شود می پذیرد. از این رو در آغاز جوانی بیش از آن که قلبت سخت شود، به تربیت تو اقدام کردم»(۲).

بنابراین نوجوان آمادگی هر گونه آموزش را دارد البته این آمادگی مادام العمر نیست و این از اثر پذیری این دوره است که امام برای فرزندش به آن اهتمام می ورزد و غفلت از آن با خسارت جبران ناپذیری همراه است.

اگر بخواهیم در رده بندی ویژگی های نوجوانی، اثرپذیری را انتخاب کنیم، جایگاه اول را به خود اختصاص خواهد داد.

۱- ۱. بیابان گرد، اسماعیل؛ روان شناسی نوجوانان، ص ۹۹.

۲- ۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

گفتار سوم: عوامل مؤثر بر شخصیت جوان

اشاره

پیش از این از عوامل مؤثر بر شخصیت سخن گفتیم. آن عوامل بر شخصیت جوان نیز تأثیر گذارند ولی به سبب اهمیت برخی عوامل، بحث را با توضیحات بیش تری ادامه می دهیم.

الف. خانواده (پدر و مادر)

اشاره

خانواده، اصلی ترین عامل مؤثّر بر شخصیت جوانان می باشد، چون اولین کانونی که انسان پای در آن می نهد و زندگی خود را از آن جا شروع می کند و وقت زیادی را آن جا می گذارند، خانواده است.

خانواده از دو حیث در تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد: یکی به عنوان عامل محیطی و دوم به عنوان عامل ارثی.

۱. پدر

در خانواده هم مادر و هم پدر نقش به سزایی در شخصیت و تربیت فرزندان دارند. با این وجود، اگر پدر وقت کافی برای هم نشینی در کنار فرزندان یا حضور کافی در خانواده نداشته باشد، نقش مؤثّر پدر بر فرزند حاصل نمی شود.

لذا به خاطر آن که نقش پدر بسیار مهم است، فرزندان بالأخص پسران، از وی به عنوان الگو در شکل گیری شخصیت ها و روحیات خود، اثرپذیر هستند.

اگر پدر نقش فعّال و قویِ در مدیریّت خانواده نداشته باشد و از اداره خانواده کنار باشد، پسر، فاقد روحیّه مردانه خواهد شد و این امر، در رفتار اجتماعی بعدی او اثرات بسیار سوء باقی خواهد گذاشت. چنین

افرادی، قاعدتاً از استقلال، قدرت و مدیریت کافی برخوردار نیستند.

اگر پدر در مسایل مذهبی و انجام تکالیف الهی انسانی خود، سست اراده باشد، قطعاً عمل او آثار سوء فراوانی خواهد داشت و اگر آگاهی کامل از مسایل مذهبی داشته باشد و خودش به آن ها عامل باشد، قطعاً اثرات به سزایی بر شخصیت فرزندان خواهد گذاشت.

۲. مادر

اولین توقّف گاه تربیتی فرزند در محیط خانواده، دامن مادر است و به طور طبیعی همه انسان ها بر اساس قانون خلقت و طبیعت، در شکم مادر با زندگی اولیه ای که متعلّق به آن دوره است، انس گرفته و بعد از تولد، در دامن پر مهر مادر رشد می نمایند.

به دلیل علاقه فرزند به مادر، همه اعمال و حرکات و سکنات مادر به فرزند منتقل می شود. پس مادر، در رشد شخصیت و اثرگذاری بر فرزند نقش به سزایی دارد.

امام خمینی(ره) در یکی از بیانات خویش خطاب به مادران چنین فرموده اند:

«مسئولیت بچه را در دامن خودتان دارید... مادر خوب، بچه خوب تربیت می کند و خدای ناخواسته، اگر مادر منحرف باشد بچه از همان دامن منحرف بیرون می آید. چون بچه هرچه در این دوره از مادر می بیند، اگر مادر مهذّب بود بچه خوب رشد می کند از همان اول و چون کردار بچه از روی تقلید است و تقلید مادر از همه تقلیدها مؤثرتر است(۱)، بچه آن گونه می شود.

۱- ۱. موسوی خمین، روح اللّه، صحیفه نورج ۶، ص ۱۵۷.

ب. مربیان و معلمان

نوجوان و جوان بخش مهمی از عمر خویش را در مدارس، دبیرستان ها و دانشگاه ها سپری می کند و با معلمان و مربیان در ارتباط است.

در روایتی که از سفارشات مولا علی(ع) به «کمیل» است، مولا چنین بیان می نمایند: «ای کمیل! همانا خداوند رسول اللّه را تربیت کرد و پیامبر نیز به تربیت من پرداخت و من هم مؤمنان را تربیت می کنم و آداب (زندگی) را برای مردم گرامی به ارث می گذارم.(۱)»

بر این مبنا، مربّی از اهمّیت و ویژگی خاصّی برخوردار می باشد.

در درجه اوّل کارهای یک مربّی باید برای دیگران سرمشق باشد. تنها، گفتن کافی نیست و مربی باید خود واقعاً تربیت یافته باشد. امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید: «اگر خواستی دیگران را اصلاح کنی ابتدا خودت را اصلاح کن»(۲).

اگر یک مربی بتواند ویژگی های زیر را کسب کند می توان گفت مربی موفقی است:

۱ - مهربانی و محبّت

۲ - مزاح و خوشرویی

۳ - شجاعت

۴ - اشتیاق به کارهای جمعی و گروهی

۵ - علم و دانش

۱- ۱. حرّانی، ابو محمد؛ تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۲۸۳.

۲- ۲. غررالحکم، ص ۲۷۸.

ج. نقش دوستان

جوانان، بیش تر دنبال هم نشینی با دوستان هستند و تا حدّی از خانواده فاصله می گیرند و روی به دوست می آورند.

پدران و مادران نمی توانند جای دوستان را بگیرند بلکه فقط می توانند برای فرزند در این دوره سنی، مشاور خوبی باشند. آن ها حتی اگر خیلی هم با فرزند خویش دوست باشند بازهم نمی توانند برای او جای همبازی و هم سخن را پر کنند.

از نظر اسلام، دوستی و معاشرت نفی نشده است. در اصول کافی در مورد دوستی و معاشرت، به دو گروه انسان اشاره شده است: «اول، کسانی که نباید با آن ها دوستی و معاشرت کرد. دوم، کسانی که واجب است دوست و هم نشین انسان باشند.(۱)»

«نقش دوست و هم نشین در سرنوشت انسان به حدی است که رسول اکرم(ص) می فرمایند: «المرء علی دین خلیله و قرینه»(۲).

مولا علی(ع) نیز در مورد دوستان می فرماید: «لاتسئل عن المرء و سئل عن قرینه»(۳) برای شناخت شخصیت افراد احتیاج به بررسی و مطالعه آنان نیست؛ با بررسی دوستان آن ها می توان به خلقیات آن ها پی برد زیرا هرکس بر اساس روحیات خود، دوست خود را گزینش می کند.

در قرآن کریم نیز راجع به دوستان فاسد آمده است: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»(۴). «وای بر من! کاش با فلانی دوستی نکرده بودم.»

۱- ۱. مرحوم کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹۱ با ترجمه آیت اللّه محمدباقر کمره ای.

۲- ۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰.

۳- ۳. نهج البلاغه، ماده قرین، پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ح ۳۰۷۷.

۴- ۴. سوره فرقان، آیه ۲۸؛ ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

با توجه به این که جوانان در انتخاب دوست و رفیق براساس نیاز فطری عمل می کنند، دو ویژگی عمده در آنان دیده می شود:

۱ - دوستان غالباً شناخت کافی و کامل از هم ندارند و به راحتی یا از محیط درس و یا از محیط زندگی و یا کار طرح دوستی ریخته می شود.

۲ - دوستان به آسانی از همدیگر اثر می پذیرند.

امام علی(ع) می فرماید: «هرکس بدون سنجش با کسی دوستی کند، به ناچار با فاسدان هم نشین می شود»(۱).

حدیثی جامع و کامل از امام صادق(ع) راجع به این که چه کسی را برای خویش دوست قرار دهیم وجود دارد. ایشان می فرماید: «دوستی، دارای مشخصاتی است که هرکس آن مشخّصات را به طور کامل نداشته باشد، او را دوست کامل محسوب نکن و هرکس هیچ یک از این مشخصات را ندارد، هیچ گونه دوستی با او نداشته باش:

۱ - در نهان و آشکار با تو یک گونه باشد

۲ - خوبی تو را خوبی خودش و بدی تو را بدی خوش بداند

۳ - مال و منال، در دوستی اش با تو اثر نگذارد

۴ - از توان خود برای تو مضایقه نکند

۵ - در سختی ها، تو را تنها نگذارد(۲).

د. محیط اجتماعی

یکی از عوامل مؤثّر در شخصیت جوانان، محیط اجتماعی است. تأثیرگذاری محیط به حدی است که نه فقط در مسایل ظاهری، بلکه حتی

۱- ۱. غررالحکم، ص ۴۱۶، ح ۹۴۹۶.

۲- ۲. امالی، شیخ صدوق، ص ۳۹۷.

در مسایلی مانند اعتقادات و جریانات مذهبی هم اثرگذار است. جوانان، صفات اجتماعی خود را از کسانی کسب می نمایند که بیش ترین ارتباط را با آن ها دارند. این فراگیری از کودکی آغاز می شود و در دوران نوجوانی و جوانی به بالاترین حدّ خود می رسد.

پس در اصل اثرگذاری محیط اجتماعی، شکّی نیست و نوع برنامه ریزی از طرف مسئولان برای جامعه در این زمینه اهمیت دارد. امام علی(ع) در این زمینه می فرماید:

«اَلنّاسُ بِأُمرائِهِمْ اَشْبَهُ بِآبائِهِمْ»(۱).

مردم در روش های اخلاقی و صفات اجتماعی، به حکومت های خود بیش تر شباهت دارند تا به پدران خویش.

۵. برنامه های تربیتی

پس از این که جایگاه والدین و مربی و دوستان را با مختصر توضیحاتی شناختیم اکنون به عمده ترین عامل یعنی عامل تربیتی که نقش بسیار اساسی در تربیت دارد می پردازیم. داشتن یک برنامه دقیق در امور تربیتی، از واجبات هر فرد است. بهترین برنامه، آن است که مطابق روحیات، فطریات، استعداد و توانایی تربیت شونده و همگام با مقتضیات زمان باشد.

در تدوین برنامه تربیت جوان باید رعایت نکاتِ زیر را در کنار مبنای کلی تربیتی لازم منظور داشت.

۱. توجه به روحیه نوگرایی و نشاط جوانی در محیطهای آموزشی و تربیتی و تبلیغی به همراه روحیات جوان پسند و حق طلبی.

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶.

۲. توجّه داشتن به روح اثرپـذیری جوانان در برنامه های فرهنگی و جلوگیری از آلودگی های غلط و توجه به این که هدایت جوانان به صفات والای انسانی، یک وظیفه شرعی و انسانی است.

۳ – رعایت و خواست فطری جوانان و رساندن رسالت برنامه جوانان از طریق رسانه های گروهی.

۴ – ارایه دادن بهترین کتب تربیتی روز با قیمت های مناسب.

۵ – بهره برداری از اردوهای تفریحی و زیارتی، در جهت امور تربیتی و کوشش در سالم سازی محیطهای ورزشی و تفریحی و غنی سازی برنامه های ورزشی و تفریحی که موجب رشد جوانان می شود.

۶ – استفاده از نظرسنجی های جوانان در شناخت نیازهای نو و به روز آن ها، در جهت برنامه ریزی امور جوانان و با تأثیر از دستورهای کارشناسی برنامه ریزان.

۷ – توجّه کامل به دستورات دین مبین اسلام و گفتار انبیاء و بزرگان در تربیت جوانان و ارایه آن ها با شیوه های جدید.

ص:۴۹

فصل دوم: تأثیر نماز بر شخصیت جوانان

مبحث اول: طهارت

اشاره

طهارت شرط ورود به نماز است و آثار روحی و معنوی زیادی دارد اما پیش از هرگونه توضیحی دراین باره باید معنای طهارت را بیان نماییم.

گفتار اول: مفهوم شناسی

الف. مفهوم لغوی

طهارت از ماده «طَهُرَ» گرفته شده، به معنی پاکیزگی و به معنی «تنزه عن الذّم» هم آمده که منظور، پاکی است(۱).

ص:۵۱

۱- ۱. ابی الحسین احمدبن فارسی بن زکریا، معجم مقایس اللغه، ج ۳، ص ۴۸۲.

ب. اصطلاحی

معنای اصطلاحی طهارت نیز به معنای لغوی آن شباهت دارد. در معنی طهارت گفته شده است: «الطُهر الْخُلُو مِن النَجَاسَهِ»(۱). خالی بودن از نجاست از طریق کسب طهارت، گاهی با وضو میسر است، گاهی با غسل و در مواقعی هم با تیمم. البته عرفا طهارت را به دو قسم ظاهری و باطنی تقسیم کرده اند.

۱. طهارت ظاهری: موجب رفع آلودگی ها از نجاسات ظاهری است.

۲. طهارت باطنی: پاک نمودن روح از مفاسد اخلاقی است(۲).

هردو نوع طهارت را برای نمازگزار لازم دانسته اند. چنان که گفته اند: «بر سالك الی اللّه لازم است که در اوّل امر، رفع موانع و قذارات کند تا اتّصاف به طهارت و حصول طهور که از عالم نور است، برای او میسر شود و تا تطهیر جمیع قذارات ظاهریّه و باطنیّه و عینیّه و سریّه نشود سالك را حظّی محضر حضور نخواهد بود»(۳).

گفتار دوم: فلسفه وضو

الف. طهارت و پاکیزگی جسمی و روحی

بدون وضو امکان ورود به نماز میسر نیست. حدیث معروفی در مورد آداب وضو از امام رضا(ع) وارد شده که می فرماید: «همانا امر شده است به وضو، تا آن که بنده پاک باشد هنگامی که می ایستد مقابل خدای جبار ووقت مناجات نمودن حق را و برای آن که مطیع باشد در آن چه او را

۱- ۱. د.احمد فتح اللَّه، معجم الالفاظ فقه جعفری ۲۷۲، بی جا بی تا.

۲- ۲. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجهالبیضاء، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳- ۳. موسوی خمینی، روح اللَّه؛ آداب الصّلاه، ص ۶۲.

فرموده و پاکیزه باشد از کثافت و نجاست»(۱).

وضو، دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می سازد. مرحوم فیض کاشانی می گوید: «یک باره برخاستن از مادیت و کوچ به معنویت مشکل است ولی وضو گرفتن انسان را کم کم آماده می سازد»(۲).

نورانیت و صفای باطنی که در سایه وضو به وجود می آید، دارای اهمیت خاصی است. در این مورد روایات فراوانی وارد شده و تأکید هم شده است که انسان همواره با وضو باشد. در روایات وضو به نور تشبیه شده است و این نور است که انسان را از ظلمات نجات می دهد(۳).

علاوه بر این، وضو به منزله اجازه ورود به محضر پروردگار است. امام رضا(ع) برای یکی از شاگردانش، فلسفه وضو را چنین تفسیر نموده است: «طرز وضو گرفتن و غسل و مسح این است که انسان با اعضای پاک متوجه خداوند سبحان گردد. آیا می شود انسان با چشم گناه کند و با همان چشم و صورت متوجه خداوند شود؟»(۴).

از نظر بهداشتی هم، شستن صورت و دست ها آن هم پنج بار یا لااقل سه بار در شبانه روز، اثر قابل توجهی در نظافت بدن دارد و سبب می شود اعضاء نیز پاکیزه بمانند.(۵) علاوه بر این، تماس آب با پوست، باعث نشاط است. حتی در مواقعی که انسان تعادل خود را از دست می دهد و عصبی می شود، وضو باعث آرامش انسان می شود. در روایتی آمده است که

۱- ۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- ۲. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجهالبیضاء، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳- ۳. مشکینی، علی؛ قصارالجمل، ج ۱، ص ۳۱۱.

۴- ۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، باب ۱۲، ح ۲.

۵- ۵. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۹۱.

«هنگامی که غضب ناک و خشمگین شدی وضو بگیر.»(۱) بنابراین وضو هم طهارت ظاهری را برای انسان به ارمغان می آورد و هم طهارت باطنی را. البته آثار وضو تنها به زندگی دنیا محدود نمی شود بلکه آثار زیادی نیز برای فرد در جهان آخرت دارد.

وقتی روز قیامت فرامی رسد، برخی با چهره های سفید و برخی با چهره های سیاه ظاهر می شوند و خداوند وضو گیرنده را سرافراز و رو سفید می گرداند و کسی که دست ها و پاها را می شوید، خداوند متعال زنجیرها و پای بندهای جهنم را بر او حرام می کند. رسول خدا(ص) می فرماید: «اِنّی لأَعرِفُ اُمَتی یَوْمَ الْقِیمَهَ بِآثارِ الوُضُوء، من در روز قیامت امتم را به آثار و علامت وضو می شناسم»(۲).

لذا برای جوانان شایسته است خود را مهیا سازند، با این عبادت ارزنده و برای شناسایی شخصیت خویش با این آمادگی وارد قیامت شوند چون نتیجه اعمال عبادی ما در آن سرا است. توصیه به دائم الوضو بودن نیز به همین سبب است تا اثر آن کامل و همیشگی باشد.

ب. فراوانی رزق و روزی

وضو، علاوه بر پاکیزگی جسمی و روحی، باعث فراوانی رزق و روزی نیز می شود.

از امام صادق(ع) روایت شده است که: «الوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعامِ وَ بَعْدَهُ یُذْهبان الْفَقْرَ».

«وضو پیش از غذا و بعد از آن تنگ دستی را از بین می برد.»(۳).

ص:۵۴

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۱۲.

۲- ۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳- ۳. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۳، چاپ منشورات مکتبهالحیدریه.

امروز که مسایل اقتصادی ازجمله دغدغه های جوانان است، هرچند در متون دینی توصیه های زیادی به کار و فعالیت شده است و جوانان را به داشتن شغل ترغیب کرده اند

اما اموری نیز وجود دارد که سبب توجه خداوند سبحان می شود و این دغدغه را همراه با داشتن شغل و کار کاهش می دهد که ازجمله آن ها، وضو است.

ج. بازدارندگی از جرایم

دوران جوانی، دوران لغزش و غفلت و دورانی است که امکان ارتکاب جرم و گناه بیش تر است.

امیرالمؤمنین علی(ع) می فرمایند: «یَأتی عَلَی النّاسِ زَمانٌ یَرْتفِعُ فیه الْفاحِشَهُ... فَمَنْ بَلَغَ مِنْکُمْ ذلِکَ الزَّمانِ فَلا یَبیتَنَّ الّا عَلی طَهورٍ».

زمانی بر مردم بگذرد که کارهای ناشایسته و زنا بسیار گردد. هر یک از شما که آن زمان را درک کند، نباید شب را به خواب راحت به صبح آورد و بدون وضو به خواب رود.(۱)

از این روایت می توان دریافت که وضو موجب بازدارندگی از گناهان و جرایم می شود، چون فردی که به دنبال وضو و نماز رفت و خدا را یاد کرد، خداوند او را از گناهان محفوظ می دارد.

د. رفع آلودگی ها

وضو، موجب رفع آلودگی های ظاهری می شود. نمازگزار که می داند باید در موقع اقامه نماز پاک باشد، در اندیشه مقدمات آن نیز هست و برای نماز، خود را مهیا می سازد.

او که می داند عالم محضر خداوند سبحان است و می داند در موقع

۱- ۱. احسان بخش، صادق الاحادیث، ج ۲، ص ۲۳۳.

نماز بایـد خداونـدی را عبادت نمایـد که زیباست و زیبایی را دوست دارد، خود را از آلودگی های جسـمی پاک می نمایـد و تمام دسـتوراتی را که اسـلام سـفارش نموده، در موقع وضو ساختن انجام می دهـد و هیـچ آلودگی را در بـدن خود باقی نمی گذارد.

۵ . سلامتی و تندرستی بدن

توصـیه های زیادی برای اعمال مستحب در زمان وضو شده است که در ایجاد طهارت و نظافت جسم بسیار حائز اهمیت است؛ مثلاً مسواک زدن به عنوان شستن دندان و دهان به عنوان یک عبادت مهم محسوب می شود. رسول خدا(ص) می فرماید:

«السِّواکُ فیه عَشْرُ خصالٍ: مُطَهِرهُ لِلْفَم، مَرْضَاهٌ للرَّبِ، یُضَاعِفُ الحَسَـناتِ سَـبعینَ ضِعْفاً و هو من السّنه، و یُذْهِبُ الحْفرَ و یُبَیِّضُ الأَسْنانَ و یُشَدِّدُاللَّثهَ و یعطع البلغم و یُذْهِبُ بِغِشاوَهِالبَصَرِ و یَشهی الطَّعامَ.»

«در مسواک زدن ده خصـلت است: ۱- دهان را پاکیزه می سازد و موجب خوشـنودی پروردگاراست ودنـدان هارا سـفید می کنـد و آن چه را که بر دندان ها جمع شده که باعث خرابی دندان می شود از بین می برد،بلغم را کم می کند و اشـتهای طعام می آورد، حسـنات را زیـاد می کنـد و موجب می شود سـنت بر پا گردد، لثه را محکم می سازد و موجب تقویت بینایی چشـم شده و اشتها را زیاد می کند»(۱)

رسول خـدا(ص) هم چنین می فرماید: «السواکُ شَـطْرُالوُضوءِ»(۲)؛ «مسـواک زدن نیمی از وضـو اسـت» و در سـیره عملی آن حضرت است که.

ص:۵۶

۱- ۱. خصال، شیخ صدوق، ج ۲ ص ۴۴۹. چاپ جامعه مدرسین.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۷ ص ۳۴۳. محجهالبیضاء، ج ۱، ص ۲۹۷.

«لَمْ یُرَ رَسولُ اللَّه(ص) قَطَّ اِلاّ تَوَضّاءَ وَ یَبْتَدِی ءَ بِالسِّواکِ.»(۱)

هرگز دیده نشد رسول خدا(ص) مگر آن که وضو می گرفت و آن را با مسواک زدن شروع می کرد.

فرستادن صلوات، گفتن ذکرهای خاص، خواندن برخی آیات و سوره ها و نیز اعمال دیگر هنگام وضو گرفتن مؤثر هستند و سفارش شده اند.

و. شادابی و نشاط جسمی و روحی

وضو علاوه بر آن که یک عبادت محسوب می شود هم اثر بهداشتی دارد و هم اثر روحی. به عبارتی، وضو هم شامل طهارت جسم می شودو هم طهارت روح.وضو به نور شبیه شده و موجب آماده شدن و صفای باطن می گردد.

انسان با وضو، از حالت خمودی و کسالت بیرون می آید و با شستن دست و صورت، گردوغبار و میکروب هایی را که مرتب به سروصورت او می نشیند، برطرف می کند. وضو هم چنین موجب پاکی، آمادگی معنوی، روحی، جسمی و کسب نشاط در فرد عبادت کننده می شود. در روایتی از امام رضا(ع) در مورد وضو چنین آمده است: «اِنَّمااُمِرَ بالوضوء... مَعَ ما فِیهِ من ذهاب الکَسَل وَ طَرْدِالنُّعاسِ؛ وضو باعث از بین رفتن کسالت و خواب آلودگی می شود»(۲) بنابراین وضو دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می سازد.

یک پزشک متخصص در مورد فواید وضو می گوید: قبض و بسطی که

۱- ۱. مججهالبیضاء، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲- ۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۷.

عروق جلدی در قالب جریان آب در وضو بر آن ها می یابند، موجب ازدیاد حرکت قلب و نشاط جسمی می شود.(۱)

در روایات هم اشاره شده که هنگام عبادت، انسان باید حالت کسالت و خواب آلودگی را از خود دور نماید. در این زمینه امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «اَلوُضُوءُ بَعدَالطَّهورِ عَشْرُ حَسَناتٍ فَتَطَّهروا ایّاکُم وَ الْکَسَلِ فَاِنَّ مَنْ کَسِلَ لم یُؤَدِّ حَقَ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»(۲)

وضو ساختن بعد از پاکیزگی موجب ثواب و اعمال نیک می گردد، بنابراین باید با وضو باشید و از کسالت دوری بجویید زیراکسی که خواب آلود و مدام کسل باشد، نمی تواند عبادت را خوب ادا نماید.

امام خمینی(ره) در این زمینه می فرماید: «تا این جا نکته اصل وضو را بیان فرمود و اهل معرفت و اصحاب سلوک را متنبه نمود به این که در محضر حق جل و علا ایستادن و مناجات با قاضی الحاجات نمودن را آدابی است که باید منظور شود، حتی با قذرات صوریه و کثافات ظاهریّه و کسالت چشم ظاهر نیز نباید در آن محضر رفت چه جای آن که دل معدن کثافات باشد و قلب مبتلا به قاذورات معنویّه که اهل همه قذارات است باشد.(۳)

ح. پیش گیری از امراض

این که در اسلام، تأکید و سفارش بر نظافت می شود و دستور است به استحمام، چیدن ناخن های دست و پا و زدن موهای زاید سرو بدن و

۱- ۱. عفیف عبدالفتاح طبّاره، روح الصلاه فی الاسلام، ص ۸۳، چاپ سوم بیروت.

۲- ۲. عفیف عبدالفتاح طبّاره، روح الصلاه فی الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۷، چاپ سوم بیروت.

۳- ۳. موسوی خمینی، روح اللّه؛ آداب نماز، ص ۷۶.

شستن دست ها پیش از غذا و پس از آن و شانه زدن مو،مضمضه و استنشاق، به این دلیل است که همه این ها موجب سلامتی جسمی و پیش گیری از امراض بدنی است.

اسلام به رعایت اصول حفظ صحت و سلامت جسم وعوامل پیش گیری اهمیّت بسیاری داده است. هم چنین در اسلام در باب نظافت، مانند سایر مسایل، به جسم و جان توجه توأم شده و مردم را به پاکیزگی تن و روان به موازات یک دیگر دعوت نموده است. قرآن کریم می فرماید: «وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرینَ»؛ تطهر به معنی پذیرفتن و شروع به طهارت است و نیز خدا انواع تطهر را دوست می دارد، چه آن که با گرفتن وضو و انجام غسل باشد.(۱)

آیه فوق به این موضوع اشاره دارد و می گوید: «کسانی که در پاکی روان و پاکیزگی جسم خود کوشش می کنند و وظایف خویش را انجام می دهند، آن ها دوستان خدایند.»

پس نمازگزاری که می داند باید به خصوص هنگام نماز پاک باشد و در فکر نظافت و فکر حمام کردن و بهداشت باشد،در پیش گیری از امراض پیش قدم شده و خود با رعایت نمودن پاکیزگی، جزئی از ایمان را به جا آورده است.(۲)

ت. سلامتی روانی

اسلام علاوه بر جسم، به روح و روان انسان نیز توجه کرده است و سلامت روحی و روانی را بسیار با اهمیت می داند و امراض روحی را

۱- ۱. موسوی، سید محمدباقر؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲- ۲. قرائتی، محسن با همکاری بهشتی، سید جواد؛ همراه با نماز، ص ۱۴۴.

خطرناک تر از امراض جسمی می داند.

امیرالمؤمنین می فرماید: «بالاـترین خطر برای جامعه فقر است... و بالاتر از آن مرض و بیماری جسمی و بالاتر از آن بیماری روح است.»(۱)

امام خمینی(ره) در این زمینه می فرماید: «خداوند از طهارت صوریّه و نظافت ظاهریّه نیز اهمال ننموده است... از فوائد وضو معلوم شود که برای وضو باطنی است که به آن تزکیه باطن شود و نیز رابطه ما بین ظاهر و باطن و شهادت غیبت معلوم شود و نیز استفاده شود که طهور ظاهری و وضوی صوری از عبادات است واطاعت رب است و ازاین جهت، طهور ظاهر باطن گردد و از طهارت صوری تزکیه فؤاد حاصل می شود.»(۲)

ی. آثار معنوی و اخروی وضو

وضو دارای حکمت گسترده ای است و تأثیر آن نیز در عمل کرد انسان بی نتیجه نیست. بعضی آثار آن، در این دنیا حاصل می شود و بعضی دیگر مربوط می شود به سرای ابدی. هریک از اعضای وضو که آب به آن ها می رسد، وسیله ای می شود که گناهان را از میان می برد و شخص را مهیای به پیشواز خدا رفتن می کند.(۳)

در این زمینه پیامبر خدا(ص) می فرماید: «یَتَباعَدُ عَنْهُ الشَّیْطانُ، فَاِذا تَمَضْمَضَ نَوَّرَاللَّهُ قَلْبَهُ وَ لِسانَهُ بِالْحِکْمَهِ وَ اِذا اسْتَنْشَقَ امَنَه اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَ رَزَقَهُ رائِحَهَ الْجَنَّهَ، وَ اِذا غَسَلَ وَجْهَهُ بَیَّضَ اللَّهُ وَجْهَهَ، یَوْمَ تَبْیَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَاِذا غَسِلَ ساعِدَیْهِ حَرَّمَ اللَّه عَلَیْهِ اَغْلالَ النَّارِ وَ اِذا مَسَحَ رَأْسَهُ مَسَحَ اللَّهُ عَنْهُ سَیِّآتُهُ

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷.

۲- ۲. موسوی خمینی، روح اللّه؛ آداب نماز، ص ۶۹.

۳- ۳. گرامی، اخلاق و عرفان در وضو و نماز، ص ۲۸.

وَ اِذا مَسَحَ قَدَمَیْهِ اَجازَهُ عَلَی الصِّراطِ یَوْمَ تَزِلَّ فیهِ الْاَقْدامُ.»(۱)

وقتی آب را مضمضه می کند، شیطان از او دور می شود. خدا دل و زبانش را به حکمت نورانی می کند و وقتی در بینی آب می ریزد، خدا او را از آتش دوزخ امان می دهد و بوی بهشت نصیبش می کند. آن گاه که رستاخیز فرا می رسد و برخی از چهره ها سفید و برخی دیگر سیاه می شود، وضو گیرنده را خداوند سر افراز و رو سفید می کند. او که دست ها را می شوید، خدا زنجیرها و پابندهای جهنم را بر او حرام می کند؛ وقتی سر را مسح می کند پلیدی های ناشی از گناه را از بین می برد؛ زمانی که پاها را مسح می نماید،

خداوند پاهایش را برپل صراط نمی لرزاند. پس این همه آثار به وسیله وضو فراهم می شود.

مبحث دوم: آثار نماز

گفتار اول: تأثیر نماز در بعد شخصیت روحی و معنوی جوان

الف. آثار وضعی

احکام الهی و دستورات دینی، در قالب اوامر و نواهی به وسیله قرآن کریم و سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) برای انسان ها بیان شده و به شکل قوانین و مقررات حاکم شده اند.

در این شکی نیست که هدف تمامی قانون گذاران از وضع قانون، برقراری آرامش، آسایش، امنیت و نظم و نظام در زندگی انسان هاست و سعادتمندی و خوشبختی برای عموم در آن ها لحاظ شده است. گاهی در

۱- ۱. حرّ عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۸.

قانون هایی که انسان آن را وضع می نماید، سلیقه های شخصی و جناحی به وضوح دیده می شود. به همین جهت با گذشت زمان این قوانین مفهوم خود را از دست می دهند. اما قانون گذار الهی، بالاتر از همه انسان ها و آگاه به تمامی مصالح و مفاسد آن هاست و کوچک ترین تنگ نظری و ظلم و اعمال سلیقه های شخصی و حکومتی نیز در حوزه قانون گذار اسلامی وجود ندارد.

قوانین آسمانی و الهی همه جانبه است. هم سعادت دنیا و هم آخرت و هم جسم و هم روح انسان در قانون گذاری دیده شده است. تاکنون از آثار جسمی نماز یا آثار نماز بر جسم انسان سخن گفتیم. اکنون به بیان آثار نماز بر روح و روان انسان می پردازیم.

ب. آرامش روانی

آرامش خاطر و آسودگی روان از گم شده های مردم در روزگار ماست که همه نیازمند و طالب آن هستند. توجه دادن به این امر که فقط یاد خدا و نماز می تواند روح سرگردان انسان را آرام کند و از دغدغه های مختلف برهاند و سعادتمندی دائمی برای انسان حاصل نماید، تأثیر زیادی در فراهم سازی آسایش و آرامش روان جوانان دارد.

قرآن نیز به این معنی اشاره دارد: «اَلا بِذِکْرِاللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ(۱)»؛ آگاه باشید تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد.» نماز یک عبادت است که موجب ارتباط بین خالق و مخلوق می شود و برای نمازگزار آرامش روانی و آسایش روحی را نیز به همراه دارد و او را از ابتلاء به امراض و کسالت های روحی و روانی دور نگه می دارد. نماز، انسان را از هرچه که به موجب آن به روح و روان فرد لطمه

۱- ۱. سوره رعد، آیه ۲۸، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

وارد می شود، نهی می کند.

امروزه در دنیای علم پزشکی و روان پزشکی نیز اعتقاد است که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی، تشویش و ترس را که علت بیش تر بیماری هاست، برطرف می سازد. «در آمریکابیش ترین بیماری ها، روانی است و در کشورهای اروپایی نیز اضطراب، بزرگ ترین بیماری است.»(۱)

در کشورهای غربی وجود این همه امکانات و تکنولوژی، باعث آرامش روحی آنان نشده و علت بیش تر امراض آنان، عدم برقراری ارتباط با خداوند است.

حال سؤال این است که چگونه نماز باعث آرامش روانی جوانان می شود؟

افرادی که زندگی را پوچ و بی معنی و بی هدف برای خود تصور می کنند و آن را رنگ باخته و از دست رفته می بینند، به نا امیدی و افسردگی، اضطراب و انزواطلبی مبتلا می شوند. آنان به علت این که برای خود و کار خود ارزش قائل نیستند و قدرت ماورایی را که ناظر بر اعمالشان باشد قبول ندارند، اعتماد به نفس و امنیت روانی خود را از دست می دهند. اما جوان نمازگزار در روز، مرتباً می گوید: این جهان آفریننده و پرورش دهنده ای دارد که بر آن نظارت دارد و داور ارزش گذار کار بندگان خود است. کوچک ترین کار آنان را زیر نظر دارد و به آن نمره می دهد و برای آن، ثواب و عقاب معیّن می کند. او مالک روز محاسبه (یوم الدین) است. پس نمازگزار به یقین می داند که هر ذره ای قابل حساب است: «فَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ خَیْراً یَرَهُ* وَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ شَرّاً یَرَهُ؛ پس هرکس هم وزن ذره ای کارخیر انجام دهد آن را می بیند و هرکس هم وزن

۱- ۱. راشدی، حسن؛ نمازشناسی، ج ۲، ص ۷۲.

ذره ای کار بد کرده آن را می بیند.»(۱) و همین است که به او آرامش خاطر و

امنیت روانی می دهد؛ لذا گرفتاری های دنیا، رنج ترک گناه و عمل به تکلیف را راحت تر و آسان تر می پذیرد.

توجه و خشوع از شرایط مهم نماز است و وسیله ای است برای پرورش و تمرین حضور و تمرکز حواس که در زندگی بسیار حائز اهمیت بوده، بیش ترین موفقیت های انسان در نتیجه همین تمرکز و توجه کامل و و حضور ذهن است. نماز نشان می دهد که رابطه ای بین انسان و پروردگارش وجود دارد. خشوع و خضوع انسان در نماز، به او نیرویی معنوی می بخشد که صفای روحی و آرامش جسمی و امنیت روانی را در او به وجود می آورد.

رسول خدا به بلال می فرماید: «قُمْ یا بَلالْ فَأَرِحْنا بِالصَّلاه(۲)» «بلال برخیز و ما را با نماز، آسایش بخش»؛ نقش نماز در آرامش انسان مورد آزمایش و بررسی نیز واقع شده است و امروزه یکی از روش های مورد استفاده برخی روان پزشکان جدید است. رسول خدا می فرماید: «عَلَیْکُمْ بِصَلاهِ اللَّیْلِ فَإِنَّهُ مُطردهُالداءِ فِی الجَسَدِ(۳)؛ نماز شب را بخوانید که آن دافع بیماری از بدن است.

پس نماز، نه تنها یک عبادت است، بلکه یک برنامه تدوین شده برای نظم و سلامت جسمی و روحی و آرام کننده ناراحتی های تن می باشد.

در دوره پناه جویی، بشر به کسی پناه می برد که نمی داند کجاست، اما می داند همه جا هست و او را از ناامیدی می رهاند. او همان خدایی است

۱- ۱. سوره زلزال، آیات ۷ و ۸، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. متقی الهندی، علاءالدّین؛ کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۹۳.

۳- ۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۲۳.

که در همه ادوار به او پناه می برد و از او آرامش می گیرد و در سایه عبادت او، به آرامش می رسد.

پس نماز، نمازگزار را از اضطراب و دغدغه های فکری دور نگاه می دارد، به او آرامش روح و روان می بخشد و در آرامش روانی او اثر فراوان دارد.

گفتار دوم: ایجاد تنفر از بدی ها در جوان

الف. ایجاد نفرت از گناهان

یکی از بارزترین ویژگی ها و خصوصیات نماز، ایجاد تنفر و بازدارندگی از فرورفتن در منجلاب فساد و منکرات است.

این امر، البته از اقتضائات نماز است، نه این که این علت تامه آن باشد؛ لذا بدیهی است کسی که در روز، پنج بار به سوی پروردگارش با خشوع و خضوع و خاکساری، نماز به جای می آورد به ویژه اگر در محیطی سالم باشد انسانی با نزدیک ترین رابطه به درگاه خداست. اگر انسان خدا را فراموش ننمود و او را ناظر اعمال خویش دانست، حلاوت عبادت موجب ایجاد تنفر از گناه در او می شود و او را از هر زشتی و پلیدی باز می دارد. از سفارشات امام علی(ع) به «کمیل» است که می فرماید: «ای کمیل! مهم نیست(این که) نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی! مهم این است که نماز با قلبی پاک انجام پذیرد و مورد قبول خداوند باشد و با خشوع و خاکساری ادا شود.»(۱)

وقتی نماز خواندن صرفاً یک عادت نباشد و همراه با فروتنی انجام

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۶۶.

پذیرد و با دقت تمام و کمال به جا آورده شود، موجب توجه به ذات اقدس احدیت می گردد.

چنین نمازی فرد را از کارهای زشت و قبیح که با فطرت انسان سازگاری نـدارد، باز می دارد و دژ محکمی در مقابل شیطان است. امام علی(ع) می فرماید: «نماز قلعه و دژ محکمی است که نمازگزار را از حملات شیطان دور نگاه می دارد.»(۱)

پس نماز وقتی با عشق خوانده شود و استمرار پیدا کند، موجب دوری از گناهان می شود و حلاوت ارتباط با خدا برقرار کردن، تنفر از گناه را در وجود فرد تقویت می کند.

با این وصف اگر از همان ابتدا که فرزندان هنوز تأثیرپذیر هستند، از طرف خانواده به درستی به نماز سوق داده شوند نفس آنان از گناه احساس لذت نمی نماید و احساس تنفر از گناهان در وجود آن ها ایجاد می شود.

ب. بازدارنده از گناهان

خداوند می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ»(۲) نماز را بر پا دار، که نماز انسان را از زشتیها و گناه باز می دارد.

اولویت برنامه های دینی، بر پاداشتن نماز است و به این علت، ما سعی داریم نوجوانان و جوانان را از این امر مهم آگاه سازیم و نماز را در برنامه های آنان قرار دهیم، چرا که هر نوجوان و یا جوانی که قلبش به نور ایمان روشن شود، برای او شیرین ترین و زیباترین حال ها میسر می شود و

ص:۶۶

۱- ۱. آمدی تمیمی، محسن؛ غررالحکم، ص ۵۶.

۲- ۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

نماز برای آنان آنقدر لذت بخش و آرام بخش است که نیازهای روحی و روانی آن ها را برآورده می سازد و از مراجعه آنان به سایر چیزها جلوگیری می کند. این امر، یعنی بر پایی نماز برای جوان و نوجوان تأثیرات بیش تری در سازندگی روحی و شخصیتی آن ها دارد؛ به همین علت، جوانان، دیگر به دنبال گناه نمی روند، چون قلب آنان از گناه سیاه نشده است. وقتی جوان به آثار شخصیتی نماز پی برد، جایگاه آن را می شناسد و به طور قطع به دنبال گناه نمی رود و مدام خداوند را واقف بر اعمال خویش می داند و از گناه دوری می جوید.

اکنون این سؤال پیش می آید که اگر نماز دوری از گناه را در فرد ایجاد می کند، چرا این حالت برای برخی افراد پیش نمی آید؟

ذکر یک روایت از تاریخ در این زمینه بی تأثیر نیست. «روزی به رسول خدا(ص) گزارش دادند فردی که به شما در نماز اقتدا می نماید، مرتکب فواحش می شود. رسول خدا(ص) در جواب آن ها فرمود: بالاخره روزی نماز او را نجات خواهد داد و پس از مدتی آن جوان توبه کرد.»(۱)

در تفسیر آیه ذکر شده در بالا، مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می فرمایند: «سیاق آیه شاهد بر این است که مراد از این، باز داری طبیعت نماز از فحشا و منکر است. البته بازدارندگی آن، به نحو اقتضاء است، نه علّیت تامه. که هر کس نماز خواند دیگر نتواند گناه کند.»(۲)

ص:۶۷

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸.

۲- ۲. طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۲.

گفتار سوم: رهایی از دام شیطان

اشاره

از روزی که لعنت الهی به شیطان تعلق گرفت، شیطان به نام مقدس خدا قسم یاد کرد که افراد غیر خالص و صالح را گمراه نماید. امام علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید: «پس شیطان بزرگ ترین مانع برای دین داری و زیان بارترین و آتش افروزترین فرد دنیای شما است.»

شک نیست که شیطان، گمراه کننده ترین موجود است و در پی گمراهی دین داران. امام علی(ع) می فرماید: «مردم! آتش خشم خود را بر ضد شیطان بکار گیرید و ارتباط خود را با او قطع کنید.»(۱)

اگرچه باید از همه شرور و آفات به خدای تعالی پناه برد اما آن چه در استعاذه آمده است، پناهندگی از شرالاشرار و دشمن آشکار یعنی شیطان است که در سوره ناس هم به خوبی به آن پرداخته شده است.(۲) در سوره مؤمنین نیز خداوند به رسول گرامی می فرماید: «وَقُل رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ* وَأَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَن یَحْضُرُونِ؛ (و بگو پروردگارا به تو پناه می برم.»(۳)

وقتی می دانیم که عبادات، نزد شیطان مبغوض ترین عمل است، با نماز می توانیم وسوسه های زیادی را که در انسان به وجود می آورد، از خود دور نماییم و از شرّ او ایمن باشیم. در ادامه به مواردی در ارتباط با موضوع اشاره می نماییم.

۱- ۱. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۸۳.

۲- ۲. اکبری، محمدرضا؛ تفسیر نماز، ص ۳۵.

۳- ۳. سوره مؤمنون، آیه ۹۷، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

الف. حسادت شیطان به نماز جوان

امـام علی(ع) می فرمایـد: «هنگـامی که نمـازگزار به نماز می ایسـتد، شـیطان به خاطر رحمتی که نمازگزار را فرا می گیرد، به چشم حسادت به او می نگرد.»(۱)

به این نکته بایـد توجه نمود که شیطان به اقـامه نماز حساسـیت دارد، چون توفیق او را در کشانـدن جوانان به فحشا و منکر از بین می برد. نماز بازدارنـده از فحشا و منکر است و شـیطان تلاش می کند بین بندگان خدا و نماز فاصـله بیندازد و آن ها را از عبادت دور کنـد. با توجه به حساسـیت نماز و پناهندگی دائمی به حضـرت حق، اثر ویژه آن در دوری از شـیطان مشـخص می شود.

ب. ایجاد موانع در عبادت

گفته شد که شیطان مدام در پی آن است که انسان اصلاً یادی از خدا نکند و به هر وسیله ممکن انسان را به گمراهی بکشاند واز نماز باز دارد. قرآن هم به تبیین این مورد پرداخته، می فرماید: «إِنَّمَا یُرِیدُ الشَّیْطَانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَدَاوَهَ وَالْبَغْضَاءَ فِی الْخَمْرِ وَالْمَیْسِرِ وَیَصُدَّکُمْ عَن ذِکْرِ اللّهِ وَعَنِ الصَّلاَهِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؛(۲) شـیطان می خواهـد در میـان شـما به وسـیله شـراب و قمار عـداوت، ایجاد کنـد و شـما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد. آیا با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید، خودداری خواهید کرد.

در تفسـیر المیزان، در ذیـل این آیه آمـده است: «بغض» و «بغضـاء» ضـد محبت است. رجسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ، معنای آن این است که این امور از

ص:۶۹

۱- ۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۸۰.

۲- ۲. سوره مائده، آیه ۹۱، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

عمل شیطان اند و رجس هم از عمل شیطان است برای این است که شیطان هیچ غرضی از این اعمال خود یعنی خمر و میسر ندارد، مگرایجاد عداوت و بغضاء بین شما و این که به این وسیله شما را به تجاوز از حدود خدا و دشمنی با یک دیگر وادار کند، و در نتیجه به وسیله همین شراب و قمار و انصاب و ازلام، شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد.(۱)

پس شیطان با این عوامل در صدد فراهم سازی عداوت بین شما و دوری جستن از ذکر خدا و رواج دادن بی بندوباری و ارتکاب فواحش و مخالفت با احکام الهی است.

و گاهی برخی دچار این توهم می شوند که اگر از انسان گناهی سر زد و یا کار زشتی انجام داد، دیگر نمازخواندن فایده ای ندارد. گاهی نیز فرد به خود چنین تلقین می نماید من مشغول گناه هستم دیگر چرا نماز بخوانم و نماز چه تأثیری می تواند در من داشته باشد؟ این افکار در دوران جوانی بیش تر است و شیطان در چنین مواقعی وسوسه بیش تری دارد. در روایتی از مولا علی(ع) آمده است: «اَلصَّلاهُ صابُونُ الْخَطایا»(۲) نماز صابون شست و شوی گناهان است.

پس نباید از رحمت الهی، نا امید شد چون ناامیدی از گناهان کبیره است و وقتی انسان نا امید شود وسوسه شیطان بیش تر می شود و باب توبه رو به فروبستگی می گذارد.

امام علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید: «پس شیطان، بزرگ ترین مانع برای دین داری است.»(۳) وسوسه های

۱- ۱. طباطبائی، محمدحسین؛ ترجمه موسوی، سیّد محمدباقر؛ تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۲- ۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۱۳.

۳- ۳. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۸۲.

شیطانی انسان را رها نمی سازند و مدام درپی آتش افروزی هستند؛ چه وسوسه های فردی و چه جمعی.

ج. خشمناکی شیطان از عبادت

وقتی شیطان نمازگزاری را در حین سجده می بیند، به سختی بر می آشوبد و تحمل نمی کند؛ چون خود از درگاه الهی رانده شده است. در حدیثی از امام علی(ع) آمده است: «وقتی که بنده ای سجده کرد، ابلیس(شروع) به داد و فریاد زدن می کند و ای بر من! او اطاعت کرد، ولی من معصیت کردم، او سجده کرد و من از این عمل سر باز زدم.»(۱)

د. نماز جماعت، رهایی از دام شیطان

در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است: «اِنّ الشَّیْطانَ ذِئْبُ الانسانِ کَذِئبِ الْغَنَمِ یَاخُذَ الشاهَ القاصِیَه و الناحِیَهَ فَایّاکُمْ وَالشِّعابِ وَ عَلَیْکُم بِالْجَماعَهِ وَالْعامَّهِ وَالْمَسْجِدِ»(۲).

«شیطان گرگ انسان است، همانند گرگ گوسفندان که همیشه میش های دورافتاده و کناره گیر را می گیرد. از اختلاف اندازی بپرهیزید بر شما باد حضور در جماعت و مجالس عمومی و مسجد» از این روایت فهمیده می شود فایده نماز جماعت از نماز فرادا بیش تر است. جوانان نیز باید به نکاتی که در حدیث فوق آمده توجه کنند تا این امکان برای آن ها میسر شود که از دام های شیطان در امان باشند.

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۶۱.

۲- ۲. متقی الهندی، علاءالدّین، کنزالعمّال، ج ۷، ص ۵۸۱.

ه . نماز و طرد شیطان

نماز، زمانی که برای انسان دادرسی نیست، کمک انسان است. البته نماز دارای تأثیر زیادی می باشد. هم چنین نماز، شیطان را از انسان دور و طرد می کند؛ بالأخص در هنگام مرگ. در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «و ملَكُ الموْتِ یَدْفَعُ الشَّیْطانَ عَنْ الْمُحافِظِ عَلَی الصَّلوهِ وَ یُلَقِّنُهُ شَهَادَهَ أنْ لَا اِلَهَ اِلّااللّهُ وَ اَنّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ) فی

تِلْكَ الحالَهِ الْعَظیمَهِ؛» هنگام مرگ ملک الموت شیطان را از کسی که محافظت به(اوقات) نماز کند دفع می کند و کلمه شهادتین را به او القاء و تلقین می کند.»(۱)

و. نماز عامل شکست شیطان

نمازگزار به وسیله نماز شیطان زدایی و شیطان ستیزی می کند. هیچ چیزی مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد. پس نماز بهترین و نیرومندترین سلاح برای سرکوبی شیطان و دور کردن او از یافتن راه نفوذ و تسلطش بر انسان است. اگر ما بر شیطان پیروز نشویم، خوار می شویم و به ذلّت می افتیم.

امام زمان علیه السلام (عج) در حدیثی می فرماید: «مَاارْغَمَ اَنْفُ الشَیْطانِ بشیئیٍ مِثْلُ الصَّلاهِ فَصَلِّها وَ اَرْغِمْ اَنْفَ الشَّیْطانِ(۲)؛ «هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد و او را خوار نمی کند. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.»

ص:۷۲

۱- ۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

۲- ۲. معزّی، جامع احادیث الشیعه، ج ۷، ص ۶۱.

مبحث سوم: نماز شاخص اعمال

گفتار اول: تأثیر نماز در کیفیت بخشی به اعمال

اشاره

نماز بازدارنده از بدی ها، معراج مؤمن، مایه نزدیکی پرهیزکاران به خدا، پاک کننده گناهان، شستشو دهنده جسم و جان، خاموش کننده آتش دوزخ، پایه دین، نردبان رسیدن به اوج کمال و انسانیت، مهم ترین نهاد دین، بهترین کارها و معیار سنجش اعمال است. امام صادق(ع) فرموده اند: «اِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ ما سِواها وَ اِنْ رُدَّتْ رُدَّ ماسِواها «اگر نماز قبول شود بقیه اعمال هم قبول می شود و اگر نماز قبول نشود بقیه اعمال هم پذیرفته نمی شود.»(۱)

پس اگر نماز قبول شود، کارهای دیگر نیز پذیرفته می شود و اگر نماز رد شود، کارهای دیگر نیز مردود است. به وسیله نماز، دعاها مستجاب و نیازها بر آورده می شود. نماز غایت و نهایت کسی است که خدا را یاد کند و خدا نیز او را یاد می کند در روزی که جز خدا کسی یا چیزی نمی تواند به حال انسان مفید و ثمربخش باشد.

الف. نماز معیار ارزش یابی و محاسبه اعمال

نماز هم چنین در ارزیابی اعمال اثر فراوانی دارد. انسان خداجو، دائماً در صدد ارزیابی اعمال خویش است و در پی بررسی این که آیا فلان عمل که انجام داده ام مورد قبول خداوند بوده یا نبوده است؟ اولین عملی هم که فرد مسلمان با آن سرو کار دارد، نماز است که روزی چندین مرتبه آن را به جای آورد. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «اَوَلُ مَا یُحَاسَبُ

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۹۴.

بِهِ العَبْدُ عَنِ الْصَلاه فاِذا قُبِلَتْ قُبلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ و اذا رُدّت علیه رُدَّ عَلَیْهِ سائِرُ عَمَلِه، فَاِذا صَلَّیْتَ فَأقْبِلْ بِقَلْبِکَ اِلَی اللّهِ عَزَّوَجلَّ فَاِنَّهُ لَیْسَ مِنْ عَبدٍ مُؤمِنٍ یُقْبِلُ بِقَلْبِهِ عَلَی اللَّه عَزَّوَجلّ فی صَلاتِهِ وَ دَعائِهِ اِلّا اَقْبَلَ اللَّه عَلَیْهِ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ اِلَیْهِ وَ أیـد مع مودتهم اِیّاهُ بِالْجَنّه»(۱)؛ اول چیزی که انسان با آن مورد محاسبه قرار می گیرد نماز است. اگر نماز قبول شد سایر اعمال هم از نمازگزار قبول می شود و اگر رد شد، سایر اعمال نیز مردود است. پس هرگاه نماز می خوانی، با قلب خود متوجه خدای سبحان باش تا دعا و نماز تو قبول شود و خدا با قلوب مؤمنان به تو رو کند.

نماز کوثری است که انسان را تطهیر میکند. اگر ما از نماز این طهارت را در خود احساس نکردیم، باید بپذیریم که نماز مان، نماز واقعی نبوده است.(۲)

پس فرد نماز خوان می تواند اعمال خود را با ملاک و میزان نماز، مورد ارزیابی قرار دهد و هر کجا که نیاز به تغییر و اصلاح دارد، نسبت به آن اقدام کند.

ب. نماز تقویت کننده اخلاص و تقوی

باید توجه داشت فرد نمازگزار به آن مقدار که توجه او به خداست از او نماز به آن مقدار پذیرفتنی است. امام باقر(ع) می فرماید: «عَلَیْکَ بِالاِقْبالِ بِصَلاتِکَ فَاِنّما یُحْسَبُ لَکَ مِنْها ما اَقْبَلْتَ عَلَیْهَ»؛« در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می شود که تو، به آن توجه داری.»(۳)

لذا فرد نمازگزار برای تقویت اخلاص در تمام حرکات و سکنات و

ص:۷۴

۱- ۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳.

۲- ۲. جوادی آملی، عبداللّه؛ حکمت عبادات، ص ۱۱۵.

۳- ۳. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجهالبیضاء، ج ۱، ص ۳۵۴.

حضور قلب و خشوع در نماز باید دقت ویژه کند تا بتواند نمازی کامل به تمام معنی داشته باشد.

در خصوص حضور قلب در نماز هم، از کلام اولیاء دین چنین استفاده می شود: «حضور قلب یعنی فارغ ساختن دل از همه، برای عملی که به آن مشغول است تا این که بداند چه می کند و چه می گوید و تمرکز فکر و اقبال به نماز داشته باشد و این را خشوع دل نیز می گویند»(۱)

ج. تقوا، فراهم سازی قبولی اعمال است

بطور قطع کار نیک بر مبنای خدا پرستی پذیرفتنی است و بندگی خدا با شرط تقوی و ترک گناه قبول می شود. قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره دارد و می فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِن الْمُتَّقِين»؛« خداوند تنها (اعمال) از اهل تقوا قبول می کند.»(۲)

همان طور که اگر فرد دزدی کند و مال دیگران را حتی انفاق کند و در راه خیر هم بدهد، از او پذیرفتنی نیست، آن که حق مردم را بخورد و به نماز بایستد هم، نمازش مردود است. هم چنین کسی که نماز را ترک نکند ولی جهاد ننماید یا در حق دیگران ظلم و ستم کند. به همین قیاس، کسی که به دیگری تهمت بزند، غیبت کند، یا چشم ناپاک به نوامیس مسلمین داشته باشد و حتی نماز شب هم بخواند، آن نماز و جهاد و این زیارت و نافله را خداوند از او نمی پذیرد.»(۳)

دلیل این نپذیرفتن هم این است که این اعمال، همراه با تقوا نبوده است و انسانی که در پی تقواست، باید توجه داشته باشد که تقوا یک

۱- ۱. نراقی، معراج السّعاده، ص ۱.

۲- ۲. سوره مائده، آیه ۲۸، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۳- ۳. قرائتی، محسن؛ راز نماز، ص ۲۸.

سری مقدمات دارد که اگر در برنامه نباشند، تقوای او پذیرفتنی نیست. امام صادق می فرماید: «وَالْعَمَلُ الخَالِصُ الَّذی لا تُریدُ اَن یَحْمَدَکَ عَلَیْهِ اَحَدٌ اِلاّ اللَّهُ»(۱) «عمل خالص، عملی است که در انجامش، جز از خدا از احدی انتظار و سپاس نداشته باشد.»

آن حضرت هم چنین می فرماید: «گاهی پنجاه سال بر انسان می گذرد ولی خداوند یک نماز او را نپذیرفته است.»(۲)

جوانان باید به موجبات قبولی اعمال توجه داشته باشند این موجبات از طهارت گرفته تا سلام کردن و... برنامه دارد و هر کدام در جای خودش لازم است.

د. پاداش نمازگزار

اگر از طرف فرد معروفی وعده ای به انسان داده شود، انسان تقریباً مطمئن است که به آن عمل می شود. اگر این فرد خدای عزّوجل باشد که به کسی وعده ای بدهد، اطمینان بیش تر می شود. در مورد نماز، خدا با نمازگزاران عهد بسته که پاداش خوبی به آنان می دهد. رسول خدا می فرماید: «قال اللّه عَزَّوَجَلَّ اِنَّ الْعَبْدَ عَلَیَّ عَهْداً اِنْ اَقامَ الصَّلاةَ لِوَقْتِها أَنْ لا اُعَذِّبَهُ وَ اَنْ اَدْخُلَهُ الْجَنَّه بِغَیْرِ حِسابٍ؛ «خداوند عزوجل فرمود «برای بنده ام تعهد کرده ام اگر نماز را در وقتش به پا دارد(بخواند) کیفرش ندهم و او را بی محاسبه وارد بهشت گردانم؛»امام صادق(ع) نیز می فرماید: «مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلاةً واحِدَةً لَمْ یُعَذِّبْهُ؛»(۳)

خداوند از هر کس یک نماز را بپذیرد، عذابش نمی کند» چون نماز از

ص:۷۶

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۳۰.

۲- ۲. وافی، ج ۲، ص ۱۳.

۳- ۳. وافی، ج ۲، ص ۱۳.

جایگاه خاصی برخوردار است و عملی با فضیلت تر از نماز نیست. روایت دیگری نیز از امام صادق(ع) نقل شده است که می فرمایند: «بهترین عمل در روز قیامت نزد خداوند، نماز است.»(۱)

گفتار دوم: نماز و گناهان

الف. ریزش گناهان

در این دنیا انسان مدام با نیرنگ های عدیده سرو کار دارد و با انواع تخلف هایی که منجر به گناه شده و او را به معصیت وا می دارد، روبه روست. در چنین حالاتی، او در وجود خود نیازمند به بخشودگی و محو این گناهان ودر صددیافتن راهی برای ریزش و بخشش آنان است. این راه می تواند همان نماز باشد که دلیل بخشودگی است امام علی(ع) در وصیتش درمورد نماز می فرماید: «اِنَّهَاَلتَحُتُ الذُّنُوبَ حَتَ الوَرَقِ وتُطْلِقُها اِطْلاقَ الرِّبَقِ، وَشَبَّهَهَا رَسولُ اللّه(ص) بِالْحَمهِ تَكونُ عَلى بابِ الرَّجُلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْها فِى الْيَوْمِ وَ اللَّيلَهِ خَمْسَ مَرّاتٍ فَما عَسى يَبْقَى عَلَيْه مِنْ الدَّرَنِ؛»(۲). «نماز، گناهان را فرو می ریزد، هم چون ریزش برگ از درختان و آن ها را از گردن بندگان باز می کند،

هم چون بازکردن رسن از گردن چهار پایان. رسول خدا(ص) نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه فرمود که جلو در خانه مردم باشد و اگر شبانه روز پنج مرتبه خود را در آن بشویند بر بدن آن ها چرک و کثافتی باقی نخواهد ماند.»(۳)

---

۱ - ۱. متقی الهندی، علاءالدّین؛ کنزالعمّال، شماره ۱۹۰۳۶؛ کافی، ج ۳، ص ۲۶۶؛ التهذیب، ج ۲ ۲۳۸/۹۴۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷.

۲- ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۳- ۳. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

بنابراین نماز بدی ها را از بین می برد، گناهان را از صفحه قلب انسان محو می کند و سبب می شود خداوند بزرگ مجازات ها را عفو فرماید. خداوند عزّوجل می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلاَةَ طَرَفَیِ النَّهَارِ وَزُلَفاً مِنَ اللَّیْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ ذلِکَ ذِکْرَی لِلذَّاکِرِینَ؛(۱) «در دو طرف روز و اوایل شب نماز را بر پا دار، چرا که حسنات، سیئات(و آثار آن ها را) از بین می برد. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند.» این خاصیت نماز، برای جوان که در معرض لغزش ها و آفات است، جای امیدواری فراوان دارد.

در روایاتی از امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است که از اصحاب سؤال فرمودند: «آیا می دانید امیدبخش ترین آیه قرآن کدام است؟» هر کدام از اصحاب، آیه ای را عنوان کردند. حضرت فرمودند: «امیدبخش ترین آیه در کتاب خدا، «وَأَقِمِ الصَّلاَةَ طَرَفَیِ النَّهَارِ وَزُلَفاً مِنَ اللَّیْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ»(۲) است.»

نماز، جوان را از گناهان شستشو می دهد و او را از ارتکاب گناه بازمی دارد و به همین علت، نماز یک اهرم قوی و یک محافظ خوب برای جوان است و تذکاری است به او تا از خلاف دوری کند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الصَّلاَةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنکَرِ؛»(۳) «نماز را برپا دار، که نماز انسان را از زشتی ها و گناه باز می دارد.»

زمانی که انسان به سبب گناهانی که برای او اندوه و غم به همراه آورده است، خود را از همه جا رانده می بیند و نمی داند چه کند تا از این حال

۱- ۱. سوره هود، آیه ۱۱۴، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، ج ۵ ص ۳۱۴.

۳- ۳. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

رهایی یابد، نماز به او یاری می رساند. امام علی(ع) می فرماید: «ما اَهَمَّنی ذَنْبٌ اُمْهِلْتُ بَعْدَهُ حَتَّی اُصَلِّیَ رَکْعَتَیْنِ وَ اَسْأَلَ اللَّهَ الْعافِیَهَ؛(۱) «انـدوهگینم نکرد گنـاهی کـه در پی آن مهلـت یـافتم دو رکعـت نمـاز بگزارم و از خـدا اصـلاح آن را بخواهم.»

ابـن میثـم در شـرح این جمله چنین می نویسـد: «علت این که انسـان نبایـد پس از خوانـدن دو رکعت نمـاز نسـبت به گناهـان اندوهگین باشد، این است که نماز پوشاننده گناهان است.»(۲)

این رهنمود مولاـ در نهـج البلاـغه، برای ما یک الگوست تا وقتی گناهی از ما سـر زد با توسل و نماز، موجبات غفران و پاکی آن را فراهم آوریم.

ب. نماز و کفاره گناهان

گناهان انسان سبب می شود که در روز قیامت، آتشی که به دست خود او روشن شده است، برای او عذاب شود. اما می توان این آتش را در همین دنیا خاموش نمود و با اقامه نماز، اثر آن را محو کرد. در حـدیثی از رسول خـدا(ص) روایت شـده است: «شـنیدم منادی حق در اوقات نماز نـدا می کند و می گوید: «ای فرزندان آدم! آتشـی را که به دست خود افروخته اید خاموش کنیـد. پس می بینم که برمی خیزنـد و وضو می گیرنـد و بعد از آن، گناهان و معاصـیشان ساقط می شود و آن هنگام که نماز می خوانند، هرچه زشتی ها که در میان دو نماز مرتکب شده اند، بخشیده می شود؛

اما آن ها مجـدداً در بین دو نماز آتش می افروزنـد. همین که هنگام نماز ظهر فرا می رسد، منادی حق ندا می دهد: ای انسان ها بر خیزید و آتشی را

۱- ۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۹.

۲- ۲. بحرانی، ابن میثم؛ شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۳۹۵، چاپ مؤسسه نصر ۱۳۷۸.

که برای سوزانـدن خویش بر افروخته اید خاموش کنید. آن ها مجدداً برمی خیزند و وضو می گیرند و نماز به جا می آورند و آن گـاه هرچه که در میـان دونمـاز مرتکب شـده بودنـد بخشوده می شود و هرگـاه نمـاز عصـر فرا می رسـد نیز چنین است. با فرارسـیدن نماز مغرب و اقامه آن نیز معصیت های قبل از نماز مغرب آمرزیده می شود و هرگاه وقت نماز عشا می شود با اقامه نماز، گناهان گذشته فرد آمرزیده می شود.

سپس آن ها می خوابند درحالی که آمرزیده شده اند و چیزی از گناهان بر آنان نیست؛ اما دریغ که بعداز آن، گروهی در راه خیر سیر می کنند و گروهی در راه شر.»(۱)

از حدیث فوق می توان چنین نتیجه گرفت که اگر انسان بخواهد گناه او پاک شود و به قیامت کشـیده نشود، با اقامه نماز این مسـیر است که هم موجب بخشیدن گناهان می شود و هم موجب فراهم سازی خاموشی آتشی که انسان به دست خود افروخته است. پس نماز نهر روان و چشمه کوثری است که هم آتش ها را خاموش می کند و هم نمی گذاردانسان بعدها گرفتار آتش شود.

علاوه بر این، در شـرح نهـج البلاغه آمـده است: «حتی اگر انسان توفیق خواندن دو رکعت نماز پیدا کند و به آن عمل نماید، موجب کفاره گناهان و از بین بردن اثر آن می گردد؛ چون حسنات، اثر سیئات را محو می نمایند.»(۲)

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۴.

۲- ۲. هاشی الخوئی، علامه میرزاحبیب اللّه؛ منهاج البراعه فی شرح النهج البلاغه، ج ۲۱، ص ۳۹۰.

گفتار سوم: نماز و سعادت مندی

الف. سعادت مندی

در بسیاری از آیات قرآن، به ثمرات و فواید نماز پرداخته شده است. این امر خود عامل مهمی در تشویق به نماز است. امام علی(ع) می فرماید «با دِرْ بِالطّاعَهِ تَسْعَد»(۱)؛ «به طاعت شتاب (کن) تا سعادتمند شوی.»

اگر انسان در موقع انجام کار، به نتایج، ثمرات و فواید آن آگاهی داشته باشد، با اشتیاق، علاقه و اطمینان بیش تری به انجام آن مبادرت می کند.

عبادت، به زندگی رنگ خدایی دادن است و از روزمرّه گی خارج شدن. نجات از بیهودگی و مفیدشدن است و عبادت واقعی یعنی کل زندگی را رنگ خدادادن و در حقیقت مجموعه دگرگونی هایی که در فکر و عقیده فرد به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار و ضوابط مذهبی ایجاد می شود.(۲)

برای جوانان و نوجوانان آگاهی از فواید و ثمرات نماز بسیار مهم است. این کار نیز باید با زبان قرآن و توجه به آیات شریفه الهی صوت بگیرد تا تأثیر بیش تری داشته باشد.

در صورت توجیه جوانان و ارایه سفارشات لازم در این مورد، آن ها می توانند با شخصیتی کاملاً پرورش یافته و دین دار، قدم به بالاترین جایگاه سعادت نهند و با نماز، سعادتمندی خود را تضمین نمایند.

۱- ۱. آمدی تمیمی، محسن؛ غررالحکم. حدیث ۴۳۶۰.

۲- ۲. کریما، زهرا؛ پایان نامه سطح ۲ معارف اسلامی و تبلیغ؛ ص ۱۷.

ب. نماز و تکامل معنوی

بهترین وسیله برای پرورش فضایل اخلاقی و تکامل سیر معنوی جوانان، نماز است. نماز، جوان را از جهان محدود و عالم طبیعت، بیرون می برد و او را به اعلاء علیّین آسمان ها می رساند. در این فضاست که او بافرشتگان، هم صدا و هم راز می شود. خود را بدون نیاز به واسطه ای در برابر خدا می بیند و با او به گفت وگو بر می خیزد. تکرار این عمل درشبانه روز، آن هم بـا تکیه بر صفات باری تعالی و کمک گرفتن از سوره های مختلف قرآن بعد از حمد که بهترین دعوت کننده در مورد پرورش دادن فضایل اخلاقی است، روح جوان را به تعالی می رساند.

در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) آمده است: «الصلوه قُرْبانُ کُلِّ تَقیٍّ»(۱)؛ نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خداست. نماز جوان را بـا تربیت بـار می آورد و پرورش اخلاقی او را کامل می کند و او را به مقامی می رساند که مستجاب الدعوه شود. نماز ریسمان خدا ست و شکی نیست که هر که به پیمان خدا وفا کند، خداوند به عهدی که با او بسته وفا می کند. در قرآن آمده است: «أَوْفُوا بِعَهْدی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ»(۲)؛ «وفا کنید به عهد من تا من به عهد شما وفا کنم» نمازگزار جوانی که همه غرایز و تمایلات در وجود او هست، وقتی به نماز می ایستد، دل به خدا می بندد و از همه این تمایلات، دل می کند و با روحی پاک به سوی خدا پرواز می کند. چنین نمازی است که انسان را – به خصوص در سن جوانی به تکامل معنوی می رساند.

۱- ۱. نهج البلاغه کلمه قصار، جمله ۱۳۶.

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۴۰، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

ج. دست یابی به مقامات معنوی

یکی از آثار مهم دیگر نمازگزار، دست یابی به مقامات معنوی و کسب فضایل است. این اثر یکی از مهم ترین برکات نماز برای جوان است.

دست یابی به مقامات معنوی، خود امری بسیار مهم و اساسی است. یک جوان همان طور که برای تأمین و رفع نیازمندی های مادی خود تلاش و کوشش می کند، باید برای رفع نیازهای روحی و معنوی خود هم سعی و تلاش نماید. او در این راه باید تلاش و جدیّت خاصی از خود نشان دهد، زیرا خسارات ناشی از خلأهای معنوی به مراتب بیش تر از خسارت ناشی از کمبودهای مادی است و رسیدن به مقامات و درجات، آثار مهمی در زندگی فرد دارد.

د. تأمین نیازهای روحی جوانان

تلاش هایی که انسان برای آسایش خویش و تحصیل و تأمین مسکن و... انجام می دهد بدون توجه به مسایل معنوی، انسان را به سعادت و آرامش دل خواه نمی رساند و همیشه او را در نگرانی نگه می دارد.

جوامع لائیک با وجود همه امکانات مادی و پیشرفته و اوج آسایش مادی، از آسایش فکری و روحی برخوردار نیستند. آن ها مدام از بی قراری رنج می برند و بالأخص جوانان در این جوامع، بی قرارتر هستند. آن چه دانشمندان و جامعه شناسان این جوامع، دائماً خطرناک ترین پرتگاه جامعه را تذکر می دهند، فساد اخلاقی ناشی از بی دینی و بی ایمانی است. این موضوع آن جوامع را به بن بست کشیده و به ستوه آورده است. وقتی در یک جامعه، جوانان در پرتگاه فساد و بی ایمانی قرار گرفتند، نمی توان به آن جامعه با چشم امید نگریست.

ص:۸۳

خانواده هایی که روح ایمان و مذهب و اعتقاد به معنویت در آن ها جای ندارد با وجود این که از جهت مادی بی نیاز هستند اما مسایل تربیتی فرزندان و مشکلات اخلاقی و خانوادگی جدی دارند که در موارد بسیاری برای آن ها مشکل ساز است. درمقابل، خانواده های با ایمانی که بی بضاعت اند، همواره کانونی گرم و محبّت آمیز دارند؛ زیرا از جذب نیروی ایمان و معنویت، خوشبختی و سعادت حاصل می شود و آن ها را از رذایل اخلاقی دور می سازد.

۵. نماز و خودسازی

دوران نوجوانی و جوانی، بهترین دوره خودسازی و آماده شدن برای ایفای نقش مفید و مؤثر در جامعه است. قبلاً اشاره شد که جوان می خواهد با ساختن خود در جامعه و خانواده، نقش خود را به دیگران نشان دهد.

قرآن کریم بهترین راه و الگو برای خودسازی را نمازگزاری معرفی نموده، با بیان تأثیرات نماز در سازندگی شخصیت جوانان و بازداشتن آنان از بدی ها و ایجاد شوق و علاقه نسبت به نماز می فرماید:

«إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً* إِلَّا الْمُصَلِّينَ»(۱)؛ به یقین انسان، حریص و کم طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی تابی می کند و هنگامی که خوبی به او رسد، مانع دیگران می شود (بخل می ورزد) مگر نمازگزاران»، پس نماز به عنوان یک عامل تأثیر گذار بر شخصیت جوانان، می تواند در خودسازی کمک مؤثری به آن ها بنماید.

ص:۸۴

۱- ۱. سوره معارج، آیات ۱۹ تا ۲۳، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

نماز روح ایمان و اطاعت از پروردگار را در وجود فرد زنـده می سازد و اگر فرد اهل نماز شـد، بهترین راه خودسازی برای او فراهم شده است.(۱)

و. نماز و نورانیّت خانه

نمـاز نوری است از الطـاف الهی که خـانه ی دل و خانه ی دنیا را روشن و منوّر می کنـد. منزلی که در آن نماز خوانـده نشود تاریـک و ظلمـانی است. چرا که نمـاز، آثـار فراوانی در این بـاب دارد. رسـول خـدا می فرمایـد: «نَوِّروا مَنزِلَکُمْ بِالصَّلاهِ...؛ با خواندن نماز به خانه هایتان نورانیت ببخشید.»(۲)

نمـاز، منزل را نـورانی می کنـد و به آن خیر و برکت می بخشـد. بالأخص در منزلی که نوجوان و جـوان در آن زنـدگی می کنند، نماز موجب دوست داشـتن خداوند می گردد. روایت است که: «اِنَ اللَّهَ یُحِبُ الشَّابَّ الَّذی یُفْنی شَـبابَهُ فی طاعَتِهِاللَّه»(۳)؛ «خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا سپری می کند، دوست دارد.» زندگی جوان در

محیطی که در آن نور نمـاز و یـاد خـدا جـاری است، او را پرهیز کـار و خـدا ترس بـار می آورد و چراغ عقل و بصـیرت او را روشن می سازد.

مولاـ علی(ع) می فرمایـد: «هر کس خداونـد سـبحان را یـاد کنـد، خداونـد دل او را زنـده کرده، عقل و خردش را روشن می کند.»(۴)

۱- ۱. متقی الهندی، علاءالدین، کنزالعمّال، ج ۶، ص ۳۹.

۲- ۲. متقی الهندی، علاءالدین، کنزالعمّال، ج ۶، ص ۴۳.

۳- ۳. متقی الهندی، علاءالدین، کنزالعمّال، ج ۶، ص ۴۳.

۴- ۴. آمدی تمیمی، محسن؛ منتخب غررالحکم، ص ۱۹.

ز. نماز و رهایی از سختی

در مواقعی که انسان احساس تنهایی می کنـد، در صـدد یافتن پناه گاهی بر می آیـد که او را حفظ کنـد. او در این حال، جز خداونـد پناه گاه برای خودش نمی یابـد و خداوند متعال نیز او را به وسیله نماز، به صبر و اسـتقامت دعوت می نماید. خداوند می فرماید: «وَ اسْتَعِینُوْا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاَهِ وَإِنَّهَا لَکَبِیرَهٌ إِلَّا عَلَی الْخَاشِعِینَ؛ از صبر و نماز یاری جویید و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید و این کار جز برای خاشعان فروتن گران است.(۱)

در آیه دیگر نیز صبر و نمـاز بـا هم ذکر شـده انـد: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَعِینُوا بِالصَبْرِ وَالصَّلاَهِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِینَ(۲)؛ «ای افرادی که ایمان آورده ایـد! از صبر و اسـتقامت و نماز کمک بگیریـد زیرا خداوند با صابران است.» در تفسـیر المیزان، علامه طباطبایی از اهمیت نماز و صبر، تصویر تازه ای ارایه داده اند: «جمع نمودن این دو با هم، بهترین وسیله برای کمک و یاری در برابر سـختی هـا و ناراحتی هاست؛ زیرا صبر، انسان را از بی تابی و بیـداد و سـستی باز می دارد و نماز، انسان را متوجه خـدای متعال می کند. پس فراموش می کند سختی هایی را که به او رسیده است.»(۳)

ح. برطرف شدن غم و اندوه

در زنـدگی هر انسانی پیچ و خم ها و مشـکلات فراوانی وجود دارد که هر آن ممکن است او را به سـختی بیندازد. تنها چیزی که می تواند به انسان نیرو بدهد و قدرت او را در مقابله این مشکلات زیاد کند صبر و نماز

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۴۵، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۱۵۳، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۳- ۳. طباطبائی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۵۹.

است.

برای هر فرد امکان غم و اندوه وجود دارد. ممکن است از دست دادن عزیزی یا مقامی باشد و یا اضطراب و نگرانی حاصل از مشاهده صحنه های تأثرانگیز. در این مسایل، صبر انسان به خصوص جوان کم است و دچار غم و اندوه و اضطراب می شود. در این حال، نماز می تواند فرد را از مشکل رهایی بخشد و غم و اندوه او را برطرف سازد. در این مواقع و مواقف، خداوند بهترین پناه گاه برای رهایی است. قرآن می فرماید: «لِكَيْلاَ تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ»(۱)؛ «تا بر آن چه از دست رفته، افسوس نخوری.»

انسان به وسیله نماز، به درجه ای از معرفت دست می یابد که به خاطر از دست دادن دنیا اندوه گین نمی شود. آن که خدا را مالک خود می داند و به تقدیر او رضایت می دهد در واقع خود را از این مشکلات رهانیده است.

ط. نماز و دریافت فیض الهی

همه عبادات و در رأس آن ها نماز، وسیله ای برای دریافت الطاف الهی هستند. حضرت موسی(ع) برای دریافت کتاب آسمانی تورات، چهل شبانه روز در کوه طور به عبادت پرداخت. رسول اکرم(ص) برای دریافت وحی، مدت های طولانی را در غار حرا به عبادت مشغول بود.(۲)

«تمامی اولیای خداوند و عرفا نیز توفیقات خود را مدیون عبادت، بالأخص راز و نیازهای شبانه اند.»(۳) در روایتی از حضرت رسول

ص:۸۷

۱- ۱. سوره حدید، آیه ۲۴.

۲- ۲. قرائتی، محسن؛ تفسیر نماز، ص ۲۱.

۳- ۳. تحف العقول، ص ۵۰۸.

خدا(ص) منقول است که می فرماید: «هر کس چهل شبانه روز تمام اعمال و عبادت را خالصانه انجام دهد، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می کند.»(۱)

وقتی اولیاء و انبیاء از دریافت امداد الهی به وسیله نماز بهره برده اند، لازم است جوانان نیز در این زمینه تلاش لازم را بنمایند.

گفتار چهارم: نماز و زندگی دنیوی

الف. رفع مشکلات مادی

از آن جا که هویّت و ابعاد وجودی انسان در ساختار جامعه، می تواند به شناسایی و رفع نیازهای فرد در جامعه و نیز ارتباط با جوامع بیانجامد، پرداختن به مشکلات و نیازهای مادّی و معنوی جوانان در جامعه و مطالعه و بررسی آثار نماز و عبادات دیگر، بدین منظور مهم و ضروری به نظر می رسد.

بدون شک اثر ونقش کلیدی نماز در رفع مشکلات عاطفی، معنوی، مادی و روحی جوانان و در راستای ایجاد یک هویت اصیل برای آن ها قابل چشم پوشی نیست. انسان مسلمان با روی آوردن به عبادات به ویژه اجرای فریضه نماز، آن هم بصورت عمیق و کامل و خالص، می تواند به رفع نیازهای فکری، مادی و معنوی خویش پرداخته، خود را از وابستگی ها و تعلقات فکری و مسایل دنیوی رها سازد. این رهایی از مشکلات مادی و معنوی نیز می تواند زمینه ساز شکل گیری هویت یک جوان مسلمان باشد و موجب فراهم سازی محیط امن و آرام برای او

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۲۶.

گردد.

ادای نماز به فرد، وجهه اجتماعی و تکریم شخصیت می بخشد و به دنبال آن، شرافت ظاهری او در جامعه حاصل می شود. وقتی نمازگزار در سوره حمد به ستایش خداوند متعال و تحمید او می پردازد و او را مورد ستایش قرار می دهد، خداوند هم او را به این شکل مورد ستایش قرار داده و بی پاداش رها نمی سازد. در نصایح حضرت عیسی(ع) وارد شده است که: «... وهیچ یاور و ناصری بر مشکلات و سختی های دنیا، بهتر و بالاتر از نماز دائمی نیست...»(۱) البته باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که این امر به معنی دست شستن از کارهای دیگر نیست، بلکه هرچیز اثر خاص خود را دارد.

ب. فراوانی رزق و روزی

انسان مدام دوست دارد در کارهای خود پیشرفت کند و یکی از دغدغه های او، آسایش زندگی و ازدیاد رزق و روزی خانواده است. برکت در مال هم فراهم نمی شود مگر در سایه نماز. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است»: «الصّلاهُ...بَرَکَهٌ فی الرِّزْقِ(۲)؛ «نماز باعث برکت در رزق و روزی است.»

اگر انسان بداند از راه نماز چه آسانی می تواند به فراوانی رزق دست پیدا کند، هیچ گاه نماز را رها نمی کند.

در روایت دیگری امام صادق(ع) می فرماید: «کَذِّبَ مَنْ زَعَمَ اَنَّهَ یُصَلّی... وَ هُوَ یَجُوعُ، انَ الصَّلاهَ اِلَیْهِ... تَضْمِنُ رِزْقَ النَّهارِ»(۳)؛ «اگر کسی بگوید من نماز

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۰۸.

۲- ۲. خصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۲۲ و بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۲۷۷ و محاسن برقی، ص ۶۱.

شب می خوانم و روز را در گرسنگی به سر می برم، دروغ گفته است؛ زیرا نماز شب... ضامن روزی روز است.»

البته روایات زیادی در این مورد هست که از ذکر آن در این جا چشم پوشی می کنیم.

ج. برآوردن نیازها

یکی از آثار نماز که حاجت مؤمنین را بر آورده می کند و از قدیم الایّام در سیره انبیاء و اولیاء به چشم می خورد، خواستن حاجت از راه نماز است. در روایات هم داریم که هرگاه حاجتی دارید و یا مشکلی برای شما پیش می آید، برخیزید دو رکعت نماز بخوانید و خواسته های خود را از طریق نماز بیان کنید تا خداوند به این وسیله، شما را کمک نماید. در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «اِذا اَرَدْتَ حاجَةً فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلْ تُعطه»(1)؛ «هنگام حاجت دو رکعت نماز بخوان و درود بر پیغمبر(ص) و آل او بفرست و حاجت را بخواه که به تو داده می شود.» در بعضی موارد و حاجت ها، جز پناه بردن به خداوند متعال چاره ای وجود ندارد.

در چنین مواقعی است که انسان با اعتماد کامل دست به درگاه الهی دراز می نماید و با او به راز و نیاز می پردازد. جوانانی هم که با نماز انس دارند و دل را با نورانیت نماز روشن کرده اند، قطعا برای حاجت خود، با نماز به خدا پناه می برند و برای نیازهای خود، از او کمک می طلبند و می دانند که بر آوردن نیاز آن ها به وسیله نماز امکان پذیر است.

۱- ۱. فروع کافی، ج ۳، ص ۴۷۹.

گفتار پنجم: نماز صبر و استقامت

الف. صبر در لغت

«خودداری و نگهداری نفس به اقتضای عقل و شرع را در لغت صبر گفته اند!»(۱)

«مقاییس اللّغه» نیز سه معنی برای صبر ذکر نموده است: «حبس»، «علوه» و «جزئی از سنگ محسوب کردن.»(۲)

معنی اصطلاحی صبر هم چندان دور از معنای لغوی آن نیست. مصباح الشریعه، صبر را «شکیبایی» معنی کرده است.(۳) و در توضیحات «معراج السعاده» نیز صبر به معنی شکیبایی آمده است؛ یعنی ضدّ جزع و بی تابی. شکیبایی عبارت است از ثبات و آرامش نفس در سختی ها و بلاها و مصائب و پایداری و مقاومت در برابر آن ها؛ به طوری که از گشادگی خاطر و شادی و آرامشی که پیش از آن حوادث داشت، بیرون برود و زبان خود را از شکایت و اعضای خود را از حرکات ناهنجار نگاه دارد.(۴)

ب. صبر در روایت

ازجمله مواردی که در اسلام مورد تأکید فراوان واقع شده است «صبر» و پایداری است که در خصوص آن آیات و روایات بسیاری وارد شده و به مناسبت های مختلف، انسان ها به صبر سفارش و توصیه

۱- ۱. اصفهانی، راغب؛ مفردات راغب، ص ۴۷۴.

۲- ۲. مقاییس اللّغه، ج ۳، ص ۳۲۹.

۳- ۳. مصباح الشریف و مفتاح الحقیقه، ترجمه حسن مصطفوی. ص ۴۱۴.

۴- ۴. معراج السّعاده مهدی نراقی، ترجمه جلال الدین مجتبوی، ج ۳، ص ۳۵۵.

شـده انـد. دربـاره اهمیت «صبر» همین بس که امـام علی(ص) می فرمایـد: «عَلَیْکُمْ بـالصَّبرِ؛ فـانَ الصّبْر مِنْ الإیمـانِ کالرّأسِ مِنَ الْجَسَـدِ وَ لاخَیْرَ فی جَسَـدٍ لارَأْسَ مَعَهُ وَ لافی ایمانٍ لاصَبْرَ مَعَهُ؛»(۱)؛ «به صبر و شـکیبایی رو کنید که صبر نسـبت به ایمان مانند سر نسبت به تن است. نه در تن بی سر، ارزشی هست و نه در ایمان بدون صبر.»

روزی رسول خدا(ص) از جبرئیل سئوال نمودند: «ای جبرائیل! معنی صبر چیست؟» جبرائیل گفت: «این که در سختی صبر می کنی، همـان طـور که در روزگـار آسـایش. در هنگـام تـوان گری صـبر می کنی، هم چنـان که در فقر و این که در بیمـاری و گرفتـاری صبر می کنی هم چنـان که در زمان سـلامت و عافیت. انسان صـبور از بلایی که به او می رسـد، نزد مخلوق زبان به شکوه نمی گشاید.»(۲)

پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی صبر و توضیحاتی که داده شد، در صدد بیان آثار صبر هستیم و این که اصلاً صبر چه کاربردی دارد و در زنـدگانی انسان و برای جوانان چه راهبردهایی می توانـد داشـته باشد و یک جوان چه قدم هایی می تواند در این راه بردارد تا به حد مطلوب برسد؟

ج. استعانت از نماز و صبر در مشکلات

یک نکته بسیار حائز اهمیت که می توان به آن استناد نمود و آن را از آیه ذیل استفاده کرد، استعانت از نماز و صبر در هدف های عالی و پیشرفت و کسب موقعیت هایی در زندگی و خدمت به جامعه اسلامی است.

۱- ۱. دشتی، محمد؛ نهج البلاغه، حکمت ۸۳.

۲- ۲. ابی جعفر، محمدبن علی بن الحسین بابویه القمی؛ معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۶۱، چاپ جامعه مدرسین.

اگر جوانـان می خواهنـد راه موفقیت را در پیش بگیرنـد، بایـد اهل نماز و صبر گردنـد. قرآن می فرمایـد: «یَا اَیُّها الَّذینَ آمنُوا استَعینُوا بِالصَّبْرِ وَالصّلوهِ اِنَ اللَّه مَعَ الصَّابِرینَ»(۱)؛ «ای افرادی که ایمـان آورده ایـد! از صبر و نماز کمک بگیریـد، خداونـد با صابران است.»

در سیره معصومان وارد شده است که ایشان هرگاه با مشکل و ناراحتی برخورد می کردند به نماز می ایستادند و از نماز برای رفع مشکل کمک می گرفتند و بلافاصله هم نتیجه می گرفتند.

د. صبر در جوانی

در دوران جوانی که ایـام ساختن شخصـیت و یافتن جایگاه مطلوب فردی و اجتماعی است، انسان بیش تر از هر زمان دیگر به پایداری و استقامت در برابر نارسایی ها و مشکلات نیاز دارد.

از ملزومات این دوره، تـداوم و پشـتکار در تحمل سـختی ها و ادامه راه تا رسـیدن به موفقیت های آینـده و ثمر دهی تلاش و فعالیت های دوران جوانی است.

باید به جوان آموخت که هرگز با بروز مشـکلات، دچار یأس و ناامیدی نشود بلکه با اراده ای قوی و آگاهی، مشـکلات پیش رو را تحمل نماید و آن را مربّی سخت گیر و پرفایده ای بداند که او را آماده مقابله با مشکلات و سختی ها می نماید.

بسیاری از علمای اخلاق، برای «صبر» سه شاخه ذکر کرده اند: صبر بر طاعت، صبر بر محبت، صبر بر مصیبت.(۲)

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۵۳، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. شریعتمداری و جعفری؛ شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۶۲، چاپ رضوی.

هم چنین بزرگان اخلاق نظیر حضرت آیت اللّٰه مشکینی، برای صبر چنین توضیح نموده اند:

«صبر ملکه و نیروی استحکام نفس است که مایه عدم انفعال در برابر ناملایمات و تسلیم نشدن در برابر هوای نفس است. بر اثر همین نیروی صبر است که انسان در برابر مصیبت ها، آرامش خود را حفظ می کند و در برابر وظایف دینی به اطاعت واداشته می شود. براین اساس پاره ای از صفات ارزشی زیرمجموعه صبر واقع می شود؛ صفاتی مانند شجاعت، رازداری، تقوا، و سخاوت.»(۱)

پس، از معنی صبر چنین برداشت می شود که آن چه مطلوب عقل و شرع است، صبر فعال و تحرک آفرین است. زیرا در آن، دو عنصر عقل و شرع همزمان وجود دارد.

۵ . نماز و صبر

جوانی، دوران بی قراری و بی صبری و تحولات فکری و عقیدتی است. وجود این دوره در تکامل شخصیت جوانان لازم است. استقامت و صبر برای جوانان در این دوره مهم است و نیز رفتن و پذیرفتن راه هایی که می تواند برای آن ها این صبر و استقامت را به ارمغان بیاورد.

تحمل و استقامت در برابر مشکلات و ایستادگی در برابر آن ها در دوران جوانی، تأمین کننده آسایش آینده و تعیین کننده سعادت پاینده برای جوان است.

جوانانی که توان مقابله با مشکلات را ندارند و صبر و استقامت از خودنشان نمی دهند نمی توانند آینده موفقیت آمیزی داشته باشند.

۱- ۱. مشکینی، علی؛ دروس فی الاخلاق، ص ۹۷.

اصولاً رشد و بالندگی بر پایه صبر و استقامت استوار است و هیچ استقامتی منجر به شکست نمی شود. این را تأکید می کنیم که هر استقامت و ایستادگی در برابر سختی ها وجهی از خوشبختی را به دنبال دارد. قرآن کریم نیز مؤید این مطلب است: «فَإِنَّ مَعَ العُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ العُسْرِ يُسْراً»(۱)؛ «به یقین با هر سختی آسانی است (آری) مسلماً با هر سختی آسانی است.»

به دلیل اهمیت فراوان صبر در زندگی است که خداوند رسول خود را به صبر فرا می خواند و به دلیل اهمیت بیش تر صبر و استقامت در جوانی است که ائمه دینی پیوسته فرزندان خود را به صبر و پایداری دعوت می نموده اند. به طور کلی یکی از خصلت های مهم پیشوایان دینی که می بایست اسوه زندگانی ما باشد، خصلت صبر و استقامت آن هاست.

امام رضا(ع) دراین باره می فرماید: «لا يَكُونُ المؤمِنُ مؤمناً حَتىَ يكُونَ فيهِ ثلاثُ خصَّالٍ... و سنهُ وليّه... و امَا لسُنَهُ من وليّهِ فالصبرُ في البأساء و الضَرّاءِ»؛ «هیچ مؤمنی مؤمن واقعی نمی شود مگر این که سه خصوصیت اخلاقی از سه کس بیاموزد تا ایمانش کامل گردد... از امامان صبر و استقامت در سختی ها.(۲)

جوان می خواهد هم چون بسیاری از بزرگ ترها به کمال برسد و رشد کند و بالنده گردد و به شغل و علم و زندگی خوب برسد. تصور او این است که رسیدن به این هدف میسر است،اما وقتی این هدف محقق نمی شود، آرزوها فرو می ریزد و جوان، سر خورده و ناامید می گردد.

قرآن در این موقعیت، دو راه مناسب پیش پای او می گذارد: یکی صبر و شکیبایی و دیگری نماز. نماز انسان را در رسیدن به هدف ها یاری

۱- ۱. سوره انشراح، آیات ۵ و ۶، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷؛ خصال، ج ۱، ص ۸۲.

می کنـد. قرآن کریم می فرمایـد: «ای افرادی که ایمـان آورده ایـد! از صبر و اسـتقامت و نماز کمک بگیریـد؛ زیرا خداونـد با صابران است.»(۱)

براین اساس، نوجوانان و جوانان در مسـیر رسـیدن به کمال در زندگی خویش بر مبنای افق ذهنی خود که برای خویش ساخته انـد، گـاهی خود را تنهـای تنهـا می یابنـد و در این حـالت است که بـا نمـاز و اُنس با پروردگار، روح خود را دارای پشتیبان و همراه، می بینند.

امـام علی(ع) در مورد راهیـابی به سـعادت چنین سـفارش می فرمایـد: «بـادِرْ بِالطّاعَهِ تَسْعدْ(۲)؛ به طاعت بشـتاب تا سـعادتمند شوی.»

پس بـا ایـن تفاصـیل صـبر بر سـختی هـا و مصـائب به خصـوص در دوران جـوانی، برای رسـیدن به کمـال بسـیار مهم است و ضرورت جدی دارد.

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۵۳، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. غررالحکم، حدیث شماره ۴۳۶۰؛ میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۷، ص ۳۳۲۶.

فصل سوم: عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به نماز، از دیدگاه متون دینی

مبحث اول: نقش خانواده در گرایش جوانان به نماز

گفتار اول: مسئولیت والدین

مسئولیت والدین در آموزش و وادار کردن فرزندان به نماز، نقش بسیار جدی در گرایش جوانان به نماز دارد. این آموزش و تأکید را باید از همان اوایل کودکی آغاز نمود تا به مرور زمان، عادت به نماز و عبادات دیگر در آنان پیدا شود. گرچه نماز، به هنگام بلوغ بر انسان واجب می شود ولی باید قبل از آن آموزش های لازم را در این زمینه دیده باشد و تمرینات اولیه را انجام داده باشد تا وقتی به سن تکلیف رسید، دیگر نماز برای او سخت و دشوار نباشد.

یکی از اصحاب امام صادق(ع) به نام «معاویه بن وهب» از امام پرسید:

ص:۹۷

«در چه سنی فرزند را وادار به نماز کنیم» فرمودند: «در سن ۶ الی ۷ سالگی»(۱).

از این فرمایش امام فهمیده می شود که مسئولیت خطیر والدین در آموزش نماز فرزندان و هم چنین در مورد زمان آموزش نماز، از همان دوران کودکی آغاز شود.

در احادیث و آیات قرآن نیز مسایلی در ارتباط با نماز در خانواده و دعوت اعضای خانواده به نماز و استمرار این امر دیده می شود که همگی بیان گر مسئولیت والدین در فراهم سازی زمینه های جذب و گرایش جوانان به نماز است.

در سوره مریم نماز این چنین مورد سفارش قرار گرفته است:

«وَ کانَ یَأْمُرُ اَهْلَهُ بِالصَّلوهِ... وَ کانَ عَنْدَ رَبِّهِ مَرْضّیاً» «و خاندان خود را به نماز.... فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده رفتار بود.»(۲)

در سوره مریم، خداوند به شرح حال انبیای گذشته و فضایل و صفات ارزنده ای که داشته اند پرداخته است نظر این آیه که به یکی از خصوصیات بارز حضرت اسماعیل اشاره دارد و فرمان و سفارش خاندان خود به نماز است و مراد از اهل خانواده اش، فرزندان و خویشانش می باشند.(۳).

ازجمله «کان یأمر» نیز استنباط می شود که حضرت اسماعیل در فرمان دادن خانواده اش به نماز استمرار داشته است.

این روش یک روش اساسی در تشویق و ترغیب فرزندان (شامل

۱- ۱. کافی، ج ۲ ص ۱۲.

۲- ۲. سوره مریم، آیه ۵۵، ترجمه فلادوند، مهدی.

۳- ۳. طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیرالمیزان، ج ۱۴، ص ۶۳.

کودکان، نوجوانان و جوانان) به نماز است که خداوند در قرآن به عنوان یک رفتار پسندیده برای حضرت اسماعیل(ع) نقل می فرماید و می تواند برای همه پدران و مادران الگو و سرمشق باشد.

با توجه به مباحثی که در گذشته به آن ها اشاره کردیم و مباحث آینده و نیز خصوصیات نوجوانان و جوانان به لحاظ شرایط سنی و غیره در می یابیم که جوانان از برخی امور مهم دچار غفلت می شوند و اگر یادآوری مستمر و پیوسته برای آن ها نباشد و با روش و اسلوب صحیح موضوع، پی گرفته نشود، مسلماً نتیجه مطلوب گرفته نخواهد شد.

ازجمله «وکان عند ربّه مرضیاً»؛ استفاده می شود که این توجه دادن به نماز، با روش پسندیده و مناسب روحیه آنان انجام می شده است؛ نه آنطور که برخی والدین با روش های غلط و تذکرات ناپسند و با عصبانیت و توهین و تحقیر انجام می دهند. در نتیجه گیری از این آیه به این نکات می رسیم:

۱. پدران و مادران باید فرزندان خود را پیوسته به نماز سفارش نمایند.

۲. روش صحیح و الگوی آنان در این مورد باید قرآن باشد.

۳. سفارشات و تأکیدات باید همراه با احترام و محبت و دل سوزی خوشایند برای نوجوانان و جوانان باشد. در این زمینه توجه به مسایل زیر مهم است:

الف. از مسایل بسیار مهم امروز، ایجاد احساس خوشایند و دل پذیری در برنامه های دینی است. دانشمندان علم تربیت و روان شناسان بر این باورند که برای تقویت گرایش نوجوانان و جوانان به مسایل دینی و مذهبی ازجمله نماز، یکی از بهترین راه ها، ایجاد همین احساس است که امر مورد توصیه، امری خوشایند است.

«کودکان و نوجوانان در یادگیری و کسب عادت مطلوب، بیش از آن که متأثر از زبان منطق و استدلال باشند وجودشان مملو از عواطف و احساسات بوده و مستعد پذیرش از طریق زبان مهر و محبتند؛ با ایجاد این احساس، یادگیری رفتارهای مطلوب و پیدایش انگیزه های همانندسازی و اتصاف به صفات و الگوهای دل خواه فراهم می گردد».(۱)

پس ایجاد انگیزه در جوانان و نوجوانان، باید از همان دوران کودکی آغاز شود؛ آن هم با کلمات محبت آمیز. بارزترین سبک آن هم در قرآن کریم و از زبان لقمان حکیم به فرزندش آمده است که می فرماید:

«یَا بُنَیَّ! أَقِمِ الصَلَوةَ»؛ «پسرم! نماز را برپا دار.(۲)»

در این آیه، لقمان حکیم صریحاً فرزندش را سفارش به نماز نموده است و نکته حائز اهمیت در این آیه به کار بردن (یا بنی) است که حکایت از محبت و مهربانی و دل سوزی دارد که این بهترین روش و مؤثرترین راه برای تأثیر نصیحت و پند و جذب نوجوانان و جوانان به رفتارهای پسندیده است.

«به کار بردن «یابنی» به صورت اسم تصغیر در این جا، برای دل سوزی و محبت است نه برای تحقیر و کوچک شمردن»(۳).

پس نتیجه می گیریم که با توجه به لحن آیه، سفارش و نصیحت به فرزندان اگر همراه با محبت و مهربانی و دل سوزی باشد، پذیرش بهتر و همراه اطاعت خواهد بود؛ اما اگر با سرزنش یا تحکیم و زور همراه باشد،

۱- ۱. افروز، غلامعلی؛ روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۲.
۲- ۲. سوره لقمان، آیه ۱۷، ترجمه آیت اللّٰه مکارم شیرازی.
۳- ۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۱۹.

نوجوانان و جوانان را به جبهه گیری و مقاومت واخواهد داشت و نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

ب. استمرار بر نماز: مسئله مهم در مورد نماز، تنها جذب و گرایش نیست بلکه ادامه و استمرار بر آن نیز یکی از رکن های اصلی است. در قرآن، خداوند به پیامبر(ص) امر می فرماید: «وَأْمُرْ اَهْلَکَ بِالصَّلوهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها(۱)»؛ «ای پیامبر! خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش.»

در تفسیر این آیه و زمان نزول آن بین مفسرین بزرگ قرآن اختلاف نظر است. برخی از آنان من جمله صاحب مجمع البیان روایت ذیل را در تفسیر آن آورده اند:

ابوسعید خضری روایت کرده: «وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا (ص) به مدت نه ماه هنگام هر نماز می آمد به خانه علی(ع) و فاطمه (س) و می فرمود: «الصلوه (نماز)؛ خدا شما را رحمت کند» و آیه شریفه تطهیر را می خواند».(۲)

این روایت دلالت بر این مطلب دارد که پیامبر(ص) خانواده خود را به نماز دعوت نموده و در این کار دقت و توجه جدی داشته تا استمرار این امر، مورد تاکید قرار گیرد؛ چرا که نماز بدون استمرار، عبادتی است که اثر چندانی بر آن مترتب نیست.

۱- ۱. سوره طه، آیه ۱۳۲، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷.

گفتار دوم: نقش والدین در زمینه سازی برای تربیت

اشاره

در این گفتار، در صددیم روش های تربیتی مناسب فرزندان را در پرتو سیره تربیتی معصومین(ع) در تربیت فرزند بیان نماییم؛ چرا که سیره آن بزرگواران، بهترین و برترین روش تربیت است.

در همه تحولا-تی که در جوامع به وجود می آید، تعلیم و تربیت از عوامل اصلی و مهم انتقال سرمایه فکری و ارزش های والای انسانی و خصلت های نیک از نسلی به نسل دیگر است.

میراث تمدن و فرهنگ، در طول تاریخ توسط تعلیم و تربیت از پدران و مادران و مربیان جامعه به فرزندان منتقل شده و این سلسله هم چنان در حرکت و تطور است. در این نکته نیز تردیدی نیست که تعلیم و تربیت، عامل اصلی سازندگی انسان ها و اجتماع انسانی است.

الف. تربیت دینی

از تعریف دین در مباحث گذشته فهمیدیم که وجود دین، بازدارنده انسان ها از بدی ها و انحرافات اخلاقی و نفسانی در زمینه های فردی و اجتماعی است.

اگر اصل وجود انسانی به تربیت دینی آموخته شود، می تواند شکوفا شود و استعدادهای بالقوه آدمی را در جهت رستگاری به ظهور برساند.

تربیت دینی، غرایز و نیازهای آدمی را در جهت هدایت الهی منطبق با فطرت، ارضا می کند.

حضرت امام خمینی(ره) در این زمینه می فرمایند:«باید توجه داشته باشید که این بچه ها که پیش شما (والدین و مربیان) تربیت می شوند، تربیت دینی شوند؛ تربیت اخلاقی بشوند. اگر یک بچه متدین را شما

تحویل جامعه بدهید، یک وقت می بینید که همین یک بچه متدین متعهد، یک جامعه ای را اصلاح می کند».(۱)

پس تربیت دینی، استوار کردن دین و تعالیم الهی در نفس انسان و اجتماع است و اگر دین در نفس انسان پایگاه استواری بیابد، او را به حد اعتدال می رساند و حرکت او را به سوی کمال تسهیل می کند.

براین اساس، در تربیت دینی مساعد نمودن زمینه برای رشد فکری، عاطفی و انفعالی انسان، او را برای دنیا و آخرت آماده می کند و به همین دلیل گفته می شود که تربیت دینی با تمدن همگامی دارد.

تربیت دینی، به عقل جایگاه خاص می بخشد و فرهنگ را غنی می سازد. اگر نگاهی به تاریخ سیر تمدن ها و فرهنگ ها بیاندازیم در می یابیم که همه آن ها از سرچشمه دین

سیراب شده اند و توانسته اند مسیر رشد و کمال خود را طی کنند. هرگاه نیز که تمدن ها و فرهنگ ها خود را از وحی دور نگه داشته اند، انسان ها را به سراشیبی سقوط، فلاکت، نابودی و هلاکت کشانیده اند.

در این گفتار به نکاتی پیرامون آشنایی با شرایط، زمینه ها و عوامل مؤثر در تربیت از دیدگاه متون دینی می پردازیم و در واقع، با بیان نکاتی که از متن دستورات و آئین اسلام برداشت شده، زمینه های مناسب تربیت دینی را داشتن پیشینه ای سالم سرشت و فطرت پاک و مستعد و آماده می دانیم و اهداف تربیتی را بیان می نماییم.

باید بر این نکته تاکید کنیم که اسلام در واقع با سفارش های خود، خواسته است همه زمینه های لازم برای رسیدن به سعادت و کمال را در انسان مسلمان فراهم آورد.

۱- ۱. موسوی خمینی، روح اللّه؛ صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

ب. آشنایی با شرایط، زمینه ها و عوامل مؤثر در تربیت

اشاره

روان شناسان و عالمان تعلیم و تربیت، دو عامل را در رشد و تربیت مؤثر می دانند:

۱- وراثت ۲- محیط.

وراثت: مجموعه خصوصیات ژنتیکی است که از آغاز تولد همراه انسان و در نهاد و سرشت انسان هست و از طریق پدر و مادر به او منتقل شده است. در فصل اول به طور کامل در این زمینه توضیح داده ایم.

محیط: محیط رشد انسان دوجاست: «محیط در دوره جنینی» و «محیط بعد از تولد» که شامل خانواده و جامعه است. در مورد محیط نیز تعریف لازم در فصل اول داده شده است.

از دیدگاه اسلام و بر اساس برداشت از آیات و روایات و دستورات و احکام اسلام، همه موارد فوق مورد تأیید و توجه و دقت کافی قرار گرفته است. مسائلی را که در تربیت و هدایت انسان نقش دارند می توان به صورت خلاصه در موارد ذیل بیان نمود:

۱- اخلاق، روحیات و عمل کرد و رفتارهای والدین در دوره های قبل از ازدواج (کودکی، نوجوانی و جوانی) تأثیر بسیاری در فرزندان آن ها دارد. همان طور که ظاهر و قیافه آن ها چنین اثری دارد.

«از دیدگاه روان شناسی، این ویژگی ها را «ویژگی پرژنی» می نامند که فقط شامل بخشی از وضعیت ظاهر فرد می شود.»(۱).

نکاتی که در مورد خصوصیات و صفات همسر خوب و شایسته در روایات و اخبار مطرح گردیده نیز مؤید این مطلب است که به اهم آن ها در ادامه اشاره خواهیم کرد.

۱- ۱. روان شناسی رشد با نگرش منابع اسلامی، ج ۱، ص ۳۵۰.

۱. صفات همسر مطلوب

بر اساس جمع بندی مجموع روایات، هنگام ازدواج هر دختری، والدین او وظیفه دارند ببینند با چگونه مردی و دارای چه خصوصیاتی قرار است پیوند ازدواج برقرار نماید. پیامبر خدا(ص) فرمود:«ازدواج بندگی است؛ پس باید هر کدام از شما دقت داشته باشید که کریمی خود را کجا قرار می دهد».(۱۷۳)

مهم ترین صفات و خصوصیاتی که باید توسط والدین برای همسر آینده فرزندشان بررسی شود به شرح زیر است.

۱- ایمان و تقوا

۲- اخلاق نیک

۳- توانایی اداره خانواده و رعایت حق همسر

۴- اصالت خانوادگی

در میان تمام شرایط ازدواج «هم کفو بودن» و «ایمان» مهم ترین شرایط هستند؛ البته در این مورد امام باقر(ع) فرمودند: «مؤمنان کفو و هم شأن یک دیگرند و براین اساس از دواج مؤمن با مؤمن که از سر ایمان باشد، رعایت هردو شرط را نموده است.»(۱۷۴)

در بیان دیگری، امام صادق(ع) در مورد کفو چنین فرمود:«کفو در ازدواج، خصوصیت مردی است که پاک دامن و قادر بر نفقه باشد»

رسول خدا(ص) نیز در این مورد فرمودند:«بهترین مردان شما آن کس است که پرهیزکار، پاکدل، دست و دل باز، پدر و مادر دار و خوش رفتار با

پدر و مادر باشد و عیالش را محتاج دیگری نکند».(۱)

پس اگر کسی با این اوصاف، قصد ازدواج با دختری را داشت باید والدین دختر بپذیرند؛ چون در تربیت فرزندان، همه این اوصاف از جهت وراثت قابل انتقال است.

۲. صفات ناشایست

۱. ستمگری ۲.فسق ۳. شراب خوری ۴. بی دینی ۵. بداخلاقی.

آیا با کسی که این اوصاف در او هست وصلت صحیح است؟ پیامبر خدا(ص) فرمود:«هرگاه کسی دختر خود را به همسری ستمگر «ولو در حق همسر و فرزندان خوب باشد - یا فاسقی یا بی دینی یا شارب خمری درآورد، به دین خود خیانت کرده و مورد خشم خدا قرار گرفته است و قطع رحم نموده است».(۲)

رسول خدا در مورد بدترین مردان چنین می فرماید:

«بدترین مردان شما کسی است که به بی گناهان تهمت می زند، بخیل و بدزبان است، سر سفره تنها می نشیند، خیرش به کسی نمی رسد، همسر، و غلامش را می زند، خانواده خود را محتاج به دیگران می کند و پدر و مادر را می آزارد»(۳).

از فردی با این صفات ناشایست باید دوری جست و از تزویج دختر به وی خود داری کرد.

۱- ۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۷.
۲- ۲. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجهالبیضاء، ج ۳، ص ۹۴.
۳- ۳. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۲، باب هفتم.

۳. خصوصیات زن شایسته برای ازدواج

درباره صفات زن خوب نیز روایات زیادی داریم. دراین باره مرحوم ملامحسن فیض کاشانی در کتاب محجهالبیضاء صفات زیادی را برای زنان از مجموعه روایات و اخبار جمع آوری نموده است که خلاصه ای از آن را در این جا مطرح می کنیم:

۱- دین داری، ۲- اخلاق خوب ۳- جمال و زیبایی ۴- اصالت خانوادگی ۵- مهربان و ودود ۶- ولود (نازا نبودن).

دراین باره رسول خدا(ص) فرمود:«بهترین زنان، زنانی اند که پاک دامن و عفیف، خوش اخلاق و مطیع همسر باشد».(۱)

باز در محجهالبیضاء در مورد اصالت خانوادگی زن نکته بسیار ظریفی آمده است: «یکی از صفات زن این است که اصالت خانوادگی داشته باشد، یعنی از خانواده خوب و نیکی باشند؛ زیرا چنین خانواده ای دخترانش را خوب و با ادب تربیت می نماید»(۲)

پس چنین زنی می تواند فرزندان خوب و پاک را پرورش دهد و تربیت نماید.

در روایتی از امام صادق(ع) آن حضرت در مورد این که با چه کسی باید ازدواج کرد و آن ها را شریک خود قرار داد، به یکی از اصحاب خود به نام ابراهیم کرخی چنین فرمود:

«ببین نزد چه کسی خود را قرار می دهی و چه کسی را در مالت شریک می گردانی و بردینت آگاه می نمایی و از سرت مطلع می سازی! و اگر ناچاری که ازدواج کنی، دختری را برگزین که به نیکی و خوش اخلاقی

ص:۱۰۷

۱- ۱. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۲ تا ۹۴.

۲- ۲. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

شهرت داشته باشد.»(۱)

چنین زنـانی موجب خوشـبختی مردان می شونـد و هم همسـر خوب و شایسـته و هم مـادر خوب و مربی لایقی برای فرزنـدان هستند. سعادت همسر و فرزندان در دنیا و آخرت بدون شک به داشتن مادر و همسر شایسته بستگی دارد.

۴. صفات زنان ناشایست

۱- بی دینی یا ضعف عقیدتی

۲- بدخلق، نامهربانی وفساد و ناپاکی

۴- زشت بودن و عقیم و نازا بودن

۶- غیر مطیع و نافرمان بودن

باید از ازدواج با چنین زنانی دوری جست؛ چرا که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «آیا خبر دهم شما را از بدترین زنانتان؟

«آن هـا کسانی هسـتند که در خانواده خود، خوارنـد ولی نزد شوهر خود عزیز؛ عقیم و نازا و کینه ورزنـد و از هیـچ کار زشتی فرو گذار نیسـتند. در غیاب شوهر، زیبائیهایشان را آشکار می کنند و در حضور شوهر، خود را حفظ می کنند. به حرف شوهر گوش نمی دهنـد و از او فرمانـداری و اطاعت ندارنـد و در خلوت از همبستر شـدن شوهر ممانعت می کننـد. آن ها هیـچ وقت عذری را از شوهر نمی پذیرند و هیچ گناهی را از او نمی بخشند.»(۲)

آن چه می توان از این نکات نتیجه گرفت این است که تأکید پیامبر

۱- ۱. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

۲- ۲. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۷.

خدا(ص) و ائمه(ع) بر احراز این شرایط قبل از انتخاب همسر است و مسلم است که وجود این صفات و خصوصیات اخلاقی در فرد، نقش بسیار اساسی در تحکیم و ضعیف یا قوی بودن بنیاد خانواده و داشتن فرزندانی سالم و دارای زمینه های تربیت خوب یا بد دارد.

اگر از هر طالب ازدواجی بپرسیم که هدفش از ازدواج چیست؟ جواب می گوید: «خوشبختی و داشتن فرزند صالح و نیکوکار» و گرچه خوشبختی یک امر نسبی است و هر کس ممکن است خوشبختی خود را در مورد خاصی ببیند اما در فرهنگ جامعه ما (مسلمانان) که متأثر از فرهنگ غنی اسلام است، خوشبختی در جلب رضای خدا و داشتن رفتاری متعادل و مطلوب بر اساس موازین دینی و شرعی و برخورداری از امکانات مناسب برای چنین زندگانی است.

پس ملاحظه می شود که این برنامه ها و دستورات اسلام در مراحل مختلف ازدواج، متضمن سعادت و خوشبختی و داشتن فرزندانی صالح و نیکوکار و تربیت صحیح دینی و اخلاقی آنان است.

برای تکمیل بحث، اکنون به برخی از آیین ها و برنامه های ارزش مند دین اسلام در هنگام ازدواج به صورت خلاصه اشاره می کنیم.

برخی از آیین ها و برنامه های ارزش دین اسلام

۱. نماز برای ازدواج

در آیین اسلام و از سنت های موکد این است که هرکس قصد ازدواج کرد، برای خواستگاری دو رکعت نماز بخواند. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند:

«هرگاه کسی اراده خواستگاری نماید، دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی را بگوید و این دعا را بخواند: بار خدایا من تصمیم به ازدواج دارم پس مقدّر کن برای من از میان زنان، آن کسی را که پاک دامن تر

و حافظ خود و مال من و باعث رزق بیش تر و برکت زیادتر است.

و مقدّر کن برای من فرزندی پاک که خلف صالحی برای من در زندگی و پس از مرگم باشد».(۱)

از این موضوع به خوبی فهمیده می شود که در اسلام هدف از ازدواج، جز زندگی سعادت مندانه و همراه با صفا و صمیمیّت و داشتن فرزندانی با تربیت پاک و صالح نیست.

۲. نماز و دعا هنگام شب عروسی

از جهت تربیتی حائز اهمیت است که در شب عروسی، داماد در فکر نماز خواندن باشد و از خدا بخواهد فرزندان صالح به او عطا نماید. روایتی از امام باقر(ع) که چنین فرمود:

«چون عروس را نزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو نیز وضو بساز و دو رکعت نماز بخوان. پس از حمد الهی صلوات بر محمد و آل محمد بفرست بعد از آن دعا کن و امر کن زن هایی که همراه عروس آمده اند آمین بگویند و این دعا را بخوانید:

بار خدایا روزی فرما به من انس گرفتن به او را و دوستی اش و رضایت خاطرش را و مرا به او راضی گردان».

برای شب عروسی دعای زیر نیز با همان توضیحات قبلی از امام باقر(ع) نقل گردیده است: (اَللّٰهُمَّ بِاِمانَتِکَ اَخَذْتُها وَ بِکَلِماتِکَ اسْتَحْلَلْتُها فَاِنْ قَضَیْت لی مِنْها وَلَداً فَاجْعَلْها مُبارَکاً، تَقّیاً، مِنْ شیعَهِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فیهِ شَریکاً وَ لانَصیباً؛ بار خدایا این امانتی است که دریافت کردم و به واسطه تو بر من حلال گردید. اگر فرزندی از او قرار داده ای، آن فرزند

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۲۴.

را مبارک و پرهیزکار از شیعیان آل محمد(ص) قرار بده و قرار مده برای شیطان در او بخشی و شراکتی.(۱)

۳. اراده فرزندداری

اشاره

والـدین وقتی قصد و اراده فرزنددار شدن را پیدا کردند، باید آداب خاصـی را به جا آورند که در اسـلام به آن سـفارش شده است. این نکـات که اهمیت تربیـتی فراوانی دارد، نقش به سـزایی در سـرنوشت فرد دارد. مـا در این جـا به صورت خلاـصه به برخی از این موارد اشاره می نماییم.

۳-۱ . زمان، ساعت و شب مخصوص

در مـورد زمـان منـاسب آمیزش، سـفارش شـده کـه مـاه در عقرب نباشـد، مـاه در محـاق نباشـد، شب اول و آخر مـاه و شـب چهارشنبه نباشد؛ در هنگام طلوع و غروب نباشد و هنگام خسوف و کسوف هم نباشد.

نیز توصـیه شـده که اگر شب سه شـنبه و یا روز جمعه باشد، خوب است و فرزند از فلان روحیه خوب و فلان صـفات شایسـته برخوردار می گردد.

۳-۲ . مکان

۱- هم بستر شـدن نبایـد در مکـان شـلوغ و در مقابـل شـعاع خورشـید باشـد؛ چنـان که نبایـد در حضور کودکان و حتی طفل خردسال نیز باشد.

۲. مادر در حال اسـتحاضه و... نباشـد و هیـچ کـدام از پـدر و مادر، در حال مستی از مسـکرات و... و در پریشانی و اضـطراب نباشند.

۱- ۱. حرّ عاملی، حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۶ الی ۸۲؛ قمی، شیخ عباس؛ مفاتیح الجنان، ص ۱۱۴۲.

۳. لوازم بهداشتی و نکات بهداشتی مثل استفاده نکردن والدین از دستمال مشترک نیز سفارش مؤکد شده و استفاده از غذای پاک و طاهر و حلال قبل از آن نیز توصیه شده است.

۴. توصیه شده که آمیزش با طهارت و وضو باشد و بسم اللّه بگویند و از شر شیطان به خدا پناه ببرند.(۱)

از مولاـ امیرالمومنین(ع) نقل است که می فرماید: «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِی الشَّیْطانَ وَ جَنِّبْ الشَّیْطانَ ما رَزَقْنی؛(۲) بار خدایا! شیطان را از من دور گردان و دور گردان

شیطان را از فرزندی که به من عطا می کنی تا اگر فرزندی به وجود آید، شیطان هرگز به او ضرر نرساند.»

از امام باقر(ع) نیز دعای خاص ذکر شده که می فرماید: «اَللُّهُمَّ ارْزُقْنی وَلَداً وَ اجْعَلْهُ تَقَّیاً لَیْسَ فی خَلْقِهِ زِیادَهً و لا نُقصاناً وَ اجْعَلْهُ عاقِبَتَه اِلی خَیْرٍ؛(۳).

«بار خدایا! روزی فرما بر من فرزندی و او را پرهیزگار قرار ده که در خلقت او هیچ زیادی و نقصانی نباشد و عاقبتش را خیر قرار ده».

بسیاری از آدابی که بیان شد، سفارش های پیامبر اکرم(ص) در شب ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) است که در منابع معتبر ازجمله حلیهالمتقین نقل گردیده است. رعایت کلیه این آداب و توجه خاص به مسایل مذکور، تأثیر و نقش سرنوشت ساز و به سزایی در فضائل و خصوصیات فرزندان دارد. اسلام نیز بر این مبنا و برای این که فرزندان سالم و مستعدی داشته باشیم که ایمان و تقوا در ذات آن ها و سرشت آنان

ص:۱۱۲

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، خلاصه ای از شماره ۴، از صفحات ۱۲۶ الی ۱۳۱.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، خلاصه ای از شماره ۴، ص ۱۳۵.

۳- ۳. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۳۵.

نهادینه گشته باشد، ما را به این امور و آیین و آداب سفارش نموده است.

هم چنین در اسلام آمده است که رعایت نکردن برخی آداب یا رعایت آن ها چه اندازه در خصوصیات فرزند اثر دارد.

۱. رعایت نکردن برخی مسایل

عدم رعایت برخی از موارد قبل از تولد فرزند باعث می شود فرزند، مجنون، ناقص الخلقه، کم هوش (عقب افتاده ذهنی)، کوردل، بخیل و مانند آن شود.(۱) گرچه این موارد در میان غیرمسلمین بیش تر مشاهده می شود.

۲. رعایت برخی از آداب

رعایت برخی سنن و آداب سبب می شود که فرزند، دارای صفات پسندیده و خوب شود. مواردی مثل: «خوش بو کردن دهان، دل رحم بودن، جوان مرد بودن، دوری از غیبت و بهتان».(۲)

۳. رعایت تقوا و پاکی

دوری از هر نوع گناه و معصیت، تناول غذای حلال و کمک به مستمندان، داشتن مراسم سالم و به دور از گناه در شب عروسی و نظیر آن مورد تأکید جدی رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) و از سنت ها و روش های آنان محسوب می شود.

رسول خدا(ص) تمام این موارد را در شب عروسی فاطمه زهرا(س) رعایت نموده که بیان آن در این موضوع نمی گنجد.

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۲۹.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۳۰.

۴. مراقبت در دوره بارداری

دوران حمل و بارداری، دوران حیات جنینی و حساس ترین و مهم ترین دوران برای تربیت فرزند به حساب می آید.

از دیدگاه دین مبین اسلام، این دوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است و روایات، آداب و سنن زیادی برای آن نقل شده است.

همه رفتارهای والدین در این دوره، خصوصاً مادر در سلامت جنین مؤثر است و نقش اساسی دارد؛ حتی غذاهایی که مادر می خورد، به نوعی در فرزند تأثیر دارد. به این موضوع بالأخص در کتب تربیتی و روان شناسی پرداخته شده و ما نیز برای توجه بیش تر به اهمیت این دوره، یک روایت از رسول خدا(ص) نقل می نماییم. پیامبر می فرماید: «السَّعیدُ سَعیدٌ فی بَطْنِ اُمِّهِ وَالشَّقیُ شَقیٌّ فی بَطْنِ اُمِّهِ؛(۱) «سعادتمند، سعادتمند است

از شکم مادر و بدبخت، بدبخت است از شکم مادر.»

در «روضهالمتقین» آداب و سفارش های لازم برای دوره بارداری نقل شده است. بر اساس اخبار و روایات معصومین (علیهم السلام)، در این دوره، مادر باید موارد ذیل را مورد توجه قرار دهد: «زندگی در محیطی آرام باشد، سلامت جسمی او تضمین شود، کار زیاد نکند، از حرام بپرهیزد، از هوس بازی روگردان باشد، غذایش پاک و سالم باشد، به هر مجلسی رفت وآمد نکند، از هر غذایی نخورد، حتی در فکر کردن نیز

روحیات و روان خود را از خطرها و آلودگی ها دور نگه دارد و... دقت در این مسایل در تربیت فرزند سرنوشت ساز است(۲).

ص:۱۱۴

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۳۰.

۲- ۲. قائمی، علی؛ نظام حیات خانواده اسلام، ص ۱۳۷، به نقل از روضهالمتقین.

۵. آداب تولد و پس از آن

اشاره

هنگامی که فرزنـد به دنیا می آید آدابی وجود دارد که باید رعایت شود؛ چون جزء مواردی است که در تربیت فرد اثر مهمی دارد. برخی از این آداب چنین است:

۵-۱. گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او

نقل است که «وقتی خبر ولادت امام حسین(ع) به پیامبر گرامی(ص) رسید، به خانه حضرت علی(ع) و فاطمه(س)رفت. آن ها کودک را در یک پارچه سـفید رنگی پیچیـده بودند و توسط اسـماء به جدّش رسول اللّه دادند. پیامبر(ص) به گوش راست او اذان و به گوش چپ او اقامه گفت».(۱)

۵-۲. نام گذاری

نام نیکو بر فرزند نهادن از وظایف مهم والدین است؛ چرا که در زندگی و شخصیت او اثر جدی دارد.

از امـام بـاقر(ع) نقل است که «راست ترین نام ها، نامی است که دلالت بر بنـدگی خـدا کنـد، مثل عبـداللّه و بهترین نام ها نام پیغمبران است».(۲)

۵-۳.عقیقه کردن و سرتراشیدن وصدقه دادن به میزان موهای فرزند به طلا و نقره

نقـل است که در روز هفتم ولادت امام حسـین(ع)، فاطمه (س) گوسـفندی را برای فرزنـدش به عنوان عقیقه کشت و سـر آن حضرت را تراشید و هم وزن موی سر او نقره صدقه داد.(۳)

۱- ۱. طوسی، امالی، ص ۳۷.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۴۱.

۳- ۳. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۳۳.

۵-۴. آداب شیردادن و تربیت کردن فرزند

الف. شیر دادن همواره باید با طهارت و رعایت نکات بهداشتی باشد و سلامتی غذا و طهارت آن و نوع غذا مورد دقت و توجه باشد.

ب. ارتباط درست برقرار کردن با کودک از طرف والدین و رعایت نکات اخلاقی، رفتارهای مناسب و نیز به کار بردن کلمات زیبا نیز اثری مهم در تربیت و تکوین شخصیت کودک دارد.

ج. دقت کردن در رشد، سلامتی جسمی و روانی کودک و مراقبت های ویژه در بهداشت کودک نیز مسئله مهم دیگر است.(۱)

در دوره کودکی، یادگیری و آموزش طفل از طریق نگاه کردن و گوش دادن، نکته مهمی است. زیرا آن چه را می بیند و می شنود، در ذهن و اندیشه خود ثبت می کند. لذا در این دوره، پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده باید دقت زیادی در رفتارها و گفتارهای خود داشته باشند و با کودک درست و صحیح ارتباط برقرار نمایند.

همه مواردی که مطرح شد، در تربیت درست و دینی کودک نقش مهم و حیاتی دارد و سعادت و شقاوت انسان به آن ها بسته است. مهم ترین نتیجه چنین تربیتی، شکل گیری فطرت پاک و سالم فرزندان است که مسایل تربیتی در آن دخیل است.

دوران کودکی، نوجوانی و جوانی

مهم ترین نکات تربیتی و مسئولیت والدین و روش های تربیتی درست مربوط به این دوره است. گرچه آداب و مواردی که تا این جا بیان شد، نقش به سزایی در ایجاد زمینه های فطری برای تربیت دارد اما احادیث و

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۴۶.

روایات، برنامه های تربیتی را بر اساس سنین مختلف طبقه بندی و اولویت گذاری نموده، برای هر دوره سنی، برنامه و توصیه های خاص ارائه نموده است که باید در تکمیل موارد فوق به آن ها نیز توجه کرد.

در این زمینه، پیامبر اکرم(ص) بهترین برنامه را ارایه نموده اند: «اَلْوَلَدُ سَیِّدٌ سَبْعَ سِنینَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنینَ وَ وَزیرٌ سَبْعَ سِنینَ»؛(۱) «فرزند ۷ سال آقا و سرور است و ۷ سال فرمانبرو و مطیع و ۷ سال وزیر و مشاور.»

در روایتی از حضرت مولا امیرالمؤمنین علی(ع) منقول است که فرمودند: «یرفی «یُرَبَّی» الصَّبیُّ سَبْعاً و یُؤَدَّبُ سَبْعاً و یُسْتَخْدَمُ سَبْعاً؛(۲) فرزند ۷ سال بازی می کند و ۷ سال تربیت می شود و ۷ سال به خدمت گرفته می شود».

باز در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «طفل، هفت سال نگاه داری و تربیت لازم دارد، هفت سال به آموختن آداب و هفت سال دیگر دوران خدمت اوست.»(۳)

از این روایات، روش اهل بیت(ع) در تربیت کودک مشخص می شود.

در تربیت دینی فرزندان باید از ظرافت های خاص و آموزش های آسان و تدریجی استفاده کرد و او را مشتاق برنامه های دینی نمود.

در واقع اولین مرحله تربیت دینی که موجب ایجاد شوق و علاقه نسبت به برنامه های دینی و ازجمله نماز است، در این دوره باید سپری و محقق شود.

در بحث سیره ائمه و پیامبر(ص) موارد زیادی مطرح شده است؛ در

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۲- ۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۳- ۳. مجلسی، محمدباقر؛ حلیهالمتقین، ص ۱۵۸.

مورد این که پیـامبر(ص) چگونه بـا بچه های خردسال و کودکان برخورد می نمود. مثلًا ایشان در حال نماز بود و امام حسن و امام حسـین (علیهماالسـلام) هنگام سـجده از شانه های حضرت رسول بالا می رفتند(۱) ولی پیـامبر(ص) صبر می کرد تـا آنان خودشـان پـائین آینـد یا به آرامی آن ها را می گرفت و بر زمین می گـذاشت. اما وقتی پیامبر(ص) دوباره به سـجده می رفت، همین کار تکرار می شد؛ با این حال هیچ گاه پیامبر با آنان رفتار خشونت آمیزی نداشت.

این گـونه برخوردهـا و رفتارهـا می توانـد در دوره کـودکی به ایجـاد علاـقه و اشتیـاق نسـبت به نمـاز در ذهن و دل کـودک بینجامد. همانگونه که خشونت و عصبانیت همه می تواند به ایجاد نفرت و بیزاری از رفتارهای دینی در کودک منجر شود.

برخی بر این تصورنـد که منظور از «سـروری» که در کلام رسول خـدا(ص) آمده این است که کودک را باید کاملًا رها کرد تا هرچه خواست از خوب و بد انجام دهد.

امـا سـروری و آقـایی به این معنی نیست بلکه مراد برخورد مطلوب و بزرگوارانه و بزرگ منشـانه بـا آن هاست. بایـد به آن ها احترام گـذاشت و آن هارا مورد اکرام قرار داد و سـعی کرد در قالب بازی و شادی، آموزش های لازم به آن ها داده شود. هم چنین باید با آن ها به درستی سخن گفت و خوب و صحیح آن ها را راه نمایی کرد.

ص:۱۱۸

۱- ۱. در مراحل قبل اشاره لازم انجام گرفته.

هفت سال دوم دوره فرمان بری و اطاعت

بر اساس دستورالعمل پیامبر(ص) و حضرت علی(ع)، هفت سال دوم، دوره فرمانبری و اطاعت و بهترین فرصت برای تأدیب و ایجاد رفتارهای نیکو در فرزند و عادت دادن او به انجام برنامه های دینی مخصوصاً نماز می باشد.

امیرالمؤمنین علی(ع) راجع به این دوره فرموده اند: «این دوره بخشی از اول نوجوانی است».(۱) پدر و مادر و عوامل دیگر مسئولیت دارند. تا در این دوره تعلیم و تربیت او را به ثمر برسانند. مانند معلم و مدرسه که موظفند در مسئولیتی که به عهده آنان نهاده شده است همراه والدین بکوشند و در آموزش دینی فرزندان و آموزش احکام دین و برنامه های دینی به آن ها، تلاش نمایند.

در تربیت، این مرحله مرحله دشواری است، اما با تلاش و سعی و جدیت والدین و مربیان به ثمر رسیدن آن، میسر و امکان پذیر است.

در این دوره البته باید روشی بکار برده شود که در کودک احساس اجبار و اکراهی در ارتباط با این امور به وجود نیاید بلکه با به کارگیری روش های صحیح، طوری عمل شود که فرزندان با میل و رغبت و اشتیاق به امور دینی بپردازند.

امام صادق(ع) در این مورد به پیروان و شیعیان خود سفارش نموده است:

«اِنّا نَأْمُرُ صِبْیانَنا بِالصَّلوهِ اِذا کانُوا بَنی خَمْس سِنینَ، فَمُرُو صِبْیانَکُمْ بِالصَّلوهِ اِذا کانوا بَنی سَبْع سِنینَ»؛(۲) «ما فرزندانمان را وقتی پنج ساله هستند فرمان به

۱- ۱. در مراحل قبل توضیح داده شد.

۲- ۲. کافی، ج ۲، ص ۱۲.

نماز می دهیم، شما فرزندانتان را وقتی هفت ساله شدند فرمان به نماز دهید».

یکی از یاران امام صادق(ع) به نام معاویه بن وهب از امام صادق(ع) درباره این که در چه زمانی فرزندان خود را وادار به نماز نمائیم پرسید. امام در جواب چنین فرمود: «بین ۶ تا ۷ سالگی.»(۱)

اگر در این سنین بتوان کودکان را به نماز عادت داد و سایر فرایض دینی را به آنان آموخت، به مرور نماز جزیی از شخصیت رفتاری آن ها در دوره نوجوانی و جوانی می شود.

در واقع نوجوان و جوانی که از دوره کودکی به خواندن نماز عادت کرده و زیر نظر والدین خوب و مربیان و معلمان خوب با برنامه های دینی آشنا شده و آموزش های لازم را دیده و به انجام وظایف دینی و نماز عادت پیدا کرده است، به مرور زمان در دوره نوجوانی و جوانی، در وجود او یک شاکله و شخصیت دینی به صورت ملکه ذهنی پیدا می شود و به فردی دین دار و متدین تبدیل می شود. او دیگر حاضر نمی شود عملی را که بر خلاف دین باشد و در واقع شخصیت اورا زیر سؤال ببرد انجام دهد.

چنین فردی همواره تلاش و کوشش لازم را در دین داری و مواظبت و مراقبت از رفتارهای خود دارد و در جمع دین داران و مراسم های مذهبی شرکت می نماید. این همان چیزی است که از یک جوان مسلمان انتظار می رود.

۱- ۱. کافی، ج ۲، ص ۱۲.

هفت سال سوم، دوره وزارت

هفت سال سوم که در واقع نوجوان وارد مرحله بلوغ و جوانی می گردد از ویژگی های خاص خود برخوردار است؛ ازجمله احساس استقلال و خودپنداری، احساس بزرگی، جدا شدن ظاهری از والدین و نوخواهی و کشف هویت و در نتیجه این ویژگی ها و حالت ها گاه نافرمانی و درگیری با فرهنگ اجتماعی و خانوادگی.

بنابراین والدین، مربیان و معلمان مسئولیت خطیر و حساسی را در این دوره بر عهده دارند(۱). باید تلاش و سعی شود بر اساس دستورالعمل پیامبر(ص) و حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) با دادن مسئولیت و اعتماد به توانایی و پذیرش آنان به عنوان

افرادی بالغ و کامل و نظرخواهی و بها دادن و پذیرفتن نظرات خوب آنان و شخصیت دادن و احترام گذاشتن و مهر و محبت و دوستی و رفاقت با آنان، آنان در مسیر صحیح خدمت به والدین، خانواده و جامعه قرار گیرند و از ایجاد انحراف و درگیری با فرهنگ دینی و نماز و برنامه های دینی توسط آنان خود داری شود.

در همین رابطه در سیره و روش پیامبر(ص) و ائمه(ع) نکات قابل توجهی یافت می شود که می تواند سرمشق مهمی برای نوجوانان و جوانان باشد. یکی از این موارد چنین است:

«اولین نماینده و سفیر پیامبر(ص) در میان مردم مدینه، «مصعب» یکی از فرزندان اشراف آن زمان بود که در ناز و نعمت، بزرگ شده بود. اما او جوان نورسی بود که پس از ایمان آوردن به پیامبر(ص) به مدینه هجرت نمود و به خواندن قرآن و برنامه های تبلیغی دین اسلام پرداخت و افراد زیادی را مسلمان نمود و در میان آنان به اقامه نماز و آموزش قرآن

۱- ۱. در فصل اول در دوره نوجوانی توضیح لازم داده شد نیاز به تکرار نمی باشد.

پرداخت و زمنیه هجرت پیامبر(ص) به مدینه را فراهم نمود».(۱)

نوجوانان و جوانان بسیاری در طول تاریخ اسلام، حماسه آفرین بودند و نقش های بسیار با اهمیت و شگفتی داشتند.

ازجمله نمونه های این افراد در انقلاب اسلامی نیز می توان افرادی مانند شهید محمد جهان آرا، شهید فهمیده و... را نام برد.

بنابراین اگر والدین برنامه های تربیتی را قبل از ازدواج تا دوران نوجوانی وجوانی، آنطور که به صورت خلاصه بیان شد، موردتوجه جدی وعمل قرار دهند، می توان انتظار داشت که فرزندان شایسته،لایق،متدین وخدمت گذاربه دین وجامعه وخانواده تربیت شوند.

گفتار سوم: نقش الگویی والدین

الف. الگودهی

یکی از روش های تربیتی در مهیاسازی کودکان و نوجوانان برای انجام تکالیف دینی الگودهی است. «الگو در لغت به معنی نمونه، سرمشق و مقتداست»(۲) و ارایه نمونه و مدل تربیتی از شیوه هایی است که در تربیت مورد توجه جدی است.

الگوگیری کودک از همان دوران کودکی شروع می شود و اگر والدین توجه و یا اطلاعات کافی در زمینه های تربیتی نداشته باشند، بعدها با مشکل روبرو می شوند. مخصوصاً اگر این الگودهی فرزندان فارغ از زمینه مذهبی باشد، مشکل چند برابر می شود. یکی از روان شناسان بر آن است

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۴۰۵.

۲- ۲. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا.

که «یک جوان بدون زمینه مذهبی و دینی، شبیه به کشتی بدون سکان است».(۱)

پس نقش الگویی، خیلی مهم است و می تواند در سرنوشت انسان بسیار مؤثر باشد. کودک در دوره کودکی اراده خاصی از خود ندارد. او یا از رفتار دیگران تقلید می کند و یا از الگویی که به اسوه ها و بزرگان دین مربوط است، پیروی می کند.

در مسیر الگودهی، والدین و مربیان از جایگاه خاصی برخور دارند و از ارکان اساسی الگودهی به حساب می آیند. رفتار عملی والدین در الگودهی به فرزندان قطعاً جایگاه ویژه و اول را دارد و بعد از آن مربیان (معلمان) و بعد دوستان و سپس جامعه در این مسیر نقش دارند. امروزه رسانه های خبری هم تأثیر گسترده ای در الگودهی به نوجوانان و جوانان دارند.

ب. نقش الگویی والدین

یکی از عوامل که می تواند در ارایه الگوی تربیتی جوانان و نوجوانان مؤثر باشد، محیط خانواده است؛ اگرچه خود این محیط برای آنان خیلی جذاب نباشد.

این عدم جذابیت یا به خاطر تکراری بودن است و یا به خاطر روحیات خاص خانواده که با جامعه متفاوت است. بنابراین برای این که رفتار خانواده جنبه الگویی داشته باشد باید تمهیداتی اندیشیده شود.

بهترین شیوه و تمهید در آموزش، شیوه رفتاری است. والدین و مربیان باید با رفتار و گفتار خود الگوی فرزندان باشند. برای نوجوان، حیات،

۱- ۱. دوربین، اودلوم؛ سیری در بلوغ، ص ۱۴۹، ترجمه کاظم سامی.

رودخانه ای است که او شاید بترسد در آن پای بگذارد و غرور و خود خواهی به او اجازه پرسش از بهترین مسیر برای رسیدن به مقصد را ندهد.

اما رفتار والدین به صورت نا خواسته راه را به او نشان می دهد و او را به مسیر درست هدایت می کند.

حق نیز این است که والدین و مربیان کمک و هدایت خویش را به نوجوانان عرضه نمایند.(۱)

از سوی دیگر با توجه به این که فرزند، والدین خود را بهترین و موفقترین انسان ها می داند و برای آن ها نقش کامل قایل است باید به او از طریق غیر مستقیم رفتار و سیره صحیح تربیتی را آموخت. او زمین مناسبی است تا در این دوره کشت تربیتی لازم در آن صورت گیرد و در آینده از آن برداشت شود.

ارایه الگوهای مناسب

از همان بدو تولد، کودک استعداد و آمادگی بالقوه و فطری خاصی برای آموختن دارد و پدر و مادر اولین سرمشق او هستند. کودکان با مشاهده رفتار والدین خود آن را الگوی رفتاری خود قرار می دهند و از آن پیروی می کنند و بدون تردید در این مدل اگر والدین دارای رفتار خوبی باشند، شخصیت کودک نیز تحت تأثیر رفتار خوب آن ها قرار می گیرد.

اسلام بر این که در ارایه الگوی مناسب باید دقت کرد تأکید فراوانی نموده است.

۱- ۱. قائمی، علی؛ دنیای نوجوانی دختران، ص ۴۲۸.

امام کاظم(ع) فرموده اند: «يُحْفَظُ الاَطْفالُ بِصَلاحِ ابائِهِمْ»؛(۱) «رفتار کودکان (فرزندان) در اثر خوبی های رفتار والدین آن ها، حفظ و نگهداری می شود.»

پیش از آن که پدر و مادر به امر و نهی کودک بپردازند، عملشان مقابل کودک و فرزندان و در منظر تیزبین او جلوه می کند و این زمان زمانی است که والدین فکر

می کنند فرزندشان چیزی را متوجه نمی شود، اما کودک در حال الگو برداری است. اسلام در این مورد تأکید زیادی داشته، پدر و مادر را به مواظبت بیش تر در اوقات خلوت با یک دیگر توجه داده است.(۲)

در بعد تربیت دینی نیز اگر مادر و پدر مذهبی بودند و مقید به تکالیف دینی، مسلماً در تربیت دینی و پرورش احساس مذهبی تأثیر گذار خواهند بود. در غیر این صورت نباید توقع خاصی داشت.

گفتار چهارم: نقش آموزشی والدین

اشاره

بی شک فردی که سرپرستی یک خانواده را به عهده می گیرد در قبال هر نوع آموزش آنان نیز مسئول است. وظایف سرپرست در قبال خانواده و فرزندان، توجه به مسایل معنوی، تربیت دینی و اخلاقی آنان است نه این که تنها به فکر فراهم آوردن اسباب مادی زندگی باشد.

از آن جاکه ائمه معصوم(ع) فرصت آموزش نماز را به همه مسلمانان نداشتند از ابزارهای دیگری نیز برای آموزش نماز و سایر عبادات استفاده می کردند. یکی از این ابزارها آموزش نماز به خانواده ها بود. مالك بن حویرث می گوید:

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۸۷.

۲- ۲. کریما، زهرا؛ پایان نامه، روش های جذب کودکان به نماز.

«ما که چند جوان همسال بودیم نزد پیامبر رفتیم و بیست شب نزد پیامبر(ص) ماندیم. پیامبر(ص) مهربان و نرم خو بود و هنگامی که دانست ما میل به خانواده مان داریم از خانواده مان پرسید و ما جواب دادیم. آن گاه فرمود: به سوی خانواده خود برگردید و در خانواده هایتان نماز را بر پا دارید و به آنان بیاموزید و آنان را به نماز امر کنید».(۱)

پایداری و سفارش اهل بیت(ع) به انجام نماز سبب می شود که خانواده بیش تر به نماز توجه کند و فرزندان نیز به آن گرایش پیدا کنند هم چنین باید در دعوت فرزندان و اعضاء خانواده به خصوص کودکان و نوجوانان و جوانان به نماز، شکیبا و صبور بود(۲) و با محبت و مهربانی با آنان مواجه شد و تلاش کرد به شبهات و ایرادات آن ها به درستی پاسخ داده شود و در برنامه فریضه نماز آموزش صحیح و رفع اشکالات باشد.

تعجیل و اصرارها در دعوت به نماز ممکن است منجر به سرکشی و نافرمانی و در نهایت بی علاقگی و دل زدگی به انجام این عبادت گردد که باید به آن توجه نمود.

آموزش نماز در سیره معصومین

در سیره معصومین(ع) آموزش نماز و سایر عبادات به نوجوانان و جوانان دارای نکاتی می باشد. ما در این قسمت به چند نکته تربیتی اشاره می نماییم:

۱. سن شروع آموزش نماز به کودکان در سیره معصومین(ع) مورد توجه جدی بوده است. بر اساس سیره معصومین(ع) سن شروع آموزش

۱- ۱. داوودی، محمد؛ تربیت دینی فرزندان، ص ۱۳۲.

۲- ۲. در مطالب قبلی اشاره شد.

نماز به کودکان، هفت سالگی است و در این زمینه روایت متعدد آماده است:

امام صادق(ع) به یکی از یاران خود فرمود: «ما بچه هایمان را از پنـج سالگی به نماز امر می کنیم؛ شـما فرزندانتان را از هفت سالگی امر به نماز کنید.»(۱).

در سن هفت سـالگی کودک آمادگی هر نوع آموزش را دارد و اصـلاً دل نوجوانانماننـد زمین خالی است و در این دوران، استعداد یادگیری او بسیار قوی است.

امام علی(ع) نیز در وصیت به فرزند بزرگوارش می فرماید: «دل نوجوان مانند زمین خالی و مستعد است که هر بذری در آن افشانده شود می پذیرد. از این رو در آغاز جوانی و قبل از آن که قلبت سخت شود به تربیت تو اقدام کردم»(۲).

این نکته را نباید فراموش کرد که آمادگی نوجوانان و جوانان برای پذیرش هر گونه آموزش آمادگی موقتی است و از دست خواهد رفت. ضرورت استفاده از این آمادگی و استعداد تربیتی امری مهم است.

گفتار پنجم: نقش نظارتی والدین

اشاره

یکی از نکات بسیار مهم مسئولیت تربیتی والدین، موضوع نقش آنان در نظارت و مراقبت بر رفتار فرزندان است.

در تربیت فرزنـدان، مسئولیت بسـیار سـنگینی به عهـده والـدین است و بالأخص در مورد پـدر، این نقش بیش تر مورد تاکید است. در روایات و

۱- ۱. حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۹.

۲- ۲. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، نامه ۳۱.

احادیث نیز این نکته بیان شده است رسول خدا(ص) در تبیین این موضوع می فرماید: «الرَجُلُ راعٍ فی اَهلِهِ وَ هُوَ مَسئولٌ عَن رَعِیَتِهِ»؛(۱) «مرد، سرپرست خانواده خود است و نسبت به زیردستان مسئول خواهد بود.»

والدین در قبال اعمال فرزندان خود مسئولیت دارند. پس باید نسبت به اعمال آنان نظارت و مراقبت نیز داشته باشند. از جهت تربیتی، اخلاقی، عبادی و حتی معاشرت با دوستان، این مسئولیت مهم است. تربیت فرزندان مانند پرورش نهالی است که باید از آن مراقبت کرد تا ثمر دهد و این مراقبت، آب دادن نیست بلکه گاهی هرس کردن و زدن شاخ و برگ های اضافی نیز هست.

تربیت مانند هر علم دیگری نیاز به مدیریت و برنامه ریزی صحیح دارد و در مدیریت، نظارت و کنترل نیز لازم است.(۲)

اما وجه نظارتی والدین چند لایه و شاخه دارد:

۱. کنترل محیط

در دوران کودکی، امکان کنترل و منع برای والدین بیش تر است اما در دوران نوجوانی و جوانی این امکان میسر نیست؛ چون فرزند بزرگ شده است. لذا والدین وظیفه دارند بر محیطهایی که فرزندان آنان با آن ها ارتباط دارند نظارت داشته باشند و اگر فرزندان نیاز به اطلاعاتی دارند، آن را به آنان بدهند و اگر دچار غفلت هستند، آن ها را آگاه کنند تا دچار لغزش های اجتماعی نشوند.

۱- ۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۵.
۲- ۲. در مباحث گذشته توضیح لازم داده شده است.

۲. رفت وآمدها

فرزنـدان در آمـد و شدها نیازمند مراقبت و کنترل هسـتند. نیاز به این که بدانیم کجا می روند؟ از کجا می آیند؟ و اگر احیاناً غیبتی از مـدرسه انجام گرفت دلیل آن؟ یا این که چرا از مـدرسه دیر به خانه می آینـد را بـدانیم. نظارت بر این رفت وآمـدها باعث می شود کودک به بی حسابی در آمد و شدها عادت و به هرجایی رفت وآمد نکند.

۳. معاشرت

دوسـتان و معاشـران کودک باید مورد شناسایی قرار گیرند. معاشرت گاه می تواند برای او عزت آفرین باشد و گاه با نکبت و ذلت همراه گردد. باید بررسـی شود که با چه کسانی دوست و معاشر است. همدم و محرم او چه کسانی و از چه خانواده هایی هسـتند. در مدرسه با چه کسانی همبازی و مأنوس است. حتی اگر نیاز باشد، باید با خانواده های آنان رابطه معاشرت و رفاقت برقرار شود.

دلیل این نظارت ها هم آن است که ممکن است شـما در خانواده خود مراقبت های ویژه ای در تربیت اخلاق فرزنـدان به کار ببرید ولی دیگران این مراقبت ها را اعمال نکنند و در نتیجه آموزش های آنان به فرزند شما سرایت کند.

حتی گاهی به خاطر دوست بد، لازم است والدین خانه و مدرسه فرزند خود را تغییر دهند و دوستان مناسب و صالح را در سر راه فرزندان خویش قرار دهند.

ص:۱۲۹

۴. تکالیف دینی

انجـام تکـالیف دینی را بایـد از همـان دوران کودکی آغاز نمود؛ اگرچه در این دوره، انجام تکلیف، بیش تر به عنوان تفریح برای بچه هاست و نه امر واجب. اما بایـد والـدین بر اعمال و تکالیف دینی فرزندان نظارت داشـته باشـند، چه بسا گاهی به آن امر نیز بنمایند. در مورد تعلیم نماز، در شرح غررالحکم چنین آمده است:

«عَلِّمُوا صِبْیـانَکُم الصَّلاهَ وَ خُـذُوهُمْ بِها اِذا بَلَغُوالحُلمَ؛(۱) به کودکـان نمـاز بیاموزیـد و آن هـا را به هنگـام بلوغ بر ترک نمـاز مواخذه کنید.»

پس مراقبت و نظارت والـدین بر اعمـال فرزنـدان به نفـع آنـان است. از لحـاظ تربیـتی نیز در دوران کودکی، بیش تر نیـاز به مراقبت است و در این دوره سـنی مراقبت تأثیر بیش تری دارد. اهل بیت(ع) نیز در سـیره تربیتی خود به نظارت بر رفت وآمد و رفتـار فرزنـدان تـوجه داشـتند. قرآن نیز به مؤمنـان می فرمایـد: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکُمْ وَأَهْلِیکُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَهُ»؛(۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشـی که هیزم آن انسان ها و سـنگ هاست نگه دارید.»

در سـیره معصومین(ع) نیز به این مسئله اشاره های زیادی شده است. ابوهریره می گوید: «هنگامی که نخل ها به بار می نشست و میوه هـای آن می رسـید، مردم برای پیامبر(ص) خرما می آوردنـد، به انـدازه ای که گاهی کومه ای (زیاد) از خرما جمع می شـد در این هنگـام امـام حسن و امـام حسـین(ع) بـا خرمـا بـازی می کردنـد و گـاه دانه ای از خرمـا را به دهـان می گذاشـتند. پیامبر(ص) وقتی این صحنه را مشاهده می کرد، دانه خرما را

۱- ۱. مصطفوی، حسن؛ شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ج ۴، ص ۳۶۳.

۲- ۲. سوره تحریم، آیه ۶، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

از دهان آن ها بیرون می آورد و می فرمود: آیا نمی دانید که آل محمد صدقه نمی خورند»(۱).

پس مسئولیت سنگین تربیت بر عهده والدین است و آنان می توانند بهترین فرد برای این کار باشند.

مسئولیت تربیتی والدین، بعد دیگری نیز دارد. در بعضی موارد ناچارند مستقیماً به تربیت دینی فرزندان خود اقدام کنند. به عنوان مثال الزام فرزندان به نماز و روزه، مواظبت و نظارت بر انجام فرایض دینی، نظارت بر رفت وآمدهای آنان با دوستان، نظارت بر رفت وآمدهای آنان در بیرون خانه، رعایت آداب اسلامی در معاشرت ها و رفت وآمدها و مانند آن از اموری هستند که والدین، بهترین افراد - اگر نگوییم تنها افراد مناسب - برای انجام آن هستند.(۲)

آسان گیری در عبادت جوانان

یکی از نکات مهم دیگر، آسان گیری و سهولت در برنامه تربیت عبادی جوانان است و اگر این موضوع نباشد برنامه تربیتی موفق نخواهد بود. سیره ائمه(ع) هم ابتدا بر آسان گیری بود. آنان به فرزندانشان دستور می دادند نماز مغرب و عشا و نیز ظهر عصر را با هم بخوانند؛ با این که بزرگسالان این نمازها را در چهار وقت جداگانه می خواندند.

فضل بن یسار از علی بن الحسین(ع) روایت نموده که آن حضرت به کودکان دستور می داد نماز مغرب و عشاء را با هم بخوانند و می فرمود: «این بهتر از آن است که بخوابند و نماز عشا آنان قضا شود.(۳)»

۱- ۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۲.
۲- ۲. داوودی، محمد؛ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع).
۳- ۳. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

امام صادق(ع) می فرماید: «اِجْتَهَدْتُ فِی الْعِبادَهِ وَ اَنَاشابٌّ فَقالَ لی أَبی: یابُنَیَّ دُونَ ما اَراکَ تَصْنَعُ، فَاِنَ اللّه اِذا أَحَبَّ عَبْداً رَضِیَ مِنْهُ بِالْیَسیرِ(۱)؛ در سنین جوانی در عبادت سخت کوش بودم. پدرم به من فرمود: فرزندم کمتر از این که از تو می بینم عبادت کن، زیرا وقتی خداوند بنده ای را دوست بدارد به کم هم از او راضی می شود.»

پس ائمه معصومین(ع) از افراط و تفریط فرزنـدان خود در عبادت جلوگیری می کردند و روش معتدل را به آنان ارائه کردند. آن ها با آسان نشان دادن دین و سهل گیری در عبادت موجبات گرایش هرچه بیش تر آنان به عبادت را فراهم می آوردند.

نکته ها و پیشنهادات

۱. دستور به سفارش نوجوانان و جوانان به برپا داشتن نماز از طرف والدین و مربیان.

۲. سفارش به نماز همراه با مهر و محبت و با سخنان زیبا و دلسوازنه و احترام و حفظ شخصیت نوجوان و جوان.

۳. سفارش و توجه دادن به نماز به صورت مستمر، با صبر و حوصله و در یک جوّ صمیمی و گرم دوستانه.

۴) اظهار انتظار و توقعات والدین از فرزندان درباره اهل نماز بودن در قالب دعا و آرزو.

۵. دعای والدین برای داشتن فرزندان اهل نماز.

۶. عمل نمودن والدین به نماز و مراقبت و مواظبت در امر نماز و خواندن نماز با روح و معنویت، بیش تر از نصیحت کردن و سفارش.

ص:۱۳۲

۱- ۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸ و بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۵۵.

۷. آگاهی دادن و آشنا نمودن فرزندان به فواید، ثمرات و نتایج خوب و ارزش مند نماز.

۸. بیان و تفسیر داستان های قرآن درباره پیامبران و امت های قبل با موضوع نماز و تأثیر آن بر شقاوت یا سعادت آنان.

۹. فراهم نمودن زمینه های مساعد در محیط خانواده برای تمام اعضای خانواده جهت برپایی نماز.

۱۰. گفتن داستان های معتبر و تأثیر گذار راجع به نماز برای فرزندان.

۱۱. آگاهی دادن به فرزندان در مورد عواقب ترک نماز و دوری از خدا.

۱۲. تشویق فرزندان به خاطر خواندن نماز.

مبحث دوم: نقش جامعه در گرایش جوانان به نماز

گفتار اول

الف. مسئولیت جامعه

جامعه نیز در امر راه نمایی و هـدایت نسل جوان و زمینه سازی برای سوق دادن آنان به سـمت مذهب و تکالیف دینی و تعلیم آن ها وظیفه دارد. اصل نظارت اجتماعی ایجاب می کند که محیط سالم و زمینه ساز برای رشد مذهب در میان جوانان، فراهم شود.

اسـلام مسـئله امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه عموم قرار داده است. در جوامع اسلامی مردم باید مرشد، هادی و راه نما و ولیّ یک دیگر باشند و با همکاری هم و امکان کنترل اجتماعی. فضای سالم برای جوانان و نوجوانان را فراهم آورند.

در جامعه اسلامی مردم وظیفه دارند جلوی نابسامانی ها را بگیرند، راه نفوذ و گسترش عوامل فساد را سد کنند، محیطی سالم را برای جوانان فراهم آورند تا جوانان و نوجوانان با فضیلت، در جامعه پرورش یابند. سلامت اعتقادی و اخلاقی مردم و حاکمیت فرهنگ معنوی بر فضای عمومی جامعه می تواند در مذهبی کردن و نمازی نمودن (جوانان و نوجوانان) مؤثر باشد.(۱)

وقتی یک نوجوان و جوان صدای مؤذن را می شنود و جامعه نیز در مقابل حساسیت از خود نشان می دهد. او اشتیاق جامعه را در برابر این رستگاری می بیند و آمادگی خانواده خود را قبل از اذان، برای برپایی نماز مشاهده می کند مسلماً این موارد تأثیر فراوانی بر ذهن و ضمیر او خواهد گذاشت اگر این بستر اجتماعی آماده باشد، قطعاً گرایش جوانان و نوجوانان به نماز نیز بیش تر خواهد بود.

یکی از عوامل بسیار مهم در ایجاد محیط سالم در بین جوانان، فراهم نمودن هم دلی و وفاق و وجود نیکی در بین گروه های مختلف سنّی جامعه است. مهر و نیکی در جامعه نقش اساسی در ایجاد و برقراری حس همکاری روحی و روانی دارد. بر همین مبنا اسلام دستور داده است: «حتی به افراد فاسق و گناه کار، خوبی و محبت نمایید».(۲)

احسان و نیکی در ایجاد روابط محکم، مؤثر است و به گفته عامیانه «الانسان عبیدالاحسان»؛ انسان در برابر نیکی و احسان بنده، اسیر است.

بر همین اساس، امام علی(ع) می فرمایند: «احسان کن تا دیگران را به

۱- ۱. کریما، زهرا؛ پایان نامه، روش های جذب کودکان به نماز، ص ۵۸۰.

۲- ۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۷.

اطاعت خویش در آوری».(۱)

در بین گروه هـای جامعه، جوانان و نوجوانان بیش تر از سایر گروه ها در عرصه اجتماعی نیاز به نیکی و نگاه پر مهر و محبت و لطف بزرگ ترها دارند. عدم توجه به این نیاز از طرف بزرگ ترها، عرصه شکفتن و بالندگی را بر جوانان تنگ می کند.

جوانـان در مقام یک گروه نوپا در محیط اجتماع، حق توجه و پـذیرش از طرف بزرگ ترها را دارنـد تا ریشه گل وجود شان پایـدار و وجودشان سـرزنده و بالنـده شود؛ همان طور که بزرگ ترها در جایگاه خود به عنوان باغبان جامعه، هدایت آن ها را دارنـد تـا آینـده جوانـان و جـامعه به این وسـیله تضـمین شود. جوانان فرزنـدان جامعه انـد و برای آینـده اجتماع، امانت دارانی مطمئن به حساب می آیند.

بنـابراین بایـد رفتـاری شایسـته بـا آنان داشـته باشـیم! چون جوانان دارای روحی حساس و دلی پاک هسـتند. رسول خـدا(ص) فرموده است: «اُوصیکُم بِالشُّبّان خَیراً فَاِنَّهُمْ أَرَقُّ اَفْئِدَةً اِنَ اللّهَ بَعَثَنی بَشیراً وَ نَذیراً فَحالَفَنی الشُّبّان وَ خالَفَنی الشُّیُوخُ ثُمَّ قَرَأَ فَطالَ عَلَیْهِمْ الاَمَدْ فَقَسَتْ قُلُوبُهُم»؛(۲) «شـما را به نیکی به نوجوانان و جوانان سفارش می کنم، زیرا آن ها دلی نرمتر (پذیراتر) دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سـخنانم را پذیرفتند ولی پیران سرباز زدند».(۳)

۱- ۱. آمدی تمیمی، محسن؛ غررالحکم، فصل ۲، ح ۸.

۲- ۲. مجموعه روایات جوان، به نقل از کتاب الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۹.

۳- ۳. سوره حدید، آیات ۵۷ – ۴.

ب. مدارا با جوانان

یکی از رفتارهـای بسـیار خوب و دارای آثـار فراوان اخلاقی و تربیتی، مـدارا کردن با مردم است. ازجمله رفتارهای بر گزیـده پیامبر نیز مدارا با مردم بود.(۱)

در اسلام مدارا با مردم به طور عام سفارش شده و به طور خاص، مدارا با جوانان دستور داده شده است.

مدارا با جوانان، طبق سفارش ائمه و پیشوایان دینی، در گرایش آنان به امور دینی و معنوی اثر بسیار زیادی دارد.(۲)

امام صادق(ع) یکی از روش های نیکی به فرزنـد را مـدارا با او معرفی می نمایـد. وقتی از امام پرسـیده می شود: «راه یاری به فرزنـد چیست؟» امام در پاسـخ می فرمایـد: «یَقْبَلُ مَیْسُورَهُ وَ یَتَجاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لا یَرْهَقُهُ، وَ لا یَخْرُقُ بِهِ»:(۳) «آن چه در توان فرزند بوده است قبول کن و از آن چه بر او مشکل بوده است در گذر و او را به گناه وامدار و با او مدارا کن».

جمله ولا یخرق به این معنی است که نبایـد بـا جوان بـا سـختی و بدتـدبیری و بی خردی برخـورد کرد و بایـد بـا او مـدارا و سازگاری نمود.

پس مـدارا بـا جوانـان، نقش بـه سـزایی در تربیت معنـوی آن هـا دارد و در هـدایت و ترغیب آنـان به انجـام تکـالیف دینی و بالأخص گرایش آنان به نماز اثر زیادی دارد.

ص:۱۳۶

۱- ۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷.

۲- ۲. مجموعه روایات جوان، ص ۱۰۵.

۳- ۳. ورام، ج ۱، ص ۵۷.

ج. احساس برادری با جوانان

جوان ها موهبت های الهی اند، امانتداران آینده و امانت های فعلی اند. ازاین جهت بر همگان لازم است با جوانان مدارا نمایند و آنان را از خود نرنجانند. باید نسبت به آنان هم چون فرزندان و برادران خود دل سوزی کرد تا روح صفا در زندگی و در جامعه حکم فرما شود. باید به آن ها نوید آسایش و بالندگی در آینده را داد و در این راه احساس برادری با جوانان و نوجوانان و کل افراد جامعه نقش اساسی دارد.(۱)

در قرآن کریم آمده است «مؤمنان برادر یک دیگرند»(۲). امام صادق(ع) نیز درباره برادری با جوانان و نوجوانان و میان سالان می فرماید:

«اُوصیکَ أَنْ تَتَّخِذُوا صَغیرالمُسْلِمینَ وَلَداً، وَ اَوْسَطَهُم اَخَاً... و صِلْ اَخاکَ...»؛ «سفارش می کنم خردسالان مسلمانان را فرزند، جوانان را برادر... خویش بدان بدانید. پس به فرزند خود رحم کن و با برادرت پیوند و هم دلی داشته باش.»(۳)

این دستور دینی امام صادق(ع)، آثار فراوانی نیز در جامعه دارد که مهم ترین آن، ایجاد فضای دوستی همراه با صمیمیّت، هم دلی، وفاق، احساس برادری و تفاهم اجتماعی نسبت به یک دیگر است.

در چنین فضایی راحت تر می توان جوانان را به سمتی هدایت نمود که موجب شکوفایی آنان گردد. قبلاً نیز به این که جوانان مسئولیت آینده جامعه را بر عهده دارند اشاره نمودیم. در صدر اسلام نیز بسیاری از پیروزی ها مدیون برادری و ایثار جوانان تحت لوای رسول خدا(ص) بود.

۱- ۱. سوره حجرات، آیه ۱۲، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. سوره حجرات، آیه ۹، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۳- ۳. فرید، مرتضی؛ الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۶.

جوانان فطرتاً پاک و مسئولیت پـذیر و هدایت پذیرتر از پیران هسـتند. پس جامعه و عوامل اجتماعی در تربیت دینی و گرایش آنان به امور عبادی از طریق هم دلی و اتحاد، نقش به سزایی دارد.

گفتار دوم: نقش معاشرت

الف. نقش معاشرت و دوستان

اشاره

مسئله معاشـران، یکی از عوامل بسـیار مهم و تأثیر گذار در تربیت است. در دنیای امروز نمی شود درب منزل را بست. اما باید دقت لازم را داشت که خانواده و فرزندان با چه کسانی ارتباط دارند؟

فرزنـدان علاوه بر والدین،(۱) در رفت وآمـدهای دوسـتان والـدین خـود هم الگوپـذیر می شونـد و این رفت آمـدها در الگو برداری آن ها بی تأثیر نیست. چه بسا فرزنـدانی که نوع گرایش و تربیت آنان با نوع تربیت فرزنـدان خانواده ما در تضاد باشد. به این علت، باید در معاشـرت ها جدیت و دقت بیش تری صورت گیرد. اگر دوستان خانوادگی مذهبی باشند، قطعاً اثر خوبی بر فرزندان خواهد گذاشت و اگر بالعکس باشد، از اثر بد آنان در امان نخواهیم بود.

نقش دوست در سرنوشت انسان

یکی از مسایـل مهم در دوران جوانی برای یـک جوان، مسـئله دوستی و هم نشـینی است و این که معاشـرت او و بـا چه کسـانی است؟ همه جوانان در پی آن هستند که دوستی ایده آل برای خویش انتخاب نمایند که با او همراه باشند.

۱- ۱. در فصل اول توضیح لازم داده شد.

خداونـد در قرآن کریم و بزرگـان و رهـبران دینی مـا - به عنوان کامـل ترین کارشـناسان تربیـتی - دیـدگاه هـای ارزنـده ای پیرامون این مسئله دارند. در تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۸ سوره فرقان، یک نکته بسیار مهم و سرنوشت ساز نقل شده که ما نیز آن را در دوستی جوانان بسـیار مفیـد می دانیم. بدون شک، عامل سازنده شخصـیت انسان بعد از اراده و تصـمیم او، امور مختلفی است که از اهم آن هـا، هم نشـین، دوست و معاشـر است؛ چرا که انسان خواه ناخواه تأثیرپـذیر است و بخش مهمی از افکار و صفـات اخلاقی خود را از طریق دوسـتانش می گیرد. این حقیقت هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهـدات حسـی به ثبت رسیده است.

به راستی گاه نقش دوست در خوشـبختی و بدبختی یک انسان از هر عاملی مهم تر است؛ گاه او را تا سـرحد فنا و نیستی پیش می برد و گاه او را به اوج افتخار می رساند.(۱).

براین اساس، اگر دوسـتان دوران جوانی گرایش به امور عبادی مانند نماز داشـته باشـند، فرد نیز گرایش به نماز پیدا می کند، چون دوست از دوست تأثیر می پذیرد.

ب. معاشرت با صالحان

یکی از مسایل قابل طرح و مفید دیگر برای جوانان، مسـئله دوستی و معاشـرت با صالحان است. ما قبلاً توضیح دادیم که تأثیر هم نشینی با نیکان در تربیت اخلاقی بسیار زیاد است.

دوسـتان نیک همیشه برای دوسـتان خود مفید هسـتند و در جامعه از جایگاه خاص و در درگاه الهی نیز از تقرب و مکان ویژه ای برخوردارند.

۱- ۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷۳.

امام علی(ع) در نامه به فرزندش امام حسن(ع) می فرماید: «از بهترین بهره های مرد، داشتن هم نشین خوب است؛ پس با نیکان بنشین تا از آنان به شمار آیی.»(۱)

هم نشینی صالح، با کردار و رفتار خود بر فرد اثر بگذارد و در تفسیر نمونه نیز به جایگاه «صالحان و افراد شایسته و برجسته ای که با انجام کارهای مثبت و سازنده و مفید و پیروی از اوامر انبیاء به مقامات برجسته نایل شده اند» اشاره شده است.(۲)

در همین مأخذ آمده است:

«موضوع معاشرت خوب و هم نشین های باارزش، به قدری اهمیت دارد که حتی در عالم آخرت برای تکمیل نعمت های بهشتی، این نعمت بزرگ به مطیعان ارزانی می گردد و علاوه بر همه افتخارات، هم نشینانی هم چون پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان خواهند داشت.»(۳)

با این وصف در مورد دوستان صالح و جایگاه آنان جای ابهامی باقی نمی ماند.

لذا این عامل بسیار ارزش مندی است که در گرایش افراد به اوامر الهی و پیامبران و اهل بیت(ع) و در مسیر آنان قرار گرفتن، اثر مهم و ارزنده ای دارد.

۱- ۱. حرّانی، ابومحمد؛ تحف العقول، ص ۱۳۱.

۲- ۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۱۰.

۳- ۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۱۱.

گفتار سوم: ایفای نقش سرپرستان و حاکمان

اشاره

یکی از وظـایف و مسـئولیت هـای سرپرسـتان و حـاکمـان اسـلامی در قبـال اقـامه نمـاز در جامعه، تاکیـد بر این امر است. امام علی(ع) خود وجوداً و شـخصاً ترغیب و تأکیـد بر اقـامه نمـاز در فرمـان هـای حکومتی را فراموش نمی کردنـد و این، بیـان گر مسئولیت و وظیفه و نیز ضرورت و توجه نظام حکومت دینی و حاکمان آن، به مسئله نماز است.

الف. وظایف حکومت جهت اقامه نماز

حکومت اسـلامی موظف است زمینه و محیـط سـالم را در جـامعه فراهـم نمایـد تـا جوانـان متربی به تربیت دینی آنـان پرورش یابند. هم چنین است نقش امامان جماعت در نظام اسلامی که انتخاب آنان با حکومت است.

امام علی(ع) در فرمان الهی و سیاسـی خود به محمد بن ابی بکر در مورد نماز می فرماید: «.... آن گاه بنگر که نمازت چگونه است؛ زیرا تو پیش نمازی و هیچ پیش نمازی نباشد که برای مردمی نماز بخواند و در نماز آنان عیب و تقصیری باشد مگر آن که گناه همه آن ها بر گردن او خواهد بود؛ ولی ثواب آنان چیزی کم نشود و پیش نماز، نماز را بدون نقص به پایان نبرد مگر آن که مانند مأمومین ثواب نصیبش گردد.»(۱)

در این گفتـار، امـام(ع) نظام دینی و حـاکمان آن را مسـئول اقامه نماز در جامعه معرفی می نمایـد و به تبع آن نیز وظیفه ای را برعهـده آنان قرار می دهـد که عبارت است از: ترغیب جامعه به اقامه نماز. ایشان در پایان فرمان الهی و سیاسـی شان به مالک اشتر نیز فرموده اند: «ازجمله

۱- ۱. ابومحمد حرّانی؛ تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۲۹۹۰.

سفارش های پیامبر به من، سفارش به گزاردن نماز... بود.»(۱)

این سفارش پیامبر به امیرالمؤمنین، اشاره به جایگاه مسئولان حکومت دینی در قبال تشویق و ترغیب به اقامه نماز در جامعه دارد و این که نظام اسلامی و حاکمان آن موظفند علماً و عملاً راه ها و فرآیندهای مربوط به اقامه نماز را در جامعه، در هر عصری بیابند و در جهت توفیق روزافزون و ترغیب به اقامه نماز قدم بردارند.

براین اساس، مسئولیت سنگینی در این زمینه بر عهده حاکم اسلامی است تا در برخورد با مردم، علاوه بر این که مسئول امرار معاش و زندگی و اقتصاد آنان است متصدی یک رشته اوامر مهم دیگر نیز هست که ازجمله آنان، توجه به تربیت و اصول دینی و عبادی آنان است.(۲)

امام علی(ع) در یکی از خطبه های دیگر می فرماید:«اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را در میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و تربیت تان کنم تا آداب فرا گیرید»(۳).

پس اگر حاکم شرع به این سفارشات پیشوایان و بزرگان دین عمل نمود، جایگاه او در جامعه مشخص می شود. و نقش به سزائی نیز در جامعه به جا می گذارد. در چنین جامعه ای ما شاهد جوانان تربیت یافته و تعلیم دیده دینی خواهیم بود.

۱- ۱. ابومحمد حرّانی؛ تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۲۴۵.

۲- ۲. مجموعه روایات جوان؛ به نقل از شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

۳- ۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۸۸ و ۸۷.

ب. حاکمان سیاسی جامعه

ازجمله عوامل بسیار مؤثر و سرنوشت ساز دیگر، نقش حاکمان جامعه و رهبران سیاسی است. این نقش، حتی در بعضی مواقع آن قدر تأثیرگذار است که از تربیت خانواده در جذب و هدایت جوانان و نوجوانان مؤثرتر است.

امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «النَّاسُ بِأَمَرائِهِمْ اَشْبَه مِنْهُمْ بِآبائِهِمْ»؛(۱) «مردم در روش های اخلاقی و صفات اجتماعی، به حکومت های خود بیش تر شباهت دارند تا پدران خویش.»

پس نقش حاکمان در جامعه بسیار گسترده است و اگر آنان خوب و درست امور جامعه را در دست گرفتند و نقش هدایت گری در برنامه آنان بود، می توانند جامعه ای سالم با جوانان نمازگزار و با مسئولیت تحویل دهند. کسانی که «نقش مهمی در جامعه اعمال و پیاده می کنند و کارشان امر ونهی و دستور دادن است هدایت جنبه های مذهبی و عقیدتی اجتماعی را نیز به عهده دارند و در هر مقامی که باشند نقش شان مهم و سرنوشت ساز است. اگر آن ها صالح باشند، جامعه صالح خواهد شد. (چون) افراد عادی اجتماع نمی توانند در مورد نقش و رفتار آن ها و رابطه آن با عقیده، تفکیک قائل شوند».(۲) نگاه به سیره رفتاری حاکمان جامعه، باعث الگوگیری جوانان از آنان می شود. با تأمل در رفتار و پیروی از حاکمان است که جامعه به سمت صلاح یا فساد سوق پیدا می کند.(۳)

۱- ۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶؛ ابومحمد حرّانی؛ تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۳۵۴.

۲- ۲. جهانگرد، یداللّه؛ نحوه رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۹.

۳- ۳. مجموعه روایات جوان، ص ۱۳۲

مبحث سوم: نقش عوامل و نهادهای آموزشی و فرهنگی

گفتار اول: نقش علما و فرهیختگان

اشاره

در سیره عملی رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع) و فرهیختگان دین، توجه ویژه ای به نوجوانان و جوانان شده است و برخورد صحیح با آنان به طور خاص سفارش شده است. در سیره این بزرگواران، فراهم سازی و ایجاد زمینه علاقه مندی به دین و گرایش به نماز و معنویات، از وظایف عالمان و فرهیختگان بوده و مورد سفارش و توجه بوده است.

رسول خدا(ص) در روایتی می فرماید:

«اُوصیکُمْ بالشُّبَان خَیْراً فَاِنَّهُمْ أَرَّق اَفیئَدَهً اِنَ اللَّهَ بَعْثَنی بَشیراً وَ نَذیراً فَحَالَفَنی الشُّبَّان وَ خَالَفَنی الشُّیُوخُ ثُمَّ قَرَأَ فَطَالَ عَلَیْهِمُ الاَمَدُ فَقَسْت قُلُوبُهُمْ»؛ «شما را به نیکی به نوجوانان و جوانان سفارش می کنم، زیرا آن ها دلی نرمتر (پذیراتر) دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند ولی پیران سرباز زدند.»(۱)

از بررسی این حدیث، نکات چندی قابل دریافت است:

- رقّت قلب جوانان و نرمی قلوب آنان در پذیرش قول حق

- خیرخواهی نسبت به جوانان در رفتار با آنان

- گرایش جوانان به کارهای نیک

- تمایل زیاد جوانان به پذیرش آموزه های دینی

۱- ۱. شباب قریش، ص ۱، به نقل از مجموعه روایات جوان.

– ضرورت اهتمام به تربیت دینی جوانان

– مسئولیت همه در مقابل جوانان(۱)

پس این روش برخورد با نوجوانان و جوانان آن هم از رسول خدا (ص) به عنوان سیره عملی – می تواند راه گشای بزرگان و عالمان باشد و وظیفه آن ها را به آن ها گوشزد نماید. بسیاری از انسان های ناآگاه تصور می کنند نوجوانان و جوانان، نادان و جاهلند و چیزی از خوبی ها و بدی ها نمی دانند و تصور آنان بر این است که آن ها کم تجربه و ناپخته اند و به قول معروف هنوز دهانشان بوی شیر می دهد. بین افراد برای جوانان ارزش قائل نمی شوند و به آن ها بها نمی دهند که این عمل آنان، عکس کردار رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) است و نتیجه معکوس نیز خواهد شد.

الف. نقش عالمان در هدایت نوجوانان و جوانان

وقتی فرزندان در دوران کودکی به درستی تربیت و هدایت شده باشند، در نوجوانی و جوانی نیز می توانند با راه نمایی عالمان و فرهیختگان به سوی کامیابی هدایت شوند. امام صادق(ع) می فرماید: «در روز قیامت وقتی عابد و عالم به درگاه خداوند شرف یاب می شوند، آن هنگام عابد را به سمت بهشت راه نمایی می نمایند، اما به عالم گفته می شود شما بایست؛ به حسب نقشی که در هدایت آنان داشته ای آن ها را شفاعت نما.»(۲)

پس عالمان از جایگاه خاصی در هدایت جامعه برخوردارند. اگر عالمان صالح باشند جامعه سالم به بار می آید و اگر صالح نباشند، جامعه فاسد می شود. عالمان در جامعه از اعتبار بسیار بالایی برخوردارند.

۱– ۱. شباب قریش، ص ۱، به نقل از مجموعه روایات جوان، ص ۱۰۱–۱۰۰.

۲– ۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۷۴.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز مدیون نقش بسیار مدبرانه عالمان دینی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) بود. با رهنمودهای ایشان و هدایت جوانان بود که انقلاب پیروز شد و مردم با از خودگذشتگی، جان خود را فدای اسلام عزیز می نمودند.

در صدر اسلام نیز چنین بود و رسول خدا وقتی مردم را به اسلام دعوت نمود، بیش تر جوانان بودند که به خواست و دعوت او لبیک گفتند و او را یاری رساندند.

وقتی عالمان به عنوان جانشین رسول خدا و ائمه(ع) در جامعه شناخته می شوند، باید به سیره آنان نیز عمل نمایند. رسول اکرم(ص): می فرماید: «اِذا ظَهَرَتْ البِدَعَ فی اُمَّتی فَلْیُظْهِرْالعالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ یَفْعَلْ فَعَلَیْهِ لَعْنَهُاللّه»؛ «یعنی وقتی بدعت ها بر امت من پیدا شد، باید عالم علم خود را ظاهر کند و حق را بگوید و کسی که چنین نکرد بر او لعنت خدا باد.(۱)»

پس جایگاه و مسئولیت عالم دینی و تکلیف او در جامعه، بسیار بالاست براین اساس باید یک سری مشخصات را نیز داشته باشد؛ مثل

۱. حسن خلق

۲. عفت نفس و علو همت

۳. تأدب به موازین اخلاقی و قیام به وظایف دینی

۴. شهامت در اظهار حق.

عالمانی که به این صفات آراسته باشند، عالمان واقعی و هدایت گر جامعه اند.

۱- ۱. زین العابدین، منیهالمرید فی آداب المفید والمستفید، ص ۶۵.

ب. اهمیت و نقش عالمان دینی

نقش روحانیت بـه دلایـل عدیــده از نقش دیگر گروه هـا از اولیـاء و مربیـان بیش تر اسـت و تـأثیر و نفوذشـان در جوانـان و نوجوانان بیش تر از نفوذ والدین می باشد. عموماً فرزندان، والدین را قدیمی می دانند و خود را به خاطر تحصـیلات جدید، از والدین فهمیده تر می دانند و در نتیجه یک نوع گریز و دوری از والدین در آنان به چشم می خورد.

از جهت دیگر، والـدین امروز گرفتـار نابسامـانی هـای زیادی هسـتند و فرصت و توان کافی و لازم برای رسـیدگی به فرزنـدان خود را ندارند و مسئولیت تربیت را به عهده مدارس قرار می دهند.

در کنار مدارس، گزینه دیگری به نام عالمان دینی هسـتند که عموماً افرادی آگاه و موقع شـناس اند و به پاکی و تقوا شـناخته شـده و به امور جامعه آگاه انـد آن ها بی خبر از رخـداهای روزگار نیسـتند و آلودگی و فساد اخلاقی نیز در آن ها نیست؛ بی آلایشـی در وجود آنان بیش تر است و از موضوعاتی سـخن به میان می آورنـد که با فطرت پاک نوجوان و جوانان سازگاری بیش تری دارد. پس می توانند هادی و راه نمای خوبی برای جوانان باشند.

ج. دامنه مسئولیت روحانیت

در توضـیحاتی که ارائه شـد، در مورد نقش به سـزایی که روحانیت در جامعه دارنـد، سـخن رفت دینی هسـتند، لذا وظائف و مسئولیت سنگینی برعهده دارند.

عالمـان دین وظیفه دارنـد راه نمـای جوانـان در سازگـاری آن هـا با محیط، خوشبین کردن آن ها به زنـدگی حال و آینـده و جهت دادن آن ها به سوی

ص:۱۴۷

والدین باشند. آن ها باید محرم راز جوانان باشند و مشکلاتشان را شناسایی نموده و به حل آن اقدام نمایند.

این مسئولیت، هنگامی سنگینی تر می شود که در عصر ما مسایل زیاد و فساد دامنه داری از راه تبلیغات غلبه یافته است.

بنابراین عالمان و مبلغان دین وظیفه دارند در دنیایی ناسازگار، با اطمینان به خدا و با برنامه ای خاص در راه تربیت جوان و ابلاغ کلمه حق به این نسل بکوشند.

د. اقتدا به صالحان

مراد از این بحث، پیروی کردن از عالمان و اقتدا نمودن به آنان و حتی الگوگیری از آنان در تعلیم و تربیت اسلامی است. نقش الگو در تربیت در تمام مکاتب تربیتی پذیرفته

شده است و گذشته از آن در امر خودسازی، عرصه ای وسیع را در سطح تعلیم و تربیت از آن خود کرده است.

امام خمینی(ره) به اهمیت و نقش اسوه توجه خاص داشتند. ایشان در بیانات خود مکرر سیره پیامبر الهی و امامان برگزیده شیعه را بهترین و شایسته ترین الگوهای زندگی فردی و اجتماعی معرفی می کردند و بر لزوم پیروی از آنان پافشاری داشتند.

ازجمله، ایشان می فرمایند: «سیره انبیاء عظام و ائمه اطهار که سر آمد عارفان بالله و رستگاران از هر قید و بند... کوشش ها کرده اند به ما درس ها می دهند و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم، راه گشایمان خواهد بود».(۱)

ایشان در میان الگوهای شخصیتی، گذشته از پیامبران عظیم الشأن و

۱- ۱. موسوی خمینی، روح اللّه، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۹۲.

ائمه معصومین (علیهم السلام)، در کلمات و نوشته های خویش از بسیاری بزرگان نیز به عنوان الگو و اسوه نیک یاد می کردند و همیشه همه را دعوت می کردند تا با چشمی بینا و گوشی شنوا، قول، فعل و کردار عملی بزرگان و اولیا را الگوی خود قرار دهند. از مجموعه بیانات امام و نظریات او درباره اسوه و الگو می توان چنین نتیجه گرفت که جوانان در اسوه سازی و در برخورد با کسی که اسوه ای در نزد اوست، باید با بصیرت و انتخاب گری عمل نمایند و از غلبه احساس بپرهیزند.

گفتار دوم: نقش مدارس

اشاره

مدرسه، مهم ترین کانون تربیتی بعداز خانواده است. مدرسه به منزله پلی است که نوجوان را با جامعه مربوط می کند و می تواند از نوجوان، فردی مؤثر، فعال و مفید به حال جامعه تربیت کند.

ما مرهون مدرسه و نظام تعلیم و تربیت موفقی هستیم که توانسته است در امر پرورش نیروی انسانی، به موقع و صحیح اقدام نماید.(۱)

نقش تربیتی مدرسه را می توان به عواملی متعدد در درون مدرسه مرتبط دانست که القای ارزش های معنوی و رساندن پیام و بیان امور عبادی ازجمله نماز، می تواند از زمره آن ها باشد.(۲)

الف. برگزاری نماز جماعت در مدارس

با توجه به برگزاری این فریضه الهی به جماعت در مدارس، به جاست والدین به فرزندان خود سفارش و توصیه نمایند که در این برنامه مدرسه

۱- ۱. شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوانی، ص ۳۴۳.

۲- ۲. فرهادیان، رضا؛ اجلاس سراسری نماز، سال ۱۳۷۷، ص ۱۷۵.

حتماً شـرکت نماینـد و شـرکت در نماز جماعت مدارس، هم به لحاظ ادای تکلیف الهی و هم به جهت فواید بزرگ برگزاری آن و نتایج تربیتی در دانش آموزان دارای اهمیت فراوانی است.

وقتی زمینه ای برای نوجوانـان و جوانـان فراهم می شود تـا در یک فضای معنوی در کنار هم سن و سالان و هم کلاسـی های خود، مشغول خواندن نماز شوند، با آنان احساس دوستی بیش تری نیز خواهند کرد.

در این مراسم، زمینه پیدا کردن دوستان خوب هم فراهم است و دوستی ها نیز تحکیم می گردد.

برخی برنامه های دیگر در مدارس مثل مسابقات و برنامه های گروهی دیگر نیز در موقع نماز برگزار می شود که طرح آن در هنگام برگزاری نماز جماعت، باعث آشنائی دانش آموزان با آن ها می شود.

ب. نقش معلم

معلم در مـدرسه از مهم ترین عوامـل تربیتی به حسـاب می آیـد و به عنوان یک الگوی موثر و راه نمای مورد قبول در تربیت، نقش به سزایی برعهده دارد.

چون معلم در مقاطع و دوران های مختلف تحصـیلی و با دوره های سـنی دانش آموزان و شـرایط عدیده تغییر می کند، زمینه تـأثیر در تربیت نوجوانـان و جوانـان نیز فراهم می شـود و این به دلیـل نزدیکی شخصـیت معلم و دانش آمـوز، اهمیت ویژه ای دارد.

مسـلم است که اخلاـق مناسب، محبت معلم، مـدبر بودن و منش او، اهل علم و عمل بودن او، منطقی بودن رفتارهای او، میزان دانش و معلومات او و تسلط او بر مطالب علمی، درک شرایط و روحیات

ص:۱۵۰

دانش آموز و عفو بخشش و... مهم ترین صفات و ویژگی هایی هستند که در این تربیت مفید واقع می شود و معلم با داشتن این صفات، اثر بیش تری در تربیت دانش آموز خواهد داشت.

هم چنین رفتار معلم در رعایت مناسک دینی و عمل او به اعمال و فرایض، با توجه به نقش الگویی او اهمیت زیادی در گرایش دانش آموزان به امور عبادی مثل نماز دارد.

ج. نقش مربیان تربیتی در مدارس

مربیان تربیتی مدارس که بعد از انقلاب در مدارس جمهوری اسلامی جایگاهی مهم را به خود اختصاص دادند، نقش بسیار مهمی در تربیت برعهده دارند. بیش تر خانواده ها در گرفتاری های روزمره به قدری مشغول اند که اساساً در فکر مسایل روحی و اخلاقی و مذهبی فرزندان خویش نیستند. والدین نیز اصلاً از جریانات تربیتی اطلاع ندارند و بیش تر مسئولیت ها برعهده مربیان واگذار شده است.

براین اساس، این امر مهم متوجه مربیان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت مدارس است و نیز ستادهای تربیتی که عمدتاً به مسایل اخلاقی و تربیتی دانش آموزان توجه دارند.(۱)

پس مشخص می شود که مربیان در تربیت نوجوانان و جوانان نقش به سزایی بر عهده دارند و نباید فرصت را از دست بدهند؛ چون گاهی نقش مربی در تربیت دانش آموزان آن قدر است که کسی دیگر نمی تواند جایگزین او باشد.

در فرصتهایی نیز که برای مربیان و ستادهای تربیتی فراهم می شود،

۱- ۱. فرهادیان، رضا؛ اجلاس سراسری نماز، سال ۱۳۷۷، ص ۲۳۵.

باید به طرح مسایل ضروری این دوره پرداخت و دانش آموزان نوجوان را با اهم وظایفشان آشنا نمود.(۱)

رسالت و مسئولیت خطیر مربیان در مدارس عبارت است از برنامه ریزی دقیق و فراهم نمودن زمینه مناسب در آشنا نمودن دانش آموزان با مسایل دینی، نماز، قرآن و برنامه های فرهنگی و جذاب هنری، از قبیل سرود، نمایش، مسابقات هنری، برپایی نماز جماعت، اردوهای درون شهری و برون شهری و بهره مندی از امکانات تربیتی.

این مجموعه فعالیت در مدارس بستگی به ارتباطی دارد که مربیان با دانش آموزان برقرار می کنند.

عمل آن ها نیز به عنوان جزیی از جریان تربیت و الگوی تربیتی، در نوجوانان و جوانان تأثیر زیادی دارد و باید با فعالیت و انجام فرایض و سایر امور عبادی، زمینه مناسب را برای تأثیر گذاری بر دانش آموزان فراهم آورند.

گفتار سوم: رسانه های گروهی

اشاره

امروزه یکی از مسایل بسیار مهم در جوامع، جریان رسانه ای است که اثر جهانی نیز دارد. رسانه به چند گروه تقسیم می شود که عبارت اند از: تلویزیون و رادیو، ماهواره، کتاب، مجلات و روزنامه، سینما، اینترنت. هر کدام از این رسانه ها، به نحوی در جامعه تأثیر دارند، اما از میان آن ها، تلویزیون یک قدرت بی رقیب است.

علاوه بر نقش تعیین کننده تلویزیون به عنوان دانشگاه سراسری و ارایه دهنده الگوهای متنوع فرهنگی و ایجاد کننده نگرش های تازه و انگیزه ها

۱- ۱. فرهادیان، رضا؛ اجلاس سراسری نماز، سال ۱۳۷۷، ص ۲۳۵.

و تمایلات جدید که مسلماً تأثیر به سزایی در تکوین شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان دارد ... و مابقی رسانه ها هر کدام اثر خاصی بر روند تکوین شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان بجا می گذارند.(۱)

پس نقش رسانه های تصویری در تربیت بیش تر است و به همین دلیل ما به وظایف صدا و سیما در این زمینه اشاره می کنیم.

عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز در رسانه ملی

بعد از خانواده، مدرسه و جامعه به عنوان عوامل تأثیر گذار در تربیت ذکر شده اند. اما نباید تصور شود که رسانه ملّی نقش کمتری از آن ها در امر تربیت دارند. حتی شاید بتوان گفت نقش آن بیش تر و پررنگ تر است!

پس عوامل مؤثر در گرایش جوان به نماز در رسانه ملی عبارت است از:

۱. صدا و سیما به عنوان بازوی قدرتمند و به عنوان رسانه ای پر طرفدار می تواند نقش بسیار سازنده ای در گرایش و آشنایی نوجوانان و جوانان با فضایل نماز داشته باشد. مسلماً ساختن برنامه هایی که مفاهیم نماز و تأثیرات آن بر زندگی انسان را نشان می دهد، در این زمینه بسیار مفید و مثمر ثمر خواهد بود.

۲. تهیه و پخش برنامه تلویزیونی از زندگانی پیامبران، ائمه اطهار و علمای بزرگ اسلام برای بینندگان جوان، به ایجاد زمینه های پذیرش مسایل مذهبی و مفاهیم دینی برای نوجوانان و جوانان منجر می شود و صدا و سیما باید به آن توجه داشته باشد.

۳. اهمیت دادن به مسایل مذهبی مثل قرائت قرآن در سریال ها و

۱- ۱. افروز، غلامعلی؛ روان شناسی تربیتی کاربردی، ص ۱۵۱.

فیلم های تلویزیونی مسئله مهم دیگر است.

۴. پخش اذان با صدای گیرا و جذاب در صدا و سیما، ساختن سرودهای زیبا برای نماز و اذان و پخش آن ها لحظاتی قبل از اذان، در جذب نوجوانان و جوانان به دین مؤثر است.

۵. برگزاری مسابقه ها و فراهم نمودن سرگرمی با موضوعات مذهبی مثل نماز با جوایز ارزنده و پخش آن ها هر هفته از صدا و سیما می تواند فعالیت دیگری در این زمینه باشد.

۶. قطع برنامه های صدا و سیما موقع پخش اذان، فعالیت دیگری است که ممکن است در یاد آوری وقت نماز و گرایش به آن مهم باشد. حداقل باید سعی شود برنامه های جذاب در این موقع پخش نشود.

برخی صاحب نظران معتقدند امروزه، پس از گسترش این ابزار، تلویزیون به صورت عضو بی بدیل جامعه و حتی خانواده ها در آمده است. به طور طبیعی، چون این وسیله همانند دیگر ابزارها و تکنیک ها از فرهنگ ماده گرا و نظام انسان مدار غرب بر آمده است، روح باطن و ماهیت آن را از نظام فرهنگی اش نمی توان جدا دانست، حتی اگر پیام ارسالی آن، پیام ارزشی باشد.

اندیشمندان، جامعه شناسان و کارشناسان علوم ارتباطات درباره کارکرد این وسیله دیدگاههای متفاوتی دارند. لذا تعریف واحد برای آن وجود ندارد.(۱)

اما با وجود همه این تفاوت ها در تعریف، نمی توان نقش مهم و مؤثر رسانه ها را در شکل دادن ابعاد تربیتی جامعه، به خصوص مسایل و امور مذهبی نادیده گرفت؛ زیرا اثر آن بسیار زیاد و فراگیر است.

۱- ۱. طهماسبی، مهدی؛ چگونگی انتقال مفاهیم دینی به جوانان، ص ۶۸.

گفتار چهارم: مسجد

الف. بررسی لغوی واژه مسجد

مسجد در لغت به پیشانی شخص که اثر سجده بر آن بماند گفته می شود. مسجد یعنی سجده گاه و این نامی است برای محل عبادت، خواه در آن محل سجده شود یا نشود.(۱)

در تفسیر المیزان در توضیح کلمه مسجد آمده است: «مسجد، اسم مکانی است که سجده در آن انجام می شود و اگر اعضای سجده (پیشانی و دوکف دست و دو سرزانو و نوک شست پاها) را مسجد می نامند، برای این است که اینها نیز به نوعی با سجده ارتباط دارند»(۲)

صاحب جواهر نیز می نویسد:

«مسجد جایی است که برای اقامه نماز برای همه مسلمانان وقف شده است. پس اگر برای برخی از مسلمانان اختصاص داشته باشد، مسجد نخواهد بود».(۳)

ب. جایگاه مسجد در میان مسلمانان

مسجد، مهم ترین پایگاه عبادی مسلمانان است و علاوه بر این که محلی برای عبادت است از جایگاه بسیار مهم و مقدسی نیز برخوردار است. پس از گذشت چهارده قرن از عمر اسلام، باز مسجد هم چنان یک سنگر بسیار حساس و مهم به شمار می آید.

۱- ۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، واژه مسجد.

۲- ۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ج ۹، ص ۲۶۷، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر.

۳- ۳. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۹.

«مسجد عهده دار نقش های مهمی در عرصه های عبادی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی و نظامی است».(۱)

بعد از انقلاب اسلامی، مسجد برای جوانان به یک کانون فرهنگی تبدیل شد و حتی در زمان جنگ عراق علیه ایران و دفاع مقدس، جوانان از راه جذب شدن به پایگاه های بسیج که زیر نظر مسجد مشغول به فعالیت فرهنگی و تربیتی و پشتیبانی جنگ بود به جبهه اعزام می شدند.

علاوه بر این، امروز مسجد یک جبهه فرهنگی است و توجه مسلمانان را بیش تر از قبل به خود جلب کرده و در دل دشمنان اسلام خوف انداخته است.

امروز، مساجد از حالت رکودی که در آن چند نفر سالمند نماز برپا می کردند درآمده و به کانون های فعالیت تبدیل شده است.

در حال حاضر، مساجد یک دوره فعال را طی می نمایند و نیاز به برنامه ریزی دقیق دارند. وقتی ما می خواهیم جوانان، اهل مسجد و نماز خوان باشند، نیاز است از دوران کودکی در این زمینه برای آن ها سرمایه گذاری شود و در دوران نوجوانی و جوانی، نتیجه آن گرفته شود.

گرچه خانواده ها از جایگاه مهم و بسیار مؤثری در تربیت و ترغیب جوانان به نماز برخوردارند اما عوامل دیگری نیز هستند که در جایگاه خود بی تأثیر نیستند.

یکی از عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز، مسجد است. علاوه بر محیط جغرافیایی و فیزیکی مسجد و فضای آن، نظافت و تمیزی مسجد، عوامل انسانی و کارگزاران مسجد مانند امام جماعت و... نیز در گرایش جوانان به نماز نقش دارند.

۱- ۱. نوبهار، رحیم؛ مسجد نمونه، ص ۱۰.

ج. نقش امام جماعت در مساجد

امـام جماعت در زمینه های مختلف عبادی، فرهنگی، سیاسـی به عنوان یک راه نما و هـدایت گر نسل نوجوان و جوان و نیز به عنوان یکی از عوامل مهم اقبال به مسجد، نقش حساسی دارد.

او می توانـد یک نقش اساسـی و کارآمـد داشـته باشـد؛ چون بدون وجود او، مأمومین به فیض نماز جماعت نایل نمی شوند. بنابراین او می تواند با ارشادات و راه نمایی های خود نقش مؤثری داشته باشد.

از نظر دینی و فرهنگی نیز تنها عالم دین شـناس و متعهد خواهد توانست مسـجد را به کانون گرم مباحث علمی و دینی تبدیل کند. مسـجد در بعد اجتماعی و سیاسی نیازمند امام جماعت دانشمندی است تا در سایه آگاهی از مبانی دینی و برخورداری از هوش و انـدیشه سیاسـی، روشـنگر افکار دیگران باشـد و خطرها و آفت هایی که بالقوه یا بالفعل مسـلمانان را تهدیـد می کند باز گو نماید.

روحانیت به عنوان پرچمـدار اسـلام و مبلّغ و ترویـج کننـده احکام آن، همواره نقش به سـزایی در گرایش و جذب همه اقشار جامعه و مخصوصاً نوجوانان و جوانان به نماز و دین داشـته و این نقش در ابعاد دیگر نیز بسـیار مؤثر بوده است. تأثیر روحانیت هم از بعد علمی و هم از بعد عملی به عنوان یک الگوی شایسـته مطرح است. از جهت تأثیر با وعظ و نصیحت و گفت و گو و بیان احکام نیز این نقش برای روحانی مسجد مهم به شمار می آید.

یکی از روش های بسـیار مطلوب که در جلب توجه نوجوانان و ایجاد نگرش مثبت نسـبت به مساجـد بسـیار مؤثر است دعوت دانش آموزان مدارس مختلف به همراه معلمان آن ها در مناسبت های خاص جهت

صرف نهار و اقامه نماز توسط امام جماعت مسجد می باشد.(۱)

امام صادق(ع) وقتی مبلغان دین و شاگردان خویش را به تبلیغ می فرستاد می فرمود: «نوجوانان را دریابید! که آنان به هر خیر و صلاحی پیشتازند».(۲)

دلیل این توجه و سفارش هم، تمایل جوانان به کارهای نیک است که ضرورت توجه بیش تر در برنامه های فرهنگی و تربیتی نوجوانان و جوانان را دو چندان می کند. پس اگر امامان مساجد و روحانیون هنگام تبلیغ به نوجوانان و جوانان توجه خاص بنمایند، می توانند در آن ها گرایش به نماز ایجاد کنند.(۳)

د. مسئولیت خطیر امام جماعت

امام جماعت از جایگاه ویژه ای برخودار است و در منابع دینی از او در بعضی موارد به عنوان هدایتگر جامعه نام برده شده است. می فرمایند: «اَلصَّلَوهُ جَماعَهُ وَلوْ عَلَی رَأْس زَجٍ؛ نماز جماعت برگزار می شود هر چند بر نوک نیزه باشد.(۴)» پس از ابتدا در میان مسلمانان، مسئله جماعت و امام آن مطرح بوده است.

پیش نمازی و امامت جماعت در فریضه نماز، نقش رهبریت و هدایت را برای فرد به همراه دارد؛ البته به صورت بالقوه می شود که گاهی این رهبریت عنوان حق به خود گیرد و گاهی عنوان باطل. در آیه قرآن آمده

۱- ۱. افروز، غلامعلی؛ روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۳۹.

۲- ۲. مجموعه روایت جوان، به نقل از کتاب الحدیث، ج ۱، ص ۳۶۹.

۳- ۳. مجموعه روایت جوان، به نقل از کتاب الحدیث، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴- ۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۵.

است: «یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُناسٍ بِإِمامِهِم؛ روزی که هر مردمی را با امام و پیشوایشان می خوانیم.»(۱)

در تفسیر آیه فوق چنین برداشت می شود که در روز قیامت، هر امتی با پیامبرانشان خوانده می شوند و نامه اعمالشان به آن ها داده می شود.

در روایتی از امام علی(ع) نیز نقل شده است «امامان دو گونه اند: امام و رهبر هدایت و ارشاد و امام و پیشوای ضلالت و گمراهی»(۲).

رسالت امام جماعت بسیار مهم است؛ چون هدایت بخش مهمی از جامعه برعهده اوست. او در واقع جانشین پیامبر شده و مردم به او اقتدا می نمایند؛ پس اگر درست و به جا عمل نماید، جامعه از عذاب الهی در امان خواهد بود و مشمول الطاف الهی قرار خواهد گرفت و اگر از عهده مسئولیت بر نیامد، آن جامعه به سمت تباهی و گمراهی خواهد رفت(۳).

روشن است که مسولیت گمراهی یا سعادت جامعه نیز بر عهده امام جماعت و سایر امامان جماعت خواهد بود که نقش رهبری جامعه را بر عهده داشته اند.

۵ . رسالت ویژه امام جماعت

یکی از عوامل اصلی برای هدایت جامعه، امامت در نماز است؛ چون انسان در همه ابعاد زندگی، تحت هدایت و رهبری است.

هر انسانی اگر تحت مدیریت و رهبری انسان کامل و پیشوای عادل قرار نگیرد، به طور قطع تحت رهبری پیشوای جور و ستم قرار خواهد گرفت و اگر به دنبال پیامبران و پیشوایان بر حق نباشد، حتماً پیرو شیطان

۱- ۱. سوره اسراء، آیه ۷۱، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۳۰.

۳- ۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۶.

خواهد بود. چنان که قبلاً ـ اشاره شد، پیش نمازی و امامت در نماز، نوعی رهبری و پیشوایی است و هر پیش نماز و امام جماعتی در حد خود باید واجد کمالات، خصال و روحیات و عمل کردهای پسندیده باشد. راز این مطلب نیز آن است که اسلام، خواهان پیاده شدن مجموعه ارزش های انسانی در ابعاد مختلف زندگانی انسان است.

پس امام جماعت باید خود یک انسان اسوه و نمونه و برای مأمومین و پیروانش سرمشق علمی و عملی باشد؛ هر چند محیط رهبری او مانند مسجد، کوچک باشد.

رسول خدا(ص) در حیات خود همواره در همه نمازها، امام و پیش نماز بوده و کارهای چشم گیر و جالب توجهی نیز انجام می داد.

ایشان خود بنیان گذار مسجد و نماز بود و در مدیریت مسجد و تشکیل نماز جماعت نیز نقشی اساسی داشت. در مجموع، یک امام جماعت باید دارای ویژگی های ذیل باشد:

۱. مدیریت مسجد: امام جماعت باید کنترل نمازهای جماعت، رعایت نظم و ترتیب ظاهری و انضباط معنوی را بر عهده داشته باشد. او زمانی موفق است که تمام برنامه های مسجد را کنترل کند.

۲. خودسازی: ویژگی بارز یک امام جماعت، خودسازی و پرداختن به تعلیم و تربیت خویش است، چون او هدایتگر است. کسی که خود را گم کرده نمی تواند راهبر دیگران

باشد. امام علی(ع) می فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، بیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد باید خود را بسازد و بیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد».(۱)

۳. علم و آگاهی: پیش نماز باید دارای آگاهی، درایت و دانش لازم روز

۱- ۱. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، ص ۶۳۸.

باشـد؛ چون از موارد خودسازی یک امام جماعت، عالم بودن اوست که بـدون آن، خود گمراه است و نمی توانـد هدایت گر باشد. امام علی(ع) در مورد عالم می فرماید:

«درباره چیزی که علم و شناخت ندارید صحبت نکنید».(۱)

و. مسجد، کانون تربیت و آموزش نوجوانان و جوانان

همراه بردن کودکان به مسجد، موجب علاقه مند شدن آنان به نماز و سایر فعالیت های عبادی می شود. مسجد، کانون تربیت است و حضور در آن خود مقدمه ای برای تأثیر پذیری از آن است.

سنّت پیامبر(ص) و ائمه و پیشوایان معصوم(ع) نیز چنین بوده است.

براین اساس باید از حضور بچه ها در مسجد استقبال کنیم و با برخورد مناسب، آن ها را به دوام این آمدن مشتاق سازیم.

جـابر از امـام بـاقر(ع) در مورد کودکـان، هنگـامی که برای نماز واجب در صف نماز جماعت شـرکت می کننـد، سوال کرد. امـام(ع) فرمود: «آنـان را از صـفوف نماز جماعت خارج نکنیـد بلکه آن ها را در میان بزرگسالان پراکنـده سازیـد».(۲) گفت وگو و برخورد محبت آمیز بـا کودکـان و نوجوانـان در مسـجد از سوی ائمه(ع) و پیامبر(ص) نشانگر آن است که ایشان توجه خاص به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد داشته اند.

امروز نیز درصورتی که اداره کننده مسـجد و روحانی و امام جماعت، برنامه های مناسب و سازنده ای داشته باشند، می توانند نقش مفیدی در جذب و هدایت کودکان و نوجوانان داشته باشند.

۱- ۱. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، ص ۱۴۸، خطبه ۸۷.

۲- ۲. کلینی، کافی، ج ۳، و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۰.

ز. جذابیت فضای فیزیکی مساجد

برخی عوامل جذب در مسجد چنین است:

۱. وضعیت ظاهری مسجد یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد است. هرچه مسجد از نظر ظاهری تمیز، مرتب، ساده و با صفا باشد و در آن رعایت معماری سنتی و نقش و نگارهای زیبا و مذهبی بیش تر باشد، جذب به آن نیز بیش تر خواهد بود.

۲. موقعیت جغرافیایی مسجد عامل مهم دیگر در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد است. اگر مسجد نزدیک محل سکونت باشد، فرد راحت به آن دسترسی پیدا می کند و اگر دور دست باشد یا در محل مناسبی واقع نشده باشد، در جذب جوانان محل اختلال ایجاد خواهد شد.

برای بنیان گذاران مسجد، باید همیشه این نکته مورد توجه باشد که در ساختن مسجد، محل مناسبی را در اختیار گیرند تا رفت وآمد به آن برای همگان میسر و سهل باشد.

۳. فعالیت های جنبی مسجد نیز می تواند در گرایش نوجوانان و جوانان به آن مؤثر باشد. فعالیت هایی مثل داشتن کتاب خانه، کانون فرهنگی، پایگاه مقاومت و حتی هیأت امناء و...

ح. پاکیزگی و مساجد

مسجد به عنوان یک سنگر دفاع از حریم دین مقدس اسلام، خود باید نمونه ای از به کارگیری عملی آموزش های اسلامی باشد. پاکیزگی فضای این سنگر و سنگربانان آن یک ضرورت است. در طول تاریخ اسلام، مسجد تجلی گاه هنر معماری و شاه کارهای ماندنی هنرمندان اسلامی

ص:۱۶۲

بوده و نظافت این فضای هنری بر رونق آن می افزوده است.

سنگر خداپرستان (نمازگزاران) باید پاکیزه باشد تا نمازگزاران به پاکیزگی جسم و روح نیز متوجه شوند. مسجد باید برای نوجوانان و جوانان جذابیت آفرین باشد و آنان را به سوی هدایت بکشاند؛ چون ذات نوجوان و جوان، پاکیزگی را دوست دارد.

اسلام نیز راجع به پاکیزگی و نظافت مساجد سفارش زیادی نموده است. رسول خدا(ص) می فرماید: هر کس مسجدی را خاکروبی کند، خداوند پاداش آزاد کردن بنده ای را برایش می نویسد و اگر از این مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می رود غبار برگیرد، خداوند دو برابر آن، رحمت خویش را به او عطا می فرماید.

هنگام رفتن به مسجد باید تمیز بود و زینت های خود را همراه داشت. در قرآن کریم سفارش شده است: «يَا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید».(۱)

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می فرماید: «مراد از همراه داشتن زینت در تمام مساجد، این است که انسان به هنگام حضور در مسجد، زینت های نیکو و پسندیده را به همراه داشته باشد و البته این کار برای نماز... جنبه یاد خدا دارد... پس فرمان خداوند به «زینت کردن» در هنگام ورود به مساجد، در حقیقت به معنای مطلوب بودن زینت برای نماز و دیگر عبادات مشابه است و شامل زینت کردن در اعیاد و جماعات و نمازهای یومیه و سایر عبادات نیز می شود».(۲)

ص:۱۶۳

۱- ۱. سوره اعراف، آیه ۳۱، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۲. طباطبائی، محمّد حسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه موسوی، محمدباقر؛ ج ۸، ص ۹۹.

در این مورد برخی صاحب نظران مثل آقای قرائتی تاکید دارند که در مورد لباس، بهتر است انسان لباس تمیز و سفید و معطر را برای نماز انتخاب کند، چرا که به دیدار خدا می رود. شرط ادب در چنین دیداری استفاده از بهترین لباس هاست.(۱)

از سوی دیگر از نظر متون اسلامی ظاهر انسان دلالت بر باطن می کند و بین ظاهر و باطن، رابطه ای محکم برقرار است.

کسی که از جهت ظاهری، خوب خود را آماده کرده است، قطعاً در باطن نیز آمادگی خواهد داشت.

از سوی دیگر تمیز بودن و همراه داشتن زینت در هنگام رفتن به مسجد، کودکان و نوجوانان را نیز مورد تأثیر قرار می دهد و در آن ها رغبت آمدن به مسجد را زیاد می کند.

۱- ۱. قرائتی، محسن؛ آشنایی با نماز برای نوجوانان، ص ۳۱.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. آمـدی تمیمی، محسن؛ عبدالواحـد؛ معجم الفاظ، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه مصـطفی درایتی، چاپ قم، مرکز الابحاث والدراسات اسلامیه، ۱۳۷۲ ه .ش.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۷ ق، با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم.

۵. ابن الحسین بن فارسی زکریا، مقاییس اللّغه، چاپ بیروت، دوم، دار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.

۶. ابن منظور،لسان العرب، چاپ بیروت، دار الاحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۸ ه .ق.

۷. ابی جعغر احمـد بن محمـد بن خالـدالبرقی، محـاسن بـا تصـحیح و تعلیـق، جلالـ الـدّین حسـینی،چـاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.

۸. ابی عبداللّه، محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ه .ق.

۹. احسانبخش، شیخ صادق، آثارالصادقین، چاپ اولی، رشن نشر صادقین، ۱۳۷۷ ه .ش.

۱۰. احمد فتح اللّه، معجم الالفاظ فقه جعفری، بی نا، ۱۴۱۵ ه .ق.

۱۱. اریکسون، دیچردس، ارسن - د - هیگلگـارد، زمینه روان شناسـی، چـاپ دوازدهم، تهران، انتشـارات رشـد، ۱۳۷۷ ه .ش، مترجمـان: ابراهیمی، محمـد تقی، بینسـرشک، بهروز، سـیف، علی اکبر، طریقی، شـکراللّه، علمایی زنـد، شاهین، محیط احمـد، مهدی محیی الدین.

۱۲. اکبری، محمدرضا، تفسیر نماز، چاپ اول، پیام آزادی، تهران، ۱۳۸۱ ه .ش.

۱۳. امینی،ابراهیم،آیین تربیت،چاپ ششم،تهران،انتشارات اسلامی،۱۳۶۵ ه .ش.

۱۴. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، چاپ نوزدهم، قم، ام ابیها،

ص:۱۶۵

۱۳۸۰ ه .ش.

۱۵. ایزدی، سیروس، روان شناسی شخصیت از دیدگاه مکاتب، چاپ دهخدا، تهران، ۱۳۵۶ ه .ش.

۱۶. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه .ش.

۱۷. بالایان، مسروب، روان شناسی بلوغ.

۱۸. بانکی پورفرد، امیر حسین، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰ ه .ش.

۱۹. بحرانی، کمال الـدین میثم بن علی بن میثم، شـرح نهـج البلاغه، مترجم: محمد رضا عطایی، چاپ اول، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ه .ش.

۲۰. بیابانگرد، اسماعیل، روان شناسی نوجوان، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ه .ش.

۲۱. پاینده،ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ سیزدهم،تهران،جاویدان، ۱۳۶۰ه .ش.

۲۲. پور افکاری، نصـرت اللّه، فرهنگ جامع روان شناسی و روان پزشکی انگلیسی به فارسی، چاپ دوم، تهران، نوبهار، ۱۳۷۶ ه .ش.

۲۳. جمال فر، سیاوش، روان شناسی شخصیت، نشر روان، تهران، ۱۳۷۸ ه .ش.

۲۴. جوادی آملی، عبداللّه، اسرارالعبادات، چاپ سوم، قم، اسراء، ۱۳۷۰ ه .ش.

۲۵. جوادی آملی، عبد اللّه، حکمت عبادات، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ه .ش.

۲۶. جوادی، محمد جعفر، کدیور، پروین، روان شناسی شخصیت، چاپ تهران، ۱۳۷۲ ه .ش

۲۷. جهانگرد، یداللّه، نحوه رفتار والدین با فرزندان، چاپ دوم، تهران، انجمن اولیاء مربیان، ۱۳۷۲ ه .ش.

۲۸. حجّتی، محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ نشر فرهنگ اسلامی.

۲۹. حرّانی، ابو محمد، تحف العقول، حسن زاده، صادق، چاپ اول، قم، آل علی، ۱۳۸۲ ه .ش.

۳۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ احیاءالتراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ه .ق.

۳۱. حق جو، محمد حسین، آیین ارشاد و هدایت نسل جوان، چاپ اول، قم، نشر نهضت، ۱۳۷۵ ه .ش.

۳۲. خادمی، عین اللّه، بررسی عوامل مؤثّر درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان از دیدگاه مربیان تربیتی ناحیه ۲ آموزش و پرورش، قم، در سال ۱۳۷۹، چاپ اول، اداره کل آموزش و پرورش، قم، شورای تحقیقات، ۱۳۷۹ه . ش.

۳۳. خادمی کوشا، محمدعلی، جوان در پرتوی اهل بیت(ع)، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.

۳۴. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، چ ۲، تربیت دینی، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، زیر نظر علی رضا اعرافی.

۳۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، قم، شاکر، ۱۳۷۹ ه .ش .

۳۶. دلخوشنواز، هاشم، روان شناسی شخصیت کودک و نوجوانان، چاپ تهران، مروی، ۱۳۶۹ ه .ش.

۳۷. دوروم، دورلین، سیری در بلوغ، چاپ تهران، طوسی ۱۳۵۴، مترجمان کاظم سامی و محمود ریاضی.

۳۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ه .ش.

۳۹. راشدی، حسن، نمازشناسی، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم، ۱۳۸۰ه .ش.

۴۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات قرآن، با تحقیق صفوان عدنان داوودی، چاپ دارالقلم، دمشق، ۱۹۹۶ م.

۴۱. رضوان طلب، محمدرضا، پرستش آگاهانه، چاپ سوم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۶ ه .ش.

۴۲. زین العابدین بن علی، منیهالمرید فی آداب المفید والمستفید، ترجمه محمد باقر حجتی، چاپ تهران، ۱۳۶۷ ه .ش.

ص:۱۶۷

۴۳. سعادت، محمد علی، شیوه های برخورد با نوجوانان، چاپ یازدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱ ه .ش.

۴۴. شاهلویی پور، فضل اللّه و قائمی، پروین، روان شناسی بلوغ و تربیتی جنسی کودکان و نوجوانان، چاپ تهران، انتشارات حسام، ۱۳۷۰ه .ش.

۴۵. شایان مهر، علی رضا، دایرهالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

۴۶. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۴ ه .ش.

۴۷. شریعتمداری، جعفر، شرح لغات و تفسیر قرآن براساس تفسیر نمونه، چاپ مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ه .ش.

۴۸. شهید اول، لمعه دمشقیه، چاپ بیروت، مشکات الاعلامی الاسلامی، ۱۴۰۶ ه .ق.

۴۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، چاپ یازدهم، قم، انتشارات اسلامی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ۱۳۷۸ ه .ش.

۵۰. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، چاپ تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ترجمه علی کرمی، ۱۳۸۰ ه .ش.

۵۱. طبرسی، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبطالمسائل، با تحقیق مؤسسه آل البیت(ع)،چاپ اول،مؤسسه آل البیت لاحیاءالتراث، ۱۴۰۸ ه .ق.

۵۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چاپ نجف، آداب، ۱۳۴۰ ه .ق.

۵۳. طوسی ابی جعفر محمد بن الحسن، الامالی، چاپ اول، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ه .ق.

۵۴. عفیف، عبدالفتاح طیاره، روح الصلاه فی الاسلام، چاپ بیروت، ۱۳۹۲ ه .ق.

۵۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ یازدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ه .ش.

۵۶. غلامعلی، افروز، روان شناسی تربیت کار بردی، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ ۱۳۷۲ ه .ش.

۵۷. غلامعلی، افروز، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و

نوجوانان، چاپ ششم، تهران انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۷ ه .ش.

۵۸. فرهادیان، رضا، اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۷ ه .ش.

۵۹. فرهادیان، رضا، والدین و مربیان، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی،۱۳۷۷ ه .ش.

۶۰. فرید، مرتضی، الحدیث، روایات تربیتی از مکتب اهل بیت(ع)، چاپ نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ه .ش

۶۱. فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۱ هش.

۶۲. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات، چاپ دوازدهم، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، بی تا.

۶۳. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، چاپ تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۴ ه .ش.

۶۴. فیض کاشانی، ملامحسن، محجهالبیضاء، با تصحیح علی غفاری، چاپ بیروت، مؤسسه الاعلای للمطبوعات، ۱۴۰۳ ه .ق.

۶۵. قائمی، شناخت و هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ انتشارات امیر، ۱۳۷۲ هش.

۶۶. قائمی،علی، تربیت و بازسازی کودکان،چاپ نشردانش اسلامی،۱۳۶۲ه .ش.

۶۷. قائمی، علی، دنیای نوجوان دختران، چاپ انتشارات امیری، ۱۳۷۰ ه .ش.

۶۸. قائمی، علی، زمینه تربیت، چاپ هفتم، انتشاراات امیری، ۱۳۷۰ ه .ش.

۶۹. قائمی، علی، هدایت نوجوان به سوی نماز، چاپ تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۶ ه .ش.

۷۰. قرائتی، محسن، آشنایی با نماز برای نوجوانان، چاپ تهران، وزارت فرهنگ انتشارات اسلامی، بی تا.

۷۱. قرائتی، محسن تفسیر نور، چاپ قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۴ه .ش.

۷۲. قرائتی، محسن، راز نماز برای جوانان، تدوین جواد محدثی، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ه .ش.

ص:۱۶۹

۷۳. قرائتی، محسن، همراه با نماز، با همکاری سید جواد بهشتی، چاپ پنجم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ ه .ش.

۷۴. قره بیکلو، محمد و کریمیان، رضا، روان شناسی و مسایل نوجوانان و جوانان، چاپ اول، امیر، تهران، ۱۳۸۰ ه .ش.

۷۵. قمی، ابی جعفر محمدبن علی بن الحسین بابویه، شیخ صدوق، معانی الاخبار، با تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ قم، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۱ ه .ش.

۷۶. قمی، امالی صدوق، چاپ سوم، تهران، کتاب روش اسلامیه، ۱۳۵۵ه .ش.

۷۷. قمی، خصال صدوق، با تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ ه .ق.

۷۸. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، مترجم الهی قمشه ای، چاپ اول، قم، سیمای ولایت، ۱۳۸۲ه .ش.

۷۹. قمی، علل الشرایع، چاپ بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۱۹۶۶ م.

۸۰. قمی، من لایحضرالفقیه، چاپ دوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ه .ق.

۸۱. کریما، زهرا، روش های جذب کودکان به نماز، مرکز آموزش خواهران، پایان نامه سطح ۲، معارف اسلامی و تبلیغ، استاد راه نما دکتر علی نقی فقیهی، استاد مشاور: دکتر حاجی ده آبادی، ۸۰-۱۳۷۹ ه .ش.

۸۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق، فروع کافی، چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ ه .ش.

۸۳. کلینی، اصول کافی، با ترجمه و شرح، چاپ سوم، اسوه، ۱۳۷۵ ه .ش.

۸۴. گرامی، آیت اللّه محمد علی، اخلاق و عرفان در وضو و نماز، چاپ اول، قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۶ه .ش.

۸۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳ ه .ق.

۸۶. مجلسی، محمد باقر، حلیهالمتقین، چاپ مکرر، فؤاد، تهران، ۱۳۶۹ه .ش.

۸۷. مجله پیام زن، ۱۳۷۳ه .ش.

۸۸. مجموعه روایت جوان، چاپ نشده، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۸۹. محمدی ری شهری، محمد، الصلاه فی الکتاب والسنه، چاپ اول، دارالحدیث مترجم، عبدالهادی مسعودی ۱۳۷۷ - قم.

۹۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ اول، دارالحدیث با ترجمه حمید رضا شیخی - قم.

۹۱. مشکینی، علی، دروس فی الاخلاق، چاپ قم، نشر الهادی ۱۳۷۴ه .ش.

۹۲. مصطفوی، حسن، ترجمه و شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، چاپ تهران، قلم، ۱۳۶۳ه .ش.

۹۳. معزّی الملایری، شیخ اسماعیل، جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ قم، مهر ۱۳۷۱ه .ش.

۹۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵ه .ش.

۹۵. مکارم شیرازی، آیت اللّٰه ناصر، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، چاپ نوزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ه .ش.

۹۶. مکارم شیرازی، قرآن کریم.

۹۷. موسوی الخمینی، آیت اللّٰه روح اللّٰه، صحیفه نور، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸ه .ش.

۹۸. موسوی الخمینی، روح اللّٰه، آداب نماز، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۳ه .ش.

۹۹. موسی زاده، ابراهیم، نماز و آثار آن در دوران جوانی، چاپ اول، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ه .ش.

۱۰۰. مؤلفان دوان شولتز، و سیدنی شولتز، نظریه های شخصیتی، مترجم، سید یحیی محمدی، چاپ دوم، تهران نشر هما، ۱۳۷۸ ه .ش.

۱۰۱. مؤلفان مصباح - علی، زارعان، محمدجواد، بی ریا، ناصر، آقا تهرانی، مرتضی... روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، قم، مهر ۱۳۷۴ه .ش.

۱۰۲. نجاتی، حسین، روان شناسی کودک، چاپ تهران، بی کران، ۱۳۷۷ ه . ش.

۱۰۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ه .ق.

۱۰۴. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چاپ اول، مؤسسه انتشارات هجرت ۱۳۷۱ قم.

۱۰۵. نراقی، مهدی، جامع السعاده، مترجم، جلال الدین مجتبوی، چاپ چهارم، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶، تهران.

۱۰۶. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، چاپ ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ه .ش.

۱۰۷. ورام بن فراس، مجموعه ورام، چاپ قم، انتشارات مکتبهالفقیه.

۱۰۸. هاشمی، الخوئی، حاج میرزا، حبیب اللّه، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، با تصحیح و تعلیق ابراهیم میانجی چاپ چهارم، بنیاد فرهنگی امام مهدی(عج)، ۱۳۶۰ه .ش.

۱۰۹. هاشمی، سیدمجتبی، تربیت شخصیت انسانی، چاپ اول، قم، مرکز دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۴ه .ش.

۱۱۰. هندی، علاءالدّین بن علی المتقی بن حسام الدین، کنزالعمّال فی السنن والاقوال، با تصحیح و تعلیق شیخ بکر حبّانی، چاپ مؤسسه رسالت ۱۴۰۹ه .ق.

۱۱۱. یادگاری، عبدالمهدی، و عاقل فاخر، فرهنگ روان شناسی روان پزشکی، انگلیسی و فارسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۶ه .ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹